

پیام آبادگران

ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

۳۴۸

سال ۳۲ | آبان ماه ۱۳۹۵ | شماره ۳۴۸ دوره جدید ۱۱۸ | قیمت ۲۰۰۰۰ ریال (November . 2016) ABAN 1395 No. 348,

مهندس مجید شیخ‌بهانی:
عضو هیات مدیره سندیکا
و رئیس کمیسیون حقوقی:
**بی‌اطلاعی از قوانین؛
پاشنه آشیل
شرکت‌های پیمانکار**



۴۴

مهندس سیامک مسعودی
عضو هیات مدیره سندیکا
و رئیس کمیسیون قوانین و مقررات:
**بدون هیچ تردیدی توسعه
از مسیر واگذاری کارها
به بخش خصوصی می‌گذرد**



۴۴

مهندس بهمن دادمان
عضو هیات مدیره و دبیر سندیکای
شرکت‌های ساختمانی ایران
و عضو شورای عالی فنی:
**حفظ سازمان‌های مهندسی
باروش‌های جدید
تامین مالی**



۴۴

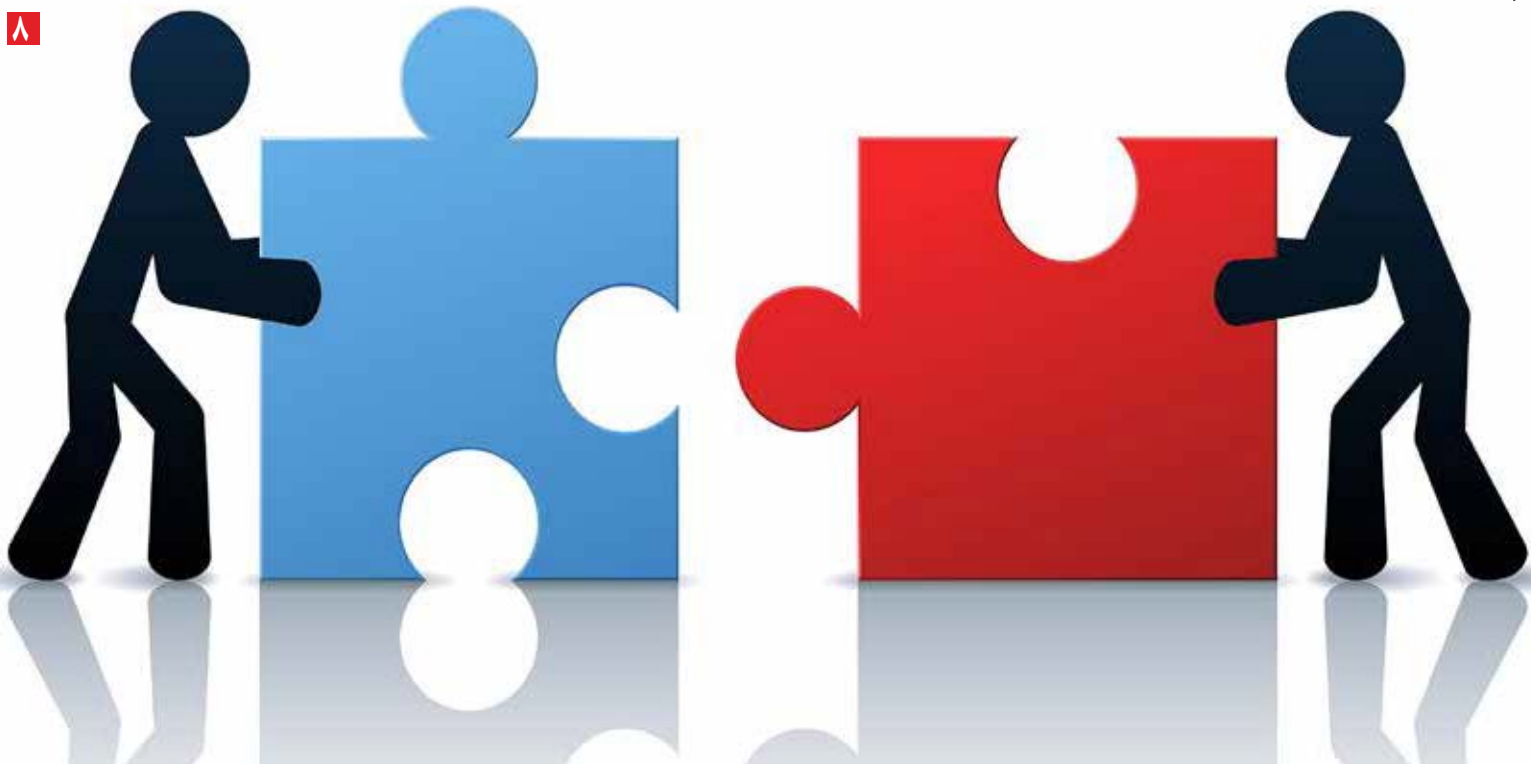
مهندس منوچهر ملکپانی فرد
رئیس هیات مدیره شرکت‌های
ساختمانی ایران و نائب‌رئیس
شورای هماهنگی:
**رشد بخش خصوصی
تامین‌کننده منافع ملی**



۴۰

چه کسی می‌خواهد من و تو «ما» نشویم

۸



**دومین کنفرانس سالانه
«ماشین‌آلات ثروت ملی»**

- بارویکرد: دانش ماشین‌آلات
- سرمایه انسانی و ماشین‌آلات
- قانون ماشین‌آلات
- مدیریت و ارزش افزوده ماشین‌آلات

۲۵

ماندگاری سازمان‌ها
در صنعت احداث
استقرار نظام نوین
مدیریت

۶۱

الزامات
روش
«مشارکت عمومی
و خصوصی»

۵۴

با گرفتن بودجه درمان
از سازمان
تامین اجتماعی
مخالفیم

۳۸

هیچ‌کس
در دولت و
در مجلس
پاسخگو نیست

۲۰



ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران
PAYAM-E-ABADGARAN
 Syndicate Of Iran Construction Companies
 Monthly Magazine

سال ۳۲ | آبان ماه ۱۳۹۵ | شماره ۳۴۸ دوره جدید ۱۱۸ |

به نام
 خداوند
 جان و
 خرد

فهرست مطالب

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

شورای سیاست‌گذاری:

- مهندس منوچهر ملکینی فرد (رئیس هیأت مدیره)
- مهندس بهمن دادمان (دبیر)
- مهندس جواد خوانساری (نایب رئیس هیأت مدیره و مدیرمسئول)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار)
- دکتر ایرج گلابتونچی (عضو هیأت مدیره)

رئیس کمیسیون انتشارات:

- مهندس علی ورزنده

سر دبیر:

- مهندس محمود مصطفی زاده

کمیسیون انتشارات و تحریریه:

- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس کاظم سماک (رئیس کمیسیون اقتصاد)
- مهندس عبدالمجید سجادی (رئیس کمیسیون روابط عمومی)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس محمود مصطفی زاده (سر دبیر)
- مهندس محمد غنی زاده (مدیر اجرایی)
- مهندس علاءالدین سادات باریکانی
- مهندس پرهام سیدین

همکاران این شماره:

- مهندس منوچهر ملکینی فرد
- دکتر محمود جام‌ساز
- مهندس سیامک مسعود
- مهندس پرهام سیدین
- مهندس بهمن دادمان
- مهندس مجید شیخ بهائی
- مهندس فریدون خزاعی
- جواد غیائی

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پور آقا

خبرنگار: آرزو نوری

عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی

امور آگهی‌ها: شقایق خواجه‌نصیری

لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر،
 خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶،

ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۴۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

- ۸ چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم؟ - سرمقاله
- ۱۰ گفتگو با رئیس هیأت مدیره سندیکا
- ۱۴ گفتگو با دبیر سندیکا
- ۱۹ تمرکز بر «رقابت و شفافیت»
- ۲۰ هیچکس نه در دولت، نه در مجلس پاسخگو نیست
- ۲۴ تجلیل از مهندس عطاردیان در چهارمین سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه
- ۲۵ دومین کنفرانس سالانه «ماشین آلات، ثروت ملی»
- ۳۳ بحران آب؛ نیازمند وفاق همگانی
- ۳۴ گفتگو با رئیس کمیسیون قوانین و مقررات سندیکا
- ۳۸ مخالف گرفتن بودجه درمان از سازمان تامین اجتماعی هستیم
- ۳۸ معضلات بانکی ناشی از یک ساختار بیمار است
- ۴۰ گفتگو با رئیس کمیسیون حقوقی سندیکا
- ۴۱ اخبار صنعت ساختمان
- ۴۴ ضوابط مربوط به هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام و خاص
- ۴۸ چرا موقوفات بانکی در ایران ۵ برابر دنیاست؟
- ۵۰ الزامات روش «مشارکت عمومی و خصوصی»
- ۵۲ پاگرد
- ۵۸ هدررفت ۶ برابری انرژی در ایران نسبت به اروپا
- ۶۱ ماندگاری سازمان‌ها در صنعت احداث استقرار نظام نوین مدیریت



نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

چه کسی می خواهد من و تو مانشویم؟

سرمقاله



پیام آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

تشکل‌های مدنی و مردم نهاد، سازه‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که از سوی گروهی از افراد یک پیشه یا فعالیت تشکیل می‌شود تا از این راه ارتقای کیفیت فعالیت‌ها و هم‌افزایی تجربه و توان تخصصی و راه رسیدن به اهداف جمعی مقدور گردد و منافع خرد افراد با منافع کلان جامعه همسو شود. در عین حال در برابر چالش‌هایی که برای توسعه فعالیت‌ها وجود دارد همبستگی بیشتری ایجاد شود تا از طریق کاهش هزینه‌ها، همصدایی جمعی، انتقال تجربه و تخصص از فرو پاشیدن واحدهای فعال جلوگیری گردد. این همبستگی‌ها اصولاً به صاحبان حرفه‌ها تشکل می‌بخشند، تشکلی که در پی آن وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی وسیعی به وجود می‌آید. چنین اجتماعاتی مضامین مختلفی دارند، از دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی عام‌المنفعه گرفته تا تلاش برای تامین منافع فردی و گروهی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی. آنگونه که تاریخ ایران نشان می‌دهد علت اولیه به وجود آمدن سندیکاها در ایران به عنوان بخش مهمی از تشکل‌های مردمی و به عنوان یکی از نمادهای تشکل‌های مدنی، تلاش کارگران در شرایط بحران اقتصادی، همزمان با دوره مشروطیت بوده است که در گام‌های اولیه به هدف اصلی خود نرسیده و بارها دچار ناکامی شدند. در نهایت همزمان با دوره قنوت یعنی سال‌های بعد از سقوط رضا شاه پهلوی که قدرت سیاسی، اندکی تقسیم و به نوعی از شخص محوری دور شد و در عین حال مجلس نقش مهم‌تری یافت،

سندیکاها، اتحادیه‌ها و نهادهای مردمی به طور رسمی پایه‌گذاری شده و به مرور به متون حقوقی و قانونی کشور نیز راه یافتند. برخلاف آن چه که برخی‌ها تصور می‌کنند، تشکل‌ها همواره در مسیر پویایی و تکمیل خود با موانع و چالش‌های عمده و مهمی روبرو بوده‌اند. یکی از مشکلات اولیه کمبود دانش مدیریت در نزد بنیان این تشکل‌ها بود که به موجب آن میان آرمان‌ها و اهداف با اعمال و خروجی‌ها تفاوت زیادی وجود داشت. رهبران اولیه این نهادها می‌دانستند که چه می‌خواهند و مطلوب آنها چیست و همچنین از تجربه و تخصص فنی بالایی برخوردار بودند اما در میدان عمل توانایی تحقق آن اهداف را نداشتند چرا که تجربه مدون و مدرن مدیریت نسبت به این مسئله در دسترس ایشان نبود. می‌توان در این راستا به این نکته نیز اشاره کرد که در روزگار گذشته جامعه ایرانی آموخته بود که از روش‌های سنتی از منابع و منافع عمومی به صورت بهینه و همچنین مشترک بهره‌برداری کند اما با توجه به اینکه آن میراث عمده‌تاً مربوط به جامعه کشاورزی بود و بیشتر، تمرکز بر مدیریت استفاده از آب به ویژه قنات می‌داشت، تجربه‌ای زیسته از نقش نهادهای مدنی که تامین‌کننده منافع متضاد و متکثر همه این اقشار باشد برای مدیران و بنیان‌گذاران نهادها و تشکل‌ها وجود نداشت و این امر راه را بر ابتکار و نوآوری این فعالان و رهبران سخت کرده بود. دیگر مشکلات اولیه تشکیل نهادهای مردمی

می‌توان به مشکلات سیاسی و عدم تأیید این نهادها توسط دولت‌های وقت اشاره کرد. حاکمیت‌های سیاسی ایران اعم از دولت‌ها یا نظام‌های سیاسی مستقر به خصوص در دوران شکل‌گیری، تشکل‌ها را به چشم رقیب و گاه مزاحم دیده‌اند. عموماً تشکل‌ها نمادهای بخش خصوصی هستند بخشی که می‌خواهد مرکزیت آموزش تخصصی و فنی را خود بر عهده داشته باشد و به قربان‌گوی قدرت‌ها و قوانین ناکارآمد نباشد. این بخش می‌خواهد هر جا که قاعده و قانونی علیه منافع مردم وجود دارد، اصلاح شود. طبیعی است حاکمیت‌های سیاسی انحصاری و اقتدارگرا نتوانسته‌اند به این حق مردمی و مصلحانه تن بدهند و در برابر تشکل‌هایی که در بخش‌های گوناگون به اشکال متنوع تلاش کرده‌اند که قدرت اجتماعی برای بهبود اوضاع و ترمیم نابسامانی‌ها ایجاد کنند، سنگ اندازی کرده و در مواقعی نیز با قدرت قهریه به مقابله برخاسته‌اند. بدیهی است مقابله قدرت قهریه با قدرت مردمی ادامه مسیر را سخت کرده و مدام به بهانه‌های درست و نادرست با قدرت‌گیری این تشکل‌ها مخالفت شده است. نکته مهم دیگر این بوده که تشکل‌ها گرچه از ماهیت یکسان و مشابه ساختاری برخوردارند اما کارنامه و عملکردهای متفاوتی از خود برجای گذاشته‌اند از تشکل‌هایی معتقد و مصر به مرامنامه با مسئولیت‌های اجتماعی و قانونی تا تشکل‌هایی که حتی به مرامنامه خود پایبند نبوده و در زمانی که قدرتی گرفته‌اند دچار انحراف در افکار و عملکرد شده‌اند. چنین

تجربه‌ای خواه ناخواه بر سرنوشت سایر تشکلهای نیز اثر گذاشته تا جایی که حتی در برخی از دوره‌های معاصر، بهانه‌های به ظاهر مشروع نیز برای سرکوب اندیشه تشکلهای گرایى از سوی حاکمیت‌ها فراهم شده است. به عبارتی تشکلهای صرف از ماهیت فعالیت خود بر همدیگر اثر مستقیم و غیرمستقیم داشته‌اند و با توجه به اینکه در دوره صد ساله اخیر مسیر فعالیت این تشکلهای به دلایلی که ذکر گردید بسیار دشوار بوده، تاثیر و اثر آنها بر همدیگر چندان به میزان مورد انتظار مفید و نتیجه بخش نبوده است. به این معنا که اگر موانع فوق‌الذکر و سایر چالش‌هایی که بعضاً پیش می‌آمد، در میان نبودند جامعه ایران، امروز در نقطه‌ای دیگر ایستاده بود و تشکلهای به مانند تارهای درهم تنیده بر انواع بحران‌ها و مسائل موجود غلبه می‌کردند نه آنکه بودن و حضورشان نیز تابع وضعیت سیاسی و اجتماعی جامعه باشد.

با این همه شاید بتوان گفت که تشکلهای صنفی موفقیت‌آمیزتر از سایر همزادان باشند. این نهادها به دلیل آنکه از سوی فعالان و صاحبان حرفه‌ها و مشاغل به وجود آمده و بنیان گذاشته شده‌اند و این افراد نه تنها اساساً صاحب تخصص و تجربه بوده‌اند بلکه تلاش‌های خود را نیز معطوف به فعالیت‌های تخصصی و سودمند برای خود و جامعه ساخته‌اند تا بتوانند برای فعالان حرفه خود موفقیت بیشتری کسب کنند. البته نیاز به تکرار نیست که چنین تشکلهایی نیز راه بسیار دشواری را پیموده‌اند و طوفان از سر گذرانده‌اند.

سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران نمونه‌ای از چنین تشکلهای مدنی است که تاریخچه‌ای سرشار از احساسات میهن‌گرایانه، تلاش‌های طاقت‌فرسا، گذر از منافع فردی به نفع منافع جمعی، شراکت در توسعه و عمران کشور، موفقیت در اصلاح قوانین و مقررات در توسعه کشور، موفقیت در اصلاح قوانین و مقررات ضد عمران کشور را دارد. این تشکلهای نیز مانند سایر نهادهای مشابه به سختی و اما به طور مؤثر توانسته است صاحبان قدرت را برای اصلاح رویه‌های نادرست و بهبود روش‌ها و قوانین ترغیب و

تشویق کند.

به رغم همه این نکات، این سؤال مطرح است که آیا همچنان این تشکلهای لازمند؟ آیا میزان موفقیت‌های آنان برای بودنشان توجیه‌گر است؟

در پاسخ به این سؤال باید دانست که گرچه می‌توان استدلال کرد که خاصیت و فضیلت کار مشترک آن است که هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و دستاوردها را بیشتر و ملموس‌تر می‌نماید اما قطعاً این پاسخ از بیش بدیهی بوده و ممکن است باب طبع همه فعالان یک حرفه و پیشه نباشد. واقعیت آن است که امروز هیچ جامعه‌ای نیست که در شاخص رشد و توسعه آن تکثیر و در عین اشتراک منافع دیده نشود. همبستگی بالایی بین میزان توسعه و سطح فعالیت تشکلهای وجود دارد این همبستگی تصادفی نیست و در واقع در جوامع مختلف تأثیرات آنرا به وضوح می‌توان دید. در جوامع امروز بخشی از بالندگی و پیشرفت‌ها به وجود این تشکلهای وابسته است. به فرض که وجود این تشکلهای در تأمین منافع اشخاص مؤثر نیفتد، اما رشد و توسعه جامعه به وجود آنها وابسته است. چنین است که آنها به مانند تارهای در هم تنیده تمام بخش‌های جامعه را به هم مرتبط می‌کنند و منشأ آگاهی بخشی و حرکت جمعی و مقاومت در برابر کز رفتاری همه

تشکلهای صنفی، پیشینه و کارنامه موفقیت‌آمیزتری نسبت به سایر همزادان خود دارند. این نهاد به دلیل آنکه از سوی فعالان و صاحبان حرف و مشاغل تأسیس شده و چنین افرادی اساساً به خاطر دارا بودن تخصص و تجربه، تلاش‌های خود را معطوف به حوزه تخصصی و سودمند برای خود و جامعه ساخته‌اند

اصحاب قدرت اعم از حاکمیت‌های سیاسی و قانونی تا کارفرمایان جزء و کلان می‌شوند. علاوه بر این، با ایجاد یک شبکه درون خانوادگی به انتقال و تثبیت تجارب ارزشمند تلاشگران صنف و پیشه خود مساعدت می‌کنند و کسب دانش و تخصص‌های جدید را برای سایر اعضای خود تسهیل می‌کنند. این تشکلهای با تأسیس اتاق‌های فکر و نهادهای کلان به آسیب‌شناسی مسائل خود و کشور می‌پردازند و تا حد توان برای اصلاح رویه‌ها از طرق قانونی اعمال فشار می‌کنند. بیراه نیست که مدعی باشیم بخشی از قوانین و مقررات ناکارآمدی که از صحنه حذف شده‌اند یا به وجود آمدن قوانین مؤثر و مفیدی که مصوب شده‌اند، نتیجه مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های چنین تشکلهایی است. تشکلهای در صورت‌هایی مثل انجمن، اتحادیه، سندیکا، اتاق‌ها، «ان. جی. او»ها و سایر اشکال مردمی توانسته‌اند نقش‌های مثبتی برای جامعه ایفا کنند و گام‌های توسعه را تقویت و محکم نمایند. گرچه به حد بسیار مطلوب نبوده و یا در قیاس با جوامع دیگر صاحب نقش کمتری بوده باشند اما مسئله اینجاست که برای برداشتن گام‌های موفقیت بیشتر و برای بهبود مستمر جامعه باید بیش از پیش به این نهادهای مردمی ایمان آورد و راه فعالیت و حضورشان را هموارتر کرد. بی شک مسیر تقویت هر تشکلی ابتدا از خواست و اراده اعضای آن آغاز می‌شود هرچه این تشکلهای به سبب حضور اعضا و حمایت آنها قدرتمند شوند، با عزم و همت افزونتری منافع جمعی را تأمین خواهند نمود و توان بیشتری برای برچیدن موانع پیش رو خواهند داشت.

بنابراین در شرایطی که افق پیش رو برای فعالیت‌ها و رشد افراد امیدوارکننده‌تر است و همچنین وجود تشکلهای راه رسیدن به موفقیت‌ها را هموارتر می‌نماید و پایداری دستاوردها را به ویژه از طریق انتقال تجربه و تخصص تیمی به نسل جوان تثبیت می‌کند، اهمیت حضور و تقویت تشکلهای بیش از پیش مطرح می‌گردد. به قول حمید مصدق شاعر پراوازه: «چه کسی می‌خواهد من و تو ما نشویم؟ خانه‌اش ویران باد...»



رشد بخش خصوصی تامین کننده منافع ملی

■ مهندس منوچهر ملکینی فرد - رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت های ساختمانی ایران مطرح کرد ■



پیام آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

بودم. از همین رو، پس از انقلاب کارکردن برای خود و تأسیس شرکت ایران بورگه به مراتب راحت تر شد و قطعاً دشواریها نیز بیشتر و بیشتر شدند.

■ شما به عنوان متخصصی که در بخش خصوصی و پیمانکاری فعالیت دارید چه برداشتی از موانع پیش رو در عرصه اجرایی و عمرانی دارید؟ این موانع و دشواری ها در میان شرکت های بزرگ، متوسط و کوچک چه تفاوت هایی دارند؟

بهبتر است سوال کنید چه چیز بیشتر از همه تا کنون بنده را رنج داده است؟ موانع و مشکلات با ماهیت سازندگی اجین است و رفع آنها وظیفه مهندس سازنده است. اما آنچه بیشتر از همه مرا رنج داده است این است که هیچگاه قدر سازندگان صديق را ندانسته اند و اغلب تصور این است که پول عامل سازندگی است، در حالی که به نظر بنده پول توشه راه است، آنچه عامل اصلی سازندگی است عشق و ایثار و اراده پولادین است و بس! سازندگان عاشق وطن می شوند

داشته ام. در آغاز کار حدود ۲ سال به عنوان رئیس کارگاه در شرکت رشه و در خدمت مرحوم مهندس ابوالفضل ناصحی بودم، دانشگاه رضائیه را می ساختیم. پس از آن تا انقلاب اسلامی در شرکت تساو و در پایگاه نیروی هوایی بوشهر به عنوان معاون کارگاه و مسئول بخشهای مختلف مشغول به کار بودم. در این شرکت سطح اخلاق بسیار بالا بود و روابط انسانی خوبی در محیط کار حاکم بود.

پس از انقلاب به عنوان شریک در شرکت طربال (به عنوان مدیرعامل) مشغول به کار شدم و انواع پروژه ها را در این شرکت انجام دادیم. از سال ۱۳۶۴ در شرکت ایران بورگه به عنوان مدیرعامل مشغول به کار بوده ام. شرکت ایران بورگه را قبلاً با تعدادی از دوستان تأسیس کرده بودیم.

من به سازندگی عشق بسیار داشتم و در مدتی که رئیس کارگاه بودم زودتر از همه در کارگاه حضور داشتم و پرتلاش و جدی کار می کردم. به همین دلیل هم در شرکت رشه و هم در شرکت تساو از موقعیت خوبی برخوردار

مهندس منوچهر ملکینی فرد مدیرعامل شرکت ایران بورگه، رئیس هیات مدیره سندیکا و نائب رئیس اول شورای هماهنگی است که همواره توجه به منافع ملی و عشق به سازندگی را از الزامات ورود به حرفه پیمانکاری دانسته اند.

در آستانه انتخابات بیست و سوم هیات مدیره سندیکا نظرات ایشان را در مورد مسائل مبتلابه پیمانکاران جویا شده ایم که جهت استحضار اعضای محترم در این ماهنامه درج می شود.

■ ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار نشریه آبادگران گذاشتید، اگر موافقت این گفت و گو را با مروری بر پیشینه شرکتتان آغاز کنیم و پس از آن به این نکته بپردازیم که چگونه تجربه و تخصصتان را برای هدایت امور این شرکت به کار گرفته اید؟

در سال ۱۳۵۱ از دانشکده فنی دانشگاه تهران با درجه فوق لیسانس در راه و ساختمان فارغ التحصیل شدم. از اردیبهشت ۱۳۵۳ تا کنون همواره در بخش پیمانکاری فعالیت



و اعتیاد به کار دشوار سازندگی پیدا می‌کنند که هیچ حرفه دیگری نمی‌تواند آنها را ارضاء نماید.

سردار قاسمی زمانی که فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء (ص) بودند، بنا به دعوت به سندیکا تشریف آوردند و در جمع مدیران شرکتهای عضو و تعدادی از فرماندهان قرارگاه فرمودند: «در پیمانکاری پول نیست، آنچه باعث استمرار فعالیت می‌شود فقط عشق است و بس! و گرنه پول از مسیرهای دیگر به راحتی کسب می‌شود». این صحبت که از دل ایشان برآمد بر دلها نشست و مدیران بخش خصوصی که قطعاً با دشواری‌هایی به مراتب بیشتر از مدیران قرارگاه روبرو بودند متوجه شدند که تا کسی وارد این حرفه نشود به ماهیت آن به درستی پی نمی‌برد! متأسفانه تعداد مجریان طرح‌ها که ماهیت حرفه را به درستی بشناسند نیز زیاد نیستند و به همین دلیل قدر این انسانهای سازنده و پرتلاش کمتر شناخته شده است. موانع پیش رو همچنان عدم امکان برنامه‌ریزی برای میان مدت و بلند مدت است که تابع شرایط سیاسی مملکت و ارتباطات جهانی است، ضمن اینکه عملاً شرکتهای دولتی یا وابسته به ارگانهای عمومی بخش اعظم پتانسیل‌هایی که بخش خصوصی برای ارتقای خود به آنها نیاز دارد را در اختیار می‌گیرند.

رفع کدام دسته از مشکلات مربوط به رونق بخش خصوصی، می‌تواند شما و شرکتتان را در موفقیت بیشتر یاری برساند؟ اجرای درست سیاست خصوصی‌سازی که مهمترین اصل در توسعه پایدار کشورهای توسعه یافته بوده و هست، می‌تواند باعث رونق بخش خصوصی و کوچک‌تر شدن دولت گردد. اما سالیان دراز است که شعار این موضوع داده شده و در عمل به دولتی کردن هرچه بیشتر بخش‌های اقتصادی پرداخته شده است. امروز حضور شرکتهای دولتی یا نهادهای عمومی و در مجموع شرکت‌هایی که تاوان عملکرد خود را نمی‌پردازند اعم از شرکتهای وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی، ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، شرکتهای مربوط به آستان قدس و ... عرصه فعالیت برای بخش خصوصی را تنگ کرده‌اند. متأسفانه هیچ‌گاه قیمت تمام شده پروژه‌ها به درستی اعلام نمی‌شود و شرکتهای دولتی مدعی هستند علیرغم باور جهانی و یک امر اثبات شده که دولتی شدن

کارها موجب گرانتر شدن کارها می‌گردد. شرکتهای فوق‌الاشاره ادعای ارزانتر تمام کردن پروژه‌ها را دارند!

تجربه شما چه می‌گوید؟ آیا اصلی‌ترین مسائل تان مربوط به مشکلات داخلی مثل کمبود سرمایه و تجربه، ضعف نیروی انسانی و تخصص، ضعف مدیریت و ... می‌شود یا عوامل بیرونی مثل رکود، تحریم‌ها، کمبود نقدینگی و گردش مالی در کشور، مقررات و قوانین دست و پاگیر، کارفرمایان قانون گریز، نبود رقابت واقعی و ... مسئله اصلی هستند؟

حرفه پیمانکاری ارتباط مستقیم با رونق

اجرای درست سیاست خصوصی‌سازی که مهمترین اصل در توسعه پایدار کشورهای توسعه یافته بوده و هست، می‌تواند باعث رونق بخش خصوصی و کوچک‌تر شدن دولت گردد. اما سالیان دراز است که شعار این موضوع داده شده و در عمل به دولتی کردن هرچه بیشتر بخش‌های اقتصادی پرداخته شده است

اقتصادی کشور دارد و رونق اقتصادی ارتباط مستقیم با ارتباطات جهانی دارد، کشورهایی به رونق اقتصادی رسیده یا می‌رسند که بخش اعظم حوزه فعالیت سیاسی و دیپلماسی کشور در جهت جلب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتباطات هر چه بیشتر در امر تجارت مصروف گردد. حکومت‌های مکتبی رونق اقتصادی را هدف اصلی نمی‌دانند و اقتصاد را فقط یک وسیله می‌دانند نه هدف، بنابراین دقیقاً بخش خصوصی در ایران با توجه به موارد فوق‌الذکر شکل می‌گیرد و در حد و حدود خاصی رشد می‌کند. نکته مهم این است که در چنین شرایطی بخش خصوصی نمی‌تواند برنامه‌های میان مدت و بلندمدت برای خود ترسیم کند و دقیقاً باید خود را روی موج نگه دارد تا خفه نشود!

آیا در فعالیت خود با رقابت‌های ناسالم و هزینه‌های ناشی از قاعده‌مند نبودن فعالیت‌های عمرانی مواجه هستید؟ آیا رقبای رانت‌دار مثل شرکت‌های خصولتی فعالیت شما و رقبای بخش خصوصی را دچار مضیقه کرده‌اند؟

پاسخ این سوال آری است و علت اصلی آن قاعده‌مند نبودن فعالیت‌ها است، در مجموع محیط فعالیت ناسالم است و متأسفانه انواع تخلفات مشاهده می‌شود!

به نظر شما گفت و گوی دولت و بخش خصوصی که در سال‌های اخیر به صورت نهادی در آمده است چه دستاوردی داشته، آیا کمکی به بهبود اوضاع داشته است؟



آن‌ها را برای موفقیت بیشتر سندیکا فعال ساخت؟

بنده حدود سی سال در این سندیکا به حوزه سازندگی و پیمانکاران سازنده در حد بضاعت خویش خدمت کرده و شاهد خدمات صادقانه اعضای هیأت مدیره و بازرسان محترم در دوره‌های مختلف بوده‌ام. این سندیکا از ظرفیت بالایی برای خدمت‌رسانی برخوردار است و همواره پیشرو و مبتکر بوده است. امید است نسل‌های حاضر و آینده در ارتقاء آن بکوشند، در شرایط امروز که شرکت‌های دولتی عرصه را برای فعالیت‌های بخش خصوصی تنگ نموده‌اند، بیش از هر زمان دیگری لازم است اعضا در سندیکای خود جمع شده و سعی کنند حول محور منافع ملی با اتحاد و اتفاق از اضمحلال بخش خصوصی شاغل در این حوزه جلوگیری نمایند. توسعه پایدار در ایران عزیز با تلاش مستمر بخش خصوصی حاصل می‌شود. بنابراین رشد بخش خصوصی می‌تواند تامین‌کننده منافع ملی باشد لذا تلاش در این راه یک وظیفه ملی و میهنی است.

■ **باتشکر از فرصتی که برای این مصاحبه در اختیار ما گذاشتید، در پایان مصاحبه آیه‌ای هست که یادآوری و ذکر آن برای اطلاع اعضای محترم سندیکا ضروری باشد.**

نکته آخری که لازم می‌دانم یادآوری نمایم، صیانت از اجرای درست برنامه ششم توسعه است، توجه داشته باشیم پنج برنامه قبل از انقلاب از ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ شامل دو برنامه

سندیکا‌ها به صورت متحد و متفق بر اجرای این برنامه نظارت کنند و اجازه انحراف از آن را ندهند.

۲- توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی یک زنجیره به هم پیوسته است که با توسعه فرهنگی اصولاً شروع می‌شود تا زمانی که فرهنگ تمایل به توسعه در احاد ملت و خانواده‌ها و ملت نهادینه نشود، مسیر توسعه پایدار به درستی طی نخواهد شد. در این مورد عزم ملی و عمومی و مشارکت نخبگان جامعه و قوای سه‌گانه و هم‌زمانی و همدلی از ضروریات است، دولت‌ها باید بستر ساز چنین شرایطی باشند.

■ **شما به عنوان عضو سندیکای شرکت‌های ساختمانی چه نگاهی به فعالیت این نهاد دارید؟ توقعاتتان چیست، آیا ظرفیت‌هایی وجود دارد که بتوان**

قطعاً گفتگوی دولت و بخش خصوصی از عوامل اصلی توسعه مستمر محیط کسب و کار است. اما به دلیل عدم اجبار در اجرای نتیجه‌گفتمان از طرف دولت و نداشتن ضامن اجرایی در حد گفتمان اثر داشته، به نظر اینجانب ماهیت امر باید عوض شود همان گونه که در بندهای ۲ و ۳ قانون «بهبود مستمر محیط کسب و کار» مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ آمده دولت‌ها باید مکلف به اجرای نظرات بخش خصوصی باشند یعنی ماده ۱۱ این قانون که شورای گفتگو را بعد از برنامه پنجم توسعه نیز استمرار می‌دهد با توجه به سایر مفاد این قانون مترقی و پیشرفته، می‌تواند مفید واقع شود تا آنجا که شخصاً شاهد بوده‌ام نمایندگان دولت برای متقاعد کردن نمایندگان بخش خصوصی از عملکرد و تفکر خود به جلسات می‌آیند و متأسفانه گوشه‌های خود را نسبت به آنچه مطرح می‌شود بسته‌اند، باید این رویه تغییر یابد تا نتایج بهتری حاصل شود.

■ **آیا امید دارید که شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب تغییر وضعیت دهد؟ اگر امیدوارید الزامات این تغییر چیست؟**

انسان با آینده زنده می‌ماند، اما برای حرکت به سمت شرایط مطلوب تلاش بسیار باید کرد.

از الزامات این تغییر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- بایبندی دولت‌ها به اجرای قوانین توسعه است که در حال حاضر بحث قانون ششم توسعه مطرح است. باید تمامی انجمن‌ها و

حرفه پیمانکاری ارتباط مستقیم با رونق اقتصادی کشور دارد و رونق اقتصادی ارتباط مستقیم با ارتباطات جهانی دارد، کشورهایی به رونق اقتصادی رسیده یا می‌رسند که بخش اعظم حوزه فعالیت سیاسی و دیپلماسی کشور در جهت جلب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتباطات هر چه بیشتر در امر تجارت مصروف گردد.





بدرستی ایران عزیز را به طور جامع و همه جانبه در مسیر توسعه قرار دهد، علت اصلی بی توجهی بخش اجرایی به برنامه ها بوده است و گرنه زمانی که ما برنامه داشتیم کشورهایی نظیر کره جنوبی و مالزی و ... بسیار عقب تر بودند. خسارات وارد شده به مملکت و ملت ناشی از انحراف برنامه ها آنقدر بالا است که به نظر بنده قابل اندازه گیری نمی باشد. پس یک غزم ملی لازم است که پایبندی به برنامه های توسعه را از این تاریخ خواستار باشیم و این موضوع را سرفصل همه امور بدانیم.

قرار می دهند در حالیکه انسان مقتدر کسی است که در حیطه قانون وظایف خویش را انجام دهد! ما شاهد این انحراف قبل و بعد از انقلاب بوده ایم، دخالت مستقیم شاه در اجرای برنامه پنجم عمرانی که به تغییر مسیر آن منجر شد. پس از انقلاب نیز رؤسای دولتها انحرافات اساسی از قوانین توسعه داشته اند که به نفع کشور نبوده است، باید از انحراف از برنامه ها جداً خودداری گردد. توجه داشته باشیم با حدود ۷۰ سال برنامه نویسی در این کشور که بعضی این شروع را از ۱۳۰۵ می دانند که می شود حدود یکصد سال برنامه نویسی، نتوانسته است

عمرانی ۷ ساله و سه برنامه عمرانی ۵ ساله در ایران انجام شد و برنامه ششم در شروع به دلیل انقلاب شکوهمند اسلامی متوقف و به دلیل شرایط انقلابی در کشور هرگز اجرا نشد، گفته می شود که نسبت به پنج برنامه قبلی، جامع تر و مترقی تر بوده است!

پس از انقلاب نیز پنج برنامه توسعه چهارساله اجرا و ششمین برنامه توسعه تنظیم و قرار است اجرا شود، نکاتی در این برنامه ها قابل توجه هستند به شرح زیر:

۱- ایران در برنامه نویسی بسیار بسیار پیشرو و خوب است و نیازی به متخصص خارجی ندارد، در برنامه سوم قبل از انقلاب گروه مشاوران و کارشناسان دانشگاه ها وارد مورد مشورت قرار گرفتند اما آن برنامه نیز توسط متخصصان ایرانی تنظیم و به تصویب رسید و این تسلط در نوشتن برنامه همچنان تا امروز وجود داشته است.

۲- تمامی برنامه ها در اجرا با انحرافات شدید روبرو بوده اند و این دلیل اصلی نرسیدن کشور به توسعه پایدار تا این تاریخ است!

به نظر بنده به این انحرافات از برنامه باید خاتمه داد. این نقش اصلی تشکلهای است که دقیقاً اجرای برنامه ها را رصد کرده و جلوی انحراف از برنامه ایستادگی نمایند که قطعاً به صلاح مملکت و نظام جمهوری اسلامی ایران است. اینجانب این نکته بسیار مهم را به عنوان سفارش و وصیت خود به همه آنها می گویم که قلبشان برای ایرانی سرافراز می تپد عرض می کنم، انحراف از برنامه یعنی هدر رفتن سرمایه ها و جلوگیری از پیشرفت و توسعه کشور است. جوامع مدنی و تشکلهای بخصوص در حوزه های فنی و مهندسی باید از اجرای درست برنامه ها صیانت نمایند. تشکلهای در حرفه های مختلف باید برنامه را مطالعه و بخش مربوط به حرفه خود را مشخص و اجرای درست آن حوزه را دقیقاً خواستار باشند، مجلس محترم شورای اسلامی دو وظیفه دارد یکی تصویب قوانین و دیگری نظارت بر اجرای درست آنها، متأسفانه امر نظارت به درستی انجام نشده و نمی شود، تشکلهای باید در این راه به کمک مجلس رفته و از انحراف برنامه جلوگیری نمایند. شاید این سوال به اذهان متبادر گردد که اصولاً چرا انحراف از برنامه انجام می شود؟ به نظر اینجانب، عامل اصلی این است که مقامات طراز اول گاهی اقتدار را ورای قانون عمل کردن می دانند. به عبارت دیگر افکار خود را جانشین قوانین



پیمانکار: شرکت ایران بورگه

هتل پارس تبریز - ۱۳۷۸



حفظ سازمان‌های مهندسی با روش‌های جدید تامین مالی

■ گفت‌وگو با بهمن دادمان عضو هیات مدیره و دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و عضو شورای عالی فنی ■



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

نسیه کاری و پرداخت سود تسهیلات بانکی) می‌انجامد. در نهایت نیز به تاخیر در اجرای پروژه‌ها به دلیل موضوع مربوط به تجهیز منابع مالی منجر می‌شود. و به پیمانکاران فشارهای زیادی را وارد می‌کند و آنها را به طور پیوسته با تقلیل بنیه مواجه کرده، در نهایت دارایی‌های اعتباری و مالی پیمانکاران را تقلیل می‌دهد.

نبود نقدینگی برای پشتیبانی از فعالیت‌های عمرانی، مشکل عمده‌ای است که حیات شرکت‌های خصوصی و مهندسی بخش خصوصی را با خطر اضمحلال مواجه کرده است و تداوم این وضع می‌تواند زنگ خطر را برای صنعت احداث کشور به صدا درآورد. بسیاری از هم صنف‌های ما کار ندارند و با بدهی و زیان انباشته مواجه هستند، برخی نیز نمی‌توانند پول کارکرد خود را به موقع بگیرند و به ناچار از گردونه فعالیت خارج می‌شوند. با وضعیت فعلی، چشم‌انداز

فعال بوده‌اید، مشکل عمده شرکت‌های پیمانکار عمرانی چیست؟

موضوع اصلی این حرفه عدم تامین مالی به موقع است. در عین حال موضوع مربوط به تعریف طرح‌های جدید و تداوم فعالیت ناشی از همین بحث، مزید بر علت شده است. ما به عنوان پیمانکار در بین این دو معضل گرفتار هستیم. عدم پرداخت به موقع در موضوع پروژه‌ها و عدم تداوم فعالیت (نبود پروژه‌های جدید) که می‌تواند ظرفیت‌های خالی مانده شرکت‌ها را فعال کند. از همین رو بخش عمده ظرفیت و استعداد شرکت‌های ما معطل مانده و قسمتی از این ظرفیت‌ها هم که مشغول است به دلیل عدم تامین مالی و پرداخت‌های به موقع عملاً دچار مشکل شده‌اند.

دو مورد ذکر شده، هزینه‌های بالاسری را بالا می‌برد و درآمدها را تقلیل می‌دهد. این موارد به افزایش هزینه تامین مالی پروژه‌های در دست اجرا و افزایش هزینه (با خرید اعتباری،

بهمن دادمان متولد سال ۱۳۳۷ اردیبهل است. وی بعد از اینکه مدرک کارشناسی خود را از دانشکده فنی دانشگاه تبریز گرفت، کار عمرانی را با فعالیت در «جهاد سازندگی» آغاز کرد. در سال ۱۳۷۲ شرکت «پورنام» را پایه نهاد و پس از سال‌ها کار عمرانی و تجربه‌اندوزی در این زمینه، در حال حاضر به عنوان دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی و عضو شورای عالی فنی جایگاه مهمی در صنعت احداث دارد. از همین رو و در آستانه انتخابات سندیکا، با ایشان مصاحبه‌ای داریم تا دیدگاه خود را درباره مسائل مختلف صنف و انتخابات پیش رو اعلام کنند که نظر خوانندگان محترم ماهنامه را به خواندن مشروح آن جلب می‌نماییم.

■ به نظر شما که هم در جایگاه رئیس هیأت مدیره شرکت پورنام و هم در جایگاه دبیر سندیکا در عرصه سازندگی کشور

دیپلماسی و گسترش بازار و تسهیل در قوانین مرتبط داخلی، ظرفیت را برای بقا و فعالیت این شرکتها حفظ کند.

■ **درباره بانکها صحبت کردید. سندیکا از سالها قبل تعامل و گفتگو با بانکها را شروع کرده است. اما در دورانی که جنابعالی دبیر بودید این تعامل گسترش قابل توجهی داشته است. محور این گفتگوها چیست و آیا درباره تامین مالی پروژهها نیز توافقی صورت گرفته است؟**

سندیکا در دو محور با بانکها وارد گفتگو شده است. مورد اول تسهیلات و خدمات بانکی به اعضا در قالب تسهیلاتی مانند سرمایه در گردش، اعتبار در حساب جاری، خرید قسطی ماشینآلات ساختمانی، تجهیز کارگاهی و... است. مورد بعدی درباره موضوعاتی از جنس ضمانت نامهها و پیش پرداختها و بحثهای مربوط به L.C است. در مجموع برای سندیکا، تسهیل خدمات برای اعضا از جمله در مورد صدور ضمانت نامهها و تخفیف در هزینه آنها اولویت دارد.

در مورد تامین سرمایه برای احداث پروژهها نیز گفتگوهایی انجام شده اما در این باره رویکرد مثبتی از طرف بانکها دیده نشده

پروژههایی که توسط خارجیها اداره می شد به مهندسان داخلی و جوان واگذار شد. البته امروزه با سرمایه زیادی که پای همان جوانان صرف شده آنها به تجربه و کارایی کافی رسیده اند و دولت و نظام نباید بگذارند این سرمایه ها از دست برود. از این روی انتظار داریم دولت در سپارجام بارفع موانعی که در ید قدرت و اختیار بخش خصوصی نیست از جمله روابط بانکی و بین بانکی، و با گسترش

نبود نقدینگی برای پشتیبانی از فعالیت های عمرانی، مشکل عمده ای است که حیات شرکتهای خصوصی و مهندسی بخش خصوصی را با خطر اضمحلال مواجه کرده است و تداوم این وضع می تواند زنگ خطر را برای صنعت احداث کشور به صدا درآورد. بسیاری از هم صنف های ما کار ندارند و با بدهی و زیان انباشته مواجه هستند

روبروی جامعه مهندسی کشور روشن نیست. احتمال اینکه وضعیت بهبود یابد اندک، و احتمال اینکه وضعیت با همین منوال ادامه یابد زیاد است. گواه این مدعا نیز آب رفتن هر روزه بودجه های عمرانی است.

در سالهای اخیر صحبت از این می شود که بهتر است پیمانکاران از روش قدیمی دست بردارند. روشی که در آن دولت پروژه ای تعریف می کرد و بودجه آن را پرداخت می کرد. پیمانکار نیز متعاقبا کار را انجام می داد و با توجه به صورت وضعیت، پول خود را می گرفت. با شرایط پیش آمده امروز، به ذهن اکثر فعالان خطور کرده است که برای حفظ سازمان های مهندسی باید به روشهای جدید تامین مالی روی آورند.

دومین مفر برای خروج از چنین وضعیتی نگاه به بیرون مرزها یا صادرات خدمات فنی و مهندسی به سایر کشورها است که آنهم در شرایط تحریم با مشکلات جدی مواجه بوده و ظرفیت صادرات کاهش یافته و ضربه دیده است. به هر حال اگر در داخل کشور، بودجه کافی نداریم باید از طرف دولت و نظام جمهوری اسلامی مورد حمایت قرار گیریم همانگونه که طی سالهای اولیه بعد از انقلاب، با اعتماد و حمایت دولت از بخش خصوصی،



پیمانکار: شرکت پورنام

سدباغان- بوشهر سیستم انحراف - فرازبند

آب شیرین کن ها و پساب مورد استفاده در کشاورزی توجه قوی تری دارند و اتفاق هایی در زمینه سرمایه گذاری در آنها در بازار سرمایه و موسسات تامین سرمایه روی داده است.

■ آیا در کنار این مشکل نمی توان وجود فضایی که در آن رقابت نابرابر جریان دارد را از موانع موجود برای برنده شدن در مناقصات، گرفتن پروژه و تدوام حیات شرکت ها دانست؟

اصلی ترین محور مورد توجه فعالان حرفه ما و اعضای سندیکا این است که همه سازمان های مهندسی موجود در کشور حق فعالیت دارند و به همین نسبت باید مناقصات و معاملات در کشور با شفافیت اجرا شود تا رقابت اصولی و صحیح شکل بگیرد و پیمانکاران بتوانند خدمات متناسب با کیفیت، زمان و هزینه را برای دولت یا سایر سازمان های مناقصه گذار ارائه کنند.

اصلی ترین خواست سندیکا و فعالان آن حرکت در چهارچوب قانون و عدالت، و ساماندهی فعالیت های اقتصادی در قالبی مشروع است. اگر قانون برای همه به طور برابر و با در نظر گرفتن تعهد و حقوق مساوی باشد قطعاً کسی در این رقابت مورد بی عدالتی قرار نخواهد گرفت. اگر همین بند قانونی که در قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار مورد توجه قرار گرفته، یعنی ماده ۲۲ که در آن ذکر شده است: «کلیه دستگاه های اجرایی مکلفند در انتخاب طرف قرارداد در معاملات خود از جمله پیمانکاری ها و امثال آنها، چنانچه اشخاص حقوقی بخش عمومی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی بخش های تعاونی و خصوصی از لحاظ ضوابط عمومی انتخاب طرف قرارداد در شرایط برابر باشند، اشخاص حقیقی و حقوقی بخش های تعاونی و خصوصی را در اولویت قرار دهند.» مورد توجه قرار گیرد و در شرایط برابر دولت بخش خصوصی را در معاملات خود ارجح بداند بسیاری از مشکلات مرتفع خواهد شد. در این قانون که مصوب اسفند ۱۳۹۰ است بندهای مهم و موثری گنجانده شده است



منابع مالی برای سرمایه گذاری در پروژه های دارای توجیه اقتصادی اتفاق افتاده و ابزارهای مالی مبتنی بر بدهی در بازار سرمایه جای خود را پیدا کرده اند. معامله اسنادی مثل اسناد خزانه اسلامی یا اوراق مشارکت از این دست هستند. منتها مشکل اصلی در این باره این است که بازار سرمایه ما هنوز جوان است و فضاهای زیادی با توجیه اقتصادی بالاتر در کشور وجود دارد که باعث می شود توجه اندکی از سمت این بازار به طرح های عمرانی شود. البته بخشی از پروژه ها مانند آزادراهها، نیروگاه ها،

است مگر در مورد تسهیلات تکلیفی که دولت برعهده آنها گذاشته است و ارتباطی به بخش خصوصی ندارد. سیستم بانکی ما اساساً تجاری است و بانک ها به دنبال گردش سریع مالی و کسب سود آنی هستند. کارهای عمرانی هم از جنس کارهایی است که برگشت سریع سرمایه ندارند و کارهایی دراز مدت به لحاظ برگشت و با حاشیه سود پایین هستند و از همین منظر جذابیتی برای بانک ها ندارند.

از طرفی طی سال های گذشته، در بازار سرمایه تحولاتی روی داده است. تجهیز

از جمله اطلاع‌رسانی مناقصات و ذکر نام برنده مناقصه، چنانچه در ماده ۱۹ اعلام شده: «به منظور ایجاد شفافیت و امکان رقابت همه ذی‌نفعان در انجام معامله با دستگاههای اجرائی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موظف است با استفاده از امکانات و نیروی انسانی موجود خود، پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات موضوع ماده ۲۳ قانون برگزاری مناقصات را به پایگاه اطلاع‌رسانی جامع معاملات بخش عمومی توسعه و ارتقاء دهد».

بی‌شک به قدر کفایت برای همه جا است و نیازی به این نیست که عده‌ای باشند و عده‌ای نباشند، با رعایت قانون است که همه می‌توانند در جهت اعتلای مهندسی کشور فعالیت کنند. متأسفانه در قبال ضمانت‌نامه‌ای که از بخش خصوصی می‌خواهند و فعالان این بخش با همه مرارت‌ها و فشارهای مالی مجبور به تامین آن هستند، غیرخصوصی‌ها با یک کاغذ اداری در مناقصه حاضر می‌شوند که رقابت را از شفافیت خارج می‌کند. باید همه از یک منظر قانونی مورد قضاوت قرار بگیرند و درباره تامین ضمانت‌نامه با ساز و کار مشترکی با آنها برخورد شود.

■ جناب‌عالی طی سال‌های اخیر و در دوره هیات مدیره بیست و دوم دبیر سندیکای شرکت‌های ساختمانی بوده‌اید، با توجه به این موضوع دیدگاه شما درباره فعالیت تشکلی‌ها و میزان اثربخشی آنها چیست؟

بارها این سؤال مطرح شده و از زبان همکاران ارجمندم پاسخ قابل توجهی به آن داده شده که بنده هم به همان پاسخ استناد می‌کنم و آن اینکه: «اگر همین فعالیت‌ها هم نبود اکنون در چه شرایطی به سر می‌بردیم؟» میزان فعالیت سندیکا طی ۳ سال گذشته بسیار بالا بوده است و فعالیت‌های مستمری در زمینه حضور در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، اصلاح قوانین پیرامونی و مسائل بنیادی عمرانی، قوانین بالادستی، حضور موثر در شورای هماهنگی، نهاد تعامل و اتاق بازرگانی، حضور در کمیته گفتگوی

دولت و بخش خصوصی و پیگیری مباحث مربوط به صنف در این نهادها صورت گرفته است. علاوه بر این در مورد اعضای خود نیز فعالیت‌های فشرده‌ای از جمله آموزش، گسترش فعالیت‌های انتشاراتی، و ارائه امکاناتی برای بهبود فضای کسب و کار داشته است.

حالا فرض کنید همین فعالیت‌ها نیز در راستای توانمندسازی اعضا و بهبود فضای کسب و کار صورت نمی‌گرفت، آنوقت چه اتفاقی می‌افتاد؟ حقیقت این است که ما به عنوان تشکلی نمی‌توانیم منشأ تغییرات چشم‌گیری باشیم و باید برای تاثیرات تدریجی و مستمر برنامه‌ریزی کنیم. زمینه برای رسیدن به نقاط مطلوب با توجه به رکود و شرایط ویژه کشور به سختی مهیا می‌شود، اما این شرایط نباید به ناامیدی و انفعال بیانجامد.

■ یکی از فعالیت‌های سندیکا که طی چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته آموزش به اعضا بوده است. نگاه شما به آموزش چیست و دلیل توجه هیات مدیره سندیکا به آموزش طی این سال‌ها چیست؟

یکی از برنامه‌های استراتژیک سندیکا ارتقای اعضا به لحاظ مباحث آموزشی است. پیمانکاران جزو سازمان‌هایی هستند که تعدد تخصص مجموعه فعالیت‌های آنان

سال‌های گذشته، در بازار سرمایه تحولاتی روی داده است. تجهیز منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی اتفاق افتاده و ابزارهای مالی مبتنی بر بدهی در بازار سرمایه جای خود را پیدا کرده‌اند. منتهی مشکل اصلی در این باره این است که بازار سرمایه ما هنوز جوان است و فضاهای زیادی با توجیه اقتصادی بالاتر در کشور وجود دارد که باعث می‌شود توجه اندکی از سمت این بازار به طرح‌های عمرانی شود.

نسبت به سایر سازمان‌ها زیاد است. تعدد تخصص‌های اجرایی در زمینه امور فنی، موضوعات مالی، مدیریت مالی، پاسخ‌گویی به ضوابط قانون حاکم بر کسب و کار، ایمنی، مسئولیت‌های اجتماعی، و مسائل بازرگانی و... وجود دارد و گستره وسیعی به لحاظ تخصص به وجود آورده است، از این رو یکی از راه‌های ارتقای این حرفه ارائه آموزش برای کسانی است که علاقمند یا ذی‌صلاح هستند و مایلند همواره در جهت رشد خود گام بردارند. در دوره بیست و دوم هیات مدیره، به آموزش توجه شده است چرا که معتقدیم در دوران کنونی که دوران دشواری است نباید از رشد سازمانی، علمی و فنی عقب ماند و با این عقب ماندگی از شرایط ایده‌آل دورتر شد. ما در موارد زیادی با دنیا فاصله داریم و باید این فاصله را کم کنیم. در دوره سه ساله گذشته نه تنها در حیطه عملیاتی به موضوعات ذکر شده پرداختیم، بلکه از لحاظ آموزشی هم آنها را مدنظر قرار دادیم و در این زمینه کارهای موثری انجام شد و جلسات متعددی در قالب همایش و سمینار برگزار شد که تعداد آنها از اول سال ۱۳۹۴ تا کنون بالغ بر ۷۲ مورد بود.

■ اغلب تشکلی‌های مردم نهاد در کنار آموزش و توانمندسازی اعضای خود، معطوف کردن نظر آنها به سمت اخلاق حرفه‌ای را مورد تاکید قرار داده‌اند. در این باره سندیکا چه کارهایی انجام داده است؟

در هیات مدیره سندیکا، بحث‌های مفصلی درباره مفاد منشور اخلاق حرفه‌ای صورت گرفته است. و متنی در این باره تهیه شده که امیدواریم هر چه زودتر تکمیل و ارائه شود. البته در جامعه مهندسی چند نمونه منشور اخلاقی وجود داشت اما با توجه به اینکه پیمانکارها به طور اختصاصی با اجرا سرو کار دارند و اجرا، ریزه‌کاری‌ها و حاشیه‌های خاص خود را دارد، تدوین این منشور ضرورت پیدا کرد.

کارپیمانکاری، با شروع پروژه آغاز می‌شود، و با اجرا و اتمام آن به پایان می‌رسد. اخلاق مربوط



شما در دوره حاضر چه بوده است؟

ایفای نقش موثر در شورای عالی فنی خواست قدیمی فعالان این حرفه و جامعه مهندسی بخش خصوصی بود تا در شورای عالی فنی به عنوان یکی از نهادهای تصمیم‌گیر در ارکان حرفه ما تاثیرگذار باشند. شورا در سه عرصه مهم ورود می‌کند که این سه عرصه شامل تأیید و تصویب قیمت‌ها (شامل فهرست بها و تعدیل) و ضوابط و بخش‌نامه‌های مربوط به تجدید نظر در نرخ پیمان و داوری طرح‌های عمرانی کشور است که هر سه این مسائل جزو محورهای مهم در کارهای عمرانی است.

اگرچه در ادوار مختلف شورا عملکرد موثری داشته اما از دیرباز این خواست و تقاضا در بخش خصوصی برای ایفای نقشی موثرتر وجود داشته، به هر حال دولت‌ها آمدند و رفتند و شورا با ترکیبی متفاوت از این خواست ادامه داشت. ولی بالاخره در دوره اخیر و در دولت آقای دکتر روحانی، آقای دکتر نوبخت به عنوان رئیس سازمان برنامه اهمیت زیادی به نهاد تعامل دادند. اصلی‌ترین اشتراک بین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عنوان سیاست‌گذار در فعالیتهای عمرانی و تشکلهای فنی و مهندسی تشکیل نهاد تعامل بود. ایشان به این نهاد اهمیت دادند و این خواست تشکلهای مورد توجه ایشان قرار گرفت و در فرایندی که نماینده‌های مختلف حاضر بودند پیشنهاد ترکیب جدید شورای عالی در دولت آقای دکتر روحانی با حضور یک نفر از بخش خصوصی و فعالان طرحهای عمرانی را اعلام کردند. این امر توفیق خوبی برای فعالان عرصه صنعت احداث بود. و در حال حاضر بنده به عنوان یکی از فعالان بخش خصوصی عضو شورای عالی فنی هستم.

درباره ادامه حضور اعضای فعلی شورا در ترکیب آن پرسیدید که باید بگویم حضور در شورای عالی فنی محدودیت زمانی ندارد و ترکیب آن تحت تاثیر انتخاب دولت‌ها است. درباره ادامه فعالیت اعضای حاضر نیز با توجه به برآیند کار آنها تصمیم‌گیری می‌شود.

دوم خود حضور پیدا کنند. در مورد انتخاب هیات مدیره جدید نیز جوان‌گرایی مورد توجه هیات مدیره حاضر است چرا که هر چه نیروی جوان وارد عرصه فعالیت در سندیکا شوند همانقدر نشاط، تازگی و نوآوری به فعالیت سندیکا اضافه می‌شود.

جناب عالی عضو شورای عالی فنی هستید. در حال حاضر محورهای مورد توجه و رویکرد کلی این شورا چیست؟ شما از خرداد ۱۳۹۳ در این شورا مشغول به فعالیت شدید، همکاری شما با شورا تا چه زمانی ادامه خواهد داشت و برآیند فعالیت

حضور در انتخابات جزو تعهدات حرفه‌ای است که باید به آن عمل کرد. سندیکا متعلق به کلیه اعضا است. این تعلق از جنس تعارف نیست و اعضا باید برای آن اهمیت قائل شوند و در فعالیت‌های خانه دوم خود حضور پیدا کنند.

به پیمانکاران عموماً حسن انجام کار در موعد مقرر، با هزینه متناسب و کیفیت مطلوب است. و هر کسی در قبال انجام پروژه با شروط پیش‌گفته برخورد غیر حرفه‌ای داشته باشد اخلاق را زیر پا گذاشته است.

انتخابات سندیکا را پیش رو داریم. در این مورد به عنوان دبیر سندیکا چه پیشنهاد و توصیه‌ای برای اعضای سندیکا دارید؟

هر کسی که دلش برای صنف می‌تپد یا علاقمند به ارتقای صنف است، باید در انتخابات شرکت کند و حضور موثری داشته باشند. در این انتخابات دو وجه از حضور مورد توجه است. حضور کاندیداها و رای دهنده‌ها که هر دو اینها را افراد علاقمند به حرفه باید مدنظر قرار دهند. از ۷۰ سال قبل تا کنون بزرگان و پیشکسوتان حرفه چراغ این سندیکا را روشن نگه داشته‌اند. اکنون نیز سندیکا به عنوان قدیمی‌ترین تشکل فنی و مهندسی کشور باید برقرار باشد و موثر عمل کند. برای این منظور لازم است اعضای آن قوی‌ترین افراد باشند و با این قدرت، در موقعیت بهتری برای خدمت به اعضا قرار بگیرند. این حضور در انتخابات جزو تعهدات حرفه‌ای است که باید به آن عمل کرد. سندیکا متعلق به کلیه اعضا است. این تعلق از جنس تعارف نیست و اعضا باید برای آن اهمیت قائل شوند و در فعالیت‌های خانه





تمرکز بر «رقابت و شفافیت»

داریوش ابوحزمه / پژوهشگر مرکز پژوهش های مجلس

روزنامه دنیای اقتصاد: بخشی از مشکلات نظام بودجه ریزی کشور، در بودجه عمومی تحت عنوان بودجه عمرانی یا اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای دیده می شود. این اعتبارات که صرف اجرای پروژه های زیرساختی مانند سد، جاده و آزادراه، نیروگاه و... می شود، سالانه حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان از منابع عمومی را به خود اختصاص می دهد. اما مسئله این است که این اعتبارات با کارآمدی بسیار پایینی صرف می شوند. به طوری که طول عمر بالایی اجرای این پروژه ها و حتی کیفیت پایین ساخت و بهره برداری آنها بر کسی پوشیده نیست. در سال های اخیر دولت و مجلس تلاش کردند با نوشتن احکامی در تبصره های قوانین بودجه سنواتی و برخی قوانین دائمی، در راستای واگذاری این طرح ها به بخش خصوصی اقدام کنند. اما متأسفانه این تلاش ها نتیجه مطلوب نداشت، به طوری که عموماً ردیف اعتباری که برای درآمد حاصل از واگذاری این طرح ها در بودجه در نظر گرفته می شد، عملکردی نداشت.

با توجه به اینکه واگذاری این طرح ها دارای پیچیدگی هایی است که نمی تواند با یک بند یا تبصره یا یک دستورالعمل پوشش داده شود، اخیراً دولت تلاش می کند برای واگذاری این طرح ها به بخش خصوصی و به طور کلی استفاده از پتانسیل بخش خصوصی در اجرای این طرح ها لایحه ای را تهیه و تقدیم مجلس کند. اما سوال مهم آن است که این لایحه چه ابعدی باید داشته باشد؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است شناخت درستی از موجودی که قرار است برای آن قانون نوشته شود، یعنی

حدود ۳ هزار طرح نیمه تمام عمرانی ملی، داشته باشیم (فرض بر آن است که طرح های استانی و طرح هایی که از محل منابع داخلی شرکت ها و خارج از پیوست شماره ۱ بودجه اجرا می شوند مشمول این قانون نیستند). طرح های مذکور با چالش های اساسی مواجه هستند. بخشی از این مشکلات به طرح توجیهی این طرح ها برمی گردد. بخش قابل توجهی از این طرح ها یا فاقد گزارش توجیهی اقتصادی هستند یا گزارش آنها کیفیت و اعتبار لازم را ندارد. ریشه این امر نیز در ناکارآمدی نظام اداری و همچنین تصویب و اجرای برخی از طرح ها بر اساس فشارهای سیاسی (به جای مطالعات کارشناسی) است. برخی از طرح ها که دارای گزارش مناسب توجیهی هستند نیز اطلاعاتشان در دسترس عموم نیست. حتی اطلاعات اولیه ای مانند حدود و صغور طرح و ابعاد آن نیز به طور مشخص و علنی در دسترس نیست. این امر با وجود تکلیف قانونی در قانون برنامه پنجم هنوز اجرا نمی شود. به علاوه همان طور که اشاره شد، بخشی از طرح ها نه بر پایه مطالعات کارشناسی، بلکه در اثر برخی فشارهای سیاسی مصوب و اجرا شده اند. این گونه طرح ها عموماً به لحاظ اقتصادی فاقد توجیه بوده و در برخی مواقع به لحاظ اجتماعی و محرومیت زدایی نیز توجیه چندانی ندارند. با توجه به این مطالب می توان گفت به طور کلی طرح های نیمه تمامی که در معرض واگذاری به بخش خصوصی هستند در سه دسته می گنجند:

۱- برخی از طرح های نیمه تمام فعلی، هیچ توجیه اقتصادی ندارند. اینگونه طرح ها ممکن

است به لحاظ اجتماعی و محرومیت زدایی موجب باشند یا خیر.

۲- برخی از طرح ها در حالت عادی به لحاظ اقتصادی توجیهی نداشته و بخش خصوصی تمایلی به سرمایه گذاری برای تکمیل آنها را ندارد، ولی اگر در کنار آنها امتیازات دیگری در نظر گرفته شود، از دید بخش خصوصی سودآوری تلقی خواهد شد. این امتیازات می تواند طیف گسترده ای را شامل شود. از تسهیلات ارزان قیمت گرفته تا اجازه تغییر کاربری زمین یا امتیاز راه اندازی مجتمع های رفاهی در کنار طرح یا...

۳- برخی از طرح ها (که احتمالاً تعداد کمی هم هستند) به تنهایی اقتصادی بوده و می توانند برای جذب سرمایه بخش خصوصی جذاب باشند. طبیعتاً نحوه استفاده از پتانسیل بخش خصوصی برای اجرا و تکمیل طرح های نیمه تمام، تابعی از نوع طرح به لحاظ سودآوری است. بنابراین برای هر یک از سه دسته طرح فوق باید استراتژی مناسب داشت. بدین ترتیب که:

الف) طرح هایی که به لحاظ اقتصادی توجیه دارند، در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و بخش خصوصی آنها را تکمیل و بهره برداری کند. طبیعتاً فرایند واگذاری به بخش خصوصی باید بر اساس مناقصه-مزایده و به صورت شفاف رقابتی باشد.

ب) دولت برای طرح هایی که پتانسیل اقتصادی شدن دارند، به تناسب طرح امتیازاتی را در نظر بگیرد. طبیعتاً در فرایند واگذاری به صورت مناقصه، متقاضی که کمترین میزان امتیازات را مطالبه می کند، برنده مناقصه خواهد بود.

ج) طرح هایی که قابلیت اقتصادی شدن را ندارند باید وارد فرایند پالایشی شوند که در آن، طرح های فاقد اولویت و فاقد توجیه اجتماعی متوقف شده و اعتبارات عمرانی دولت به طرح های باقی مانده تخصیص یابد تا در نتیجه سرعت پیشرفت آنها افزایش یابد.

آنچه در این میان مهم است، اهمیت دو اصل رقابت و شفافیت است. اگر قانونی که قرار است برای واگذاری طرح ها به بخش خصوصی تدوین شود، مبنای مشارکت بخش خصوصی را بر رقابت نگذاشته و فرایند واگذاری طرح ها را در یک بستر کاملاً شفاف طراحی نکند، نباید به واگذاری کارآمد طرح ها امید چندانی داشت.



پیام آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸



هیچ کس نه در دولت، نه در مجلس پاسخگو نیست

مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران



پیام آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

کابینه به عنوان یک رخداد مهم یاد کرد و گفت: رای مجلس جدید به وزرای پیشنهادی، نشانه همراهی مجلس با دولت است. امیدواریم دولت از این موقعیت بتواند حداکثر استفاده را بکند و مسائل و مشکلات موجود به ویژه در محیط کسب و کار را با مجلس در میان بگذارد و در جهت حل آنها اقدام کند. رئیس اتاق تهران مهم ترین مشکل محیط کسب و کار را که دولت باید روی آن تمرکز کند، کثرت قوانین و مقرراتی خواند که محیط کسب و کار کشور را مختل کرده است. وی افزود: با پایش قوانین و استمداد از مجلس برای حذف یکسری از قوانین یا ترمیم آنها می توان اقدام موثری در جهت بهبود فضای کسب و کار انجام داد. خوانساری با اشاره به آغاز فصل تدوین بودجه سال آینده کشور در دولت، گفت: خوشبختانه دولت سیاست و خط مشی کلی بودجه را تدوین کرده و در حال تهیه آن است. ما امیدواریم زخم کهنه چندساله بدهی های دولت به بخش خصوصی با کمک مجلس در بودجه سال ۹۶ مورد درمان قرار گیرد و طی این سال مطالبات بخش خصوصی به طور کامل پرداخت شود. انتظار دیگری هم که از مجلس و دولت داریم واقعی نوشتن بودجه است. چون هر سال بودجه ای نوشته می شود که درصد زیادی

می تواند این بازرسی را انجام دهد اما آن را به ۱۰ سال بسط داده است، به عنوان یکی از این مشکلات مطرح شد. دریافت بیمه از خرید و فروش کالا مشکل دیگر بخش خصوصی با سازمان بود. همچنین موضوع سوم بحث ترکیب اعضای هیات های حل اختلاف بود. در بیستمین نشست هیات نمایندگان اتاق تهران، در حالی به این موضوع پرداخته شد که پیش از آن در خصوص رتبه ایران در سهولت فضای کسب و کار و نرخ رشد سرمایه گذاری نیز گزارشی از سوی رئیس اتاق تهران ارائه و در این خصوص آسیب شناسی نیز صورت گرفت. اما این جلسه با گزارش عملکرد ۶ ماهه اتاق از سوی دبیرکل نیز همراه بود. همچنین معاون طرح و برنامه وزیر صنعت، معدن و تجارت در این نشست، جزئیات آخرین وضعیت راه اندازی ۳۶ طرح ملی را ارائه داد. از سویی سه گزارش نیز در مورد طرح راه اندازی مرکز جذب سرمایه گذاری در حوزه نفت، وضعیت بازار سهام و طرح های ارائه تسهیلات به صنایع و پرداخت تسهیلات ریالی از صندوق توسعه ملی ارائه شد و در این خصوص انتقادات و پیشنهادهایی نیز از سوی اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران مطرح شد. مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران در ابتدای سخنان خود از تغییر وزرا و ترمیم

صدای اعتراض بخش خصوصی این روزها بلندتر شده است. برآیند اعتراض های آنها حکایت از این دارد که اقتصاد ایران وارد تله بی عملی شده است. مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران در جمع فعالان بخش خصوصی در بیان مصداق این موضوع، با اشاره به مشکلات اقتصادی کشور می گوید: هیچ کس نه در دولت، نه در مجلس، نه شورای گفت و گو و دیگر نهادها پاسخگو نیست. کسی مشکل را رد نمی کند؛ اما آن را حل هم نمی کند. به گفته وی، اگر واقعا به دنبال سرمایه گذاری و اشتغال در کشور هستیم، با این روش نمی توان عمل کرد. تیرا انتقاد بخش خصوصی بار دیگر سازمان تامین اجتماعی را نشانه رفت و رئیس اتاق بازرگانی تهران در جلسه هیات نمایندگان، به صراحت اعلام کرد که یکی از دستگاه هایی که در حال حاضر صنعت را زمین گیر کرده، سازمان تامین اجتماعی است. مسعود خوانساری از مذاکراتی که در خصوص رفع چالش های بخش خصوصی با این سازمان در سطوح مختلف صورت گرفته سخن گفت؛ اما همه آنها را بی نتیجه خواند. وی از سه مشکل عمده بخش خصوصی و سازمان تامین اجتماعی نیز یاد کرد. براین اساس، بازرسی کارگاه ها که قانونا سازمان تا ۶ ماه

اختلاف با واقعیت‌های درآمدی دولت دارد و عملاً آنچه که مغفول می‌ماند، بحث توسعه و پروژه‌های عمرانی است که صرف بودجه جاری می‌شود. امیدواریم بودجه‌ای که امسال تنظیم می‌شود براساس عملکرد واقعی سال ۹۵ باشد.

رئیس اتاق تهران در ادامه آمارهایی از شرایط اقتصادی کشور ارائه کرد و گفت: در آخرین گزارش بانک جهانی از سهولت فضای کسب و کار، کشور ما در بین ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۰ قرار گرفته است که نسبت به سال قبل که رتبه ۱۱۸ را داشتیم، دو پله تنزل را نشان می‌دهد که خبر خوبی نیست. ایران جزو ۲۰ کشور بزرگ اقتصادی دنیاست، اما این جایگاه در فضای کسب و کار مناسب کشور ما نیست. این رتبه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران ترغیب و تشویقی نمی‌بینند.

خوانساری همچنین به آمار تجارت فرامرزی و رتبه جهانی ایران اشاره کرد و گفت: در بین ۱۹۰ کشور در این حوزه رتبه ما ۱۷۰ است که این رتبه بسیار نامطلوبی است. اگرچه با ایجاد پنجره واحد رتبه کشور ما یک رتبه ارتقا پیدا کرد، اما متأسفانه در این زمینه و بحث واردات و صادرات هنوز مشکلات زیادی داریم به طوری که در مقایسه با چند کشور این موضوع را به خوبی می‌توان متوجه شد. زمان انطباق اسناد صادرات مرزی ایران را طبق این آمار متوسط ۱۰۱ ساعت برآورد کرده‌اند، درحالی که در ۱۸ کشور این رقم صفر است و در ۲۵ کشور زمان انطباق اسناد صادرات یک ساعت اعلام شده است؛ اگر ما می‌خواهیم روی توسعه صادرات تلاش کنیم باید این چالش‌ها و بحث مجوزها و بوروکراسی حاکم را حل کنیم که روی رتبه جهانی ما تاثیر بسیاری دارد.

رئیس اتاق تهران همچنین عنوان کرد که نرخ رشد سرمایه‌گذاری از سال ۹۱ به بعد در کشور ما منفی است. وی افزود: اگر می‌خواهیم کشور را توسعه دهیم و اشتغال ایجاد کنیم اولین اقدامی که باید انجام دهیم، مثبت کردن نرخ سرمایه‌گذاری است. متأسفانه به دلیل مشکلاتی که داریم بانک‌ها امکان سرمایه‌گذاری ندارند، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی هم هنوز

توفیق چندان نداشته‌ایم و در این بین، راهی که شاید سریع‌تر قابل دسترس باشد، همین موضوع بهبود فضای کسب و کار است که می‌تواند به جذب سرمایه‌ها و کاهش مشکلات کمک کند. خوانساری در ادامه از مشکلاتی که فعالان بخش خصوصی با سازمان تامین اجتماعی دارند و تاکنون حل نشده است یاد کرد و گفت: یکی از دستگاه‌هایی که در حال حاضر صنعت را زمین‌گیر کرده، سازمان تامین اجتماعی است. مشکلاتی که در سال‌های گذشته به خصوص در این دو، سه سال گذشته ایجاد شده، آسیب‌های جدی به تولید کشور زده است. خوانساری ادامه داد: ما سه مشکل عمده با تامین اجتماعی داریم؛ یکی بحث بازرسی کارگاه‌هاست که قانوناً سازمان تا ۶ ماه می‌تواند این بازرسی را انجام دهد، اما آن را به ۱۰ سال بسط داده است. بحث دریافت بیمه از خرید و فروش کالا مشکل دیگری است که کاملاً غیرقانونی و مصداق ظلم است. موضوع سوم هم بحث ترکیب اعضای هیات‌های حل اختلاف است که ما از دولت و سازمان تامین اجتماعی انتظار داشتیم که این مشکلات حل و فصل شود.

وی افزود: از حدود یک سال پیش جلساتی را در ابتدا با مسئولان سازمان تامین اجتماعی داشتیم که قول دادند این مشکلات را حل کنند، ولی متأسفانه اتفاقی نیفتاد. بعد از آن مشکلات به شورای گفت‌وگو ارجاع شد، در شورا هم چندین جلسه روی این

ما امیدواریم زخم کهنه چندساله بدهی‌های دولت به بخش خصوصی با کمک مجلس در بودجه سال ۹۶ مورد درمان قرار گیرد و طی این سال مطالبات بخش خصوصی به طور کامل پرداخت شود. انتظار دیگری هم که از مجلس و دولت داریم واقعی نوشتن بودجه است. چون هر سال بودجه‌ای نوشته می‌شود که درصد زیادی اختلاف با واقعیت‌های درآمدی دولت دارد

موضوعات صحبت شد و همه تایید کردند که کار تامین اجتماعی غیرقانونی و به ضرر تولید و صنعت است و قول حل دادند، اما باز هم اتفاقی رخ نداد. پس از آن برای حل مشکلات بیمه و سازمان تامین اجتماعی نامه‌ای را برای آقای جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری، ارسال کردیم و با دستور ایشان جلسات متعددی تشکیل شد و آنجا هم باز در حضور معاون ایشان آقای دکتر ویسه صورت جلسه‌ای برای رفع این مشکلات تنظیم شد، اما این قول و تعهد هم اجرایی نشد. وی به حضور علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جلسه هیات نمایندگان اتاق ایران و طرح مشکلات به شخص وزیر اشاره کرد و گفت: آنجا هم اعلام شد که مشکلات را حل می‌کنند، باز هم چاره‌ای اندیشیده نشد. پس تعجیبی ندارد که رتبه ما در فضای کسب و کار ۱۲۰ است یا در تجارت فرامرزی ۱۷۰. این رتبه ناشی از چنین معضلات و مشکلاتی است.

خوانساری گفت: بخش خصوصی راه دیگری برای گفت‌وگو و تعامل با سازمان تامین اجتماعی و دولت نمی‌داند. بیش از یک سال است که فریاد همه تولیدکنندگان و صنعتگران بلند شده است تا این مشکلات حل شود؛ کارهایی کاملاً خلاف قانون در حال انجام شدن است و هیچ‌کس، نه در دولت، نه در مجلس، نه شورای گفت‌وگو و دیگر نهادها پاسخگو نیست. کسی مشکل را رد نمی‌کند، اما آن را حل هم نمی‌کنند. اگر واقعاً به دنبال سرمایه‌گذاری و اشتغال در کشور هستیم، با این روش نمی‌توان عمل کرد، جدا از اینکه مشکلات دیگری مانند مالیات و... هم وجود دارد.

رئیس اتاق تهران تاکید کرد که بخش خصوصی برای رفع مشکلاتش با تامین اجتماعی تنها انتظار دارد که قانون رعایت شود. خوانساری گفت: اگر در قانون به بازه زمانی ۶ ماه برای بازرسی اشاره شده همان رعایت شود. یا چرا باید به خرید و فروش بیمه تعلق بگیرد؟ بسیاری از بنگاه‌ها سر این موضوعات واقعاً زمین‌گیر شده و بدهی سنگین دارند، صاحبان‌شان دچار مشکلات حقوقی و قضایی شده و حساب‌هایشان بسته شده است. درخواست بخش خصوصی این است که یک بار برای همیشه این



مشکلات بررسی و حل و فصل شود. صدای بخش خصوصی تاکنون به جایی نرسیده است. رسانه‌ها از دولت بخواهند که پاسخگو باشد. اگر حرف بخش خصوصی غیرمنطقی است اعلام کنند اما اگر برابر قانون است چه مشکلی وجود دارد که عمل نمی‌شود؟ این مشکلات سد راه تولید هست.

در ادامه این جلسه، رضا پدیدار، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، پشت تریبون ایستاد تا به نمایندگی از انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران پیشنهادی مبنی بر راه اندازی مرکز جذب سرمایه‌گذاری، فناوری و مدیریت توسعه ارائه کند. وی با اشاره به اینکه وابستگی در صنعت نفت، پس از ۱۰۰ سال پذیرفته نیست، گفت: صنعت نفت ایران از سال ۱۲۸۷ تا ۱۳۲۹ به طور کامل و ۱۰۰ درصدی وابسته بود. از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ فقط توانست مالکیت را کسب کند، از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ مالکیت و عاملیت و از ۱۳۷۰ تا کنون مالکیت، عاملیت، فاعلیت را در اختیار داشته است. وی سپس به عوامل مهم در توسعه صنعت نفت ایران پرداخت و گفت: دانش مدیریت توسعه، فناوری‌های نوین، اکتشاف، استخراج و تولید در بخش بالادستی و دانش ساخت تجهیزات در بخش‌های پایین‌دستی از اصول توسعه در این بخش است. پدیدار افزود: اکنون ۵۳ پروژه جدید نفتی معادل ۱۰۸ میلیارد دلار تعریف شده است که ارزش ساخت و تامین تجهیزات این پروژه‌های معادل ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری مورد نیاز آن یعنی حداقل ۶۰

میلیارد دلار است.

پیش‌بینی کاهش سود شرکت‌های بوری

رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران نیز گزارش عملکرد این کمیسیون را ارائه داد. علی سنگینیان پیش از ارائه این گزارش، گریزی به وضعیت بازار سرمایه زد و از پیش‌بینی کاهش سود شرکت‌های بوری طی سال آتی خبر داد. به گفته وی، سود شرکت‌های بوری در سال ۱۳۹۳ در مجموع ۶۵۰ هزار میلیارد ریال بود که طی سال‌های ۹۴ و ۹۵ این رقم به ترتیب به ۵۸۰ و ۴۶۰ هزار میلیارد ریال تقلیل پیدا کرد. عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با بیان اینکه پیش‌بینی می‌شود سود شرکت‌های بوری برای سال ۱۳۹۶ نیز روند نزولی داشته باشد، گفت: رکود همچنان بر شرکت‌های بوری حاکم است و در صورتی که تغییراتی در افزایش قیمت نفت، وضعیت تک‌نرخی شدن ارز و نیز تورم صورت بگیرد، ممکن است که شاهد بهبود کسب و کار شرکت‌های بوری برای سال آینده باشیم.

سنگینیان در ادامه به برخی اقدامات کمیسیون بازار پول و سرمایه اشاره کرد و با بیان اینکه طرح قانون بانکداری بدون ربا، طی چند جلسه از سوی اعضای کمیسیون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، افزود: این طرح در حالی در دوره گذشته مجلس شورای اسلامی از سوی نمایندگان ارائه شد که دارای ایراد و اشکال بود و به پیشنهاد

کمیسیون بازار پول و سرمایه و در نهایت ارائه آن از سوی هیات رئیسه اتاق تهران، مجلس آن را برای بررسی بیشتر از دستور کار خارج کرد.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، با اعلام اینکه دولت قول داده است که کم‌کاری گذشته مبنی بر تاخیر ارائه طرح قانون بانکداری بدون ربا و ارائه آن به مجلس را جبران کرده و به موقع این طرح را آماده کند، گفت: این در حالی است که از مجلس خبر می‌رسد که نمایندگان در حال تدوین طرح دیگری از این قانون هستند، از این رو از هیات رئیسه اتاق تهران درخواست داریم که طی مکاتبه با دولت، روند ارائه هر چه سریع‌تر لایحه قانون بانکداری بدون ربا در دستور کار قرار گیرد. سنگینیان در ادامه به طرح اصلاح ماده ۲۴۱ قانون تجارت در کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران نیز اشاره کرد که موارد پیشنهادی کمیسیون در این خصوص احصاء شده و آماده ارائه به دولت است.

انتقاد از برداشت ریالی از صندوق توسعه

مهدی پورقاضی، رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران نیز در نطق خود از طرح برداشت‌های ریالی از صندوق توسعه ملی انتقاد کرد. پورقاضی گفت: برداشت‌های ریالی از صندوق توسعه ملی در گذشته نیز سابقه داشته، اما اخیراً هیات امنای این صندوق برداشت ۲ میلیارد دلار از منابع این صندوق و ریالی کردن آن را به تصویب



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

رسانده است. این مصوبه در حالی اجرایی می‌شود که اعتبارات ریالی اعطا شده قبل به صندوق بازنگشته است. آن هم در شرایطی که منابع صندوق سرمایه‌ای بین‌نسلی است و باید مبنای توسعه باشد. امیدواریم با حضور آقای دوست‌حسینی در راس این نهاد، بتوانیم از اجرای این مصوبه جلوگیری کنیم. در این صورت ضرورت دارد از سوی اتاق تهران نامه‌ای به صندوق توسعه ملی ارسال شود. از طرفی کمک به صادرات نیز می‌تواند از ناحیه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات صورت گیرد.

پورقاضی در ادامه سخنانش با اشاره به طرح وزارت صنعت، معدن و تجارت مبنی بر اختصاص ۱۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات به واحدهای تولیدی گفت: ظرف هفته‌های گذشته، آمارهای مختلفی از دریافت‌کنندگان این تسهیلات منتشر شده، اما بررسی‌های میدانی در تشکلهای، نشان می‌دهد که معلوم نیست چه کسانی این تسهیلات را دریافت کرده‌اند. این نگرانی وجود دارد که این تسهیلات باز هم در اختیار نوجوشمی‌ها قرار گرفته باشد. ما خواستار آن هستیم که اسامی دریافت‌کنندگان این تسهیلات روی پورتال وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار گیرد. رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران در عین حال با انتقاد از اقدام دولت در خصوص لغو دستورالعمل آزادسازی نرخ خوراک پتروشیمی‌ها گفت: باعث تأسف است که این تصمیم لغو شده و این نشان می‌دهد که لابی برخی فعالان پتروشیمی قوی است. انتظار این است که دولت نسبت به آزادسازی در این بخش اقدام کند.

حسین ابویی‌مهریزی، معاون طرح و برنامه وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در این نشست، در واکنش به سخنان پورقاضی گفت که تدوین استراتژی صنعتی کار یک وزارتخانه نبوده و یک موضوع فرادستگاهی است. بنابراین پیش‌نویس اولیه آن می‌تواند از سوی اتاق تهران تهیه شود. وی اجرای برنامه «تکمیل طرح‌های صنعتی با پیشرفت فیزیکی بالای ۶۰ درصد» را از هفت طرح اولویت دار تصویب شده در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی برای این وزارتخانه اعلام کرد و گفت: تا پایان مهرماه

۲ هزار و ۹۸۶ پروژه راه‌اندازی شده است. معاون طرح و برنامه وزیر صنعت، معدن و تجارت حجم سرمایه‌گذاری برای بهره‌برداری از این میزان پروژه را حدود ۱۵۰ هزار میلیارد ریال عنوان کرد و افزود: با راه‌اندازی این طرح‌ها، ۴۵ هزار شغل مستقیم ایجاد شده است.

ابویی‌مهریزی همچنین درباره آخرین وضعیت اجرای پروژه «تکمیل و راه‌اندازی ۳۶ طرح مهم و ملی» گفت: از ابتدای امسال تا پایان مهرماه، ۱۲ طرح از ۳۶ طرح مهم و ملی راه‌اندازی شده است. با تکمیل و راه‌اندازی این ۳۶ طرح مهم و ملی ۱۳۰ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری وارد مرحله بهره‌برداری می‌شود.

بی‌توجهی دولتمردان به توان بنگاه‌های داخلی

محمدرضا انصاری، دیگر عضو هیات نمایندگان اتاق تهران نیز طی سخنانی، بر تغییر پارادایم در اجرای سیاست‌ها تأکید کرد و گفت: مسئولان دولتی به‌طور



بیش از یکصد سال از استخراج نفت در ایران می‌گذرد؛ اما همچنان برای دستیابی و استحصال و تولید ثروت از این منبع عظیم زیرزمینی محتاج کشورهای خارجی هستیم؛ درحالی‌که هرگز توان و دانش شرکت‌ها و بنگاه‌های داخلی به کار گرفته نشده و همچنان نیز دولتمردان به این موضوع بی‌توجه هستند.

فزاینده‌ای درگیر اجرای پروژه‌هایی هستند که به ظرفیت‌سازی ملی در آن توجهی نشده است. وی افزود: بیش از یکصد سال از استخراج نفت در ایران می‌گذرد؛ اما همچنان برای دستیابی و استحصال و تولید ثروت از این منبع عظیم زیرزمینی محتاج کشورهای خارجی هستیم؛ درحالی‌که هرگز توان و دانش شرکت‌ها و بنگاه‌های داخلی به کار گرفته نشده و همچنان نیز دولتمردان به این موضوع بی‌توجه هستند.

کاوه زرگران، رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع غذایی اتاق تهران نیز طی سخنانی به موضوع تک‌نرخ کردن ارز و وعده دولت به اجرای آن در مدت باقیمانده از سال جاری اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه رقم تعرفه‌ها در کشور بالا است، اگر تا پیش از سال ۹۶ ارز تک‌نرخ شود، قیمت تمام‌شده در صنایع تبدیلی افزایش پیدا خواهد کرد. از این رو، باید عواقب این اقدام از سوی اتاق بازرگانی تهران مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در اختیار دولت قرار گیرد. محمد لاهوتی، دیگر عضو هیات نمایندگان اتاق تهران نیز با اشاره به تسهیلات ۱۶ هزار میلیارد تومانی مصوب دولت برای بنگاه‌ها، گفت: سود این تسهیلات ابتدا ۱۶ درصد لحاظ شده بود که با درخواست و پیگیری اتاق تهران، به ۱۱ درصد تقلیل پیدا کرد. وی افزود: حال با توجه به مدت باقی‌مانده از سال جاری و اینکه بسته حمایت از مشوق‌های صادراتی نیز هنوز ابلاغ نشده است، اتاق بازرگانی تهران از دولت بخواهد که تسهیلات مصوب هر چه سریع‌تر تخصیص پیدا کند و علاوه بر آن، نظارت دقیقی نیز بر اعطای این تسهیلات داشته باشد تا این منابع در محل‌های دیگر صرف نشود. در ادامه بیستمین نشست هیات نمایندگان اتاق تهران، مسعود خوانساری گزارشی از وضعیت بیمارستان بازرگانان و مراحل بازگشت اداره و مدیریت آن به اتاق تهران ارائه داد که در پایان با رای اکثریت اعضای هیات نمایندگان اتاق تهران، بازگشت مالکیت و اداره بیمارستان بازرگانان تهران به این اتاق به تصویب رسید.

منبع: دنیای اقتصاد



تجلیل از مهندس عطاردیان در چهارمین سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه

و تأثیر آن در شاخص‌های استراتژی سازمان ارائه دادند. مهندس رضا ایکانی نیز در ارائه خود به چالش‌های موجود در شرایط عمومی پیمان ۴۳۱۱ ساخت ایران پرداخت. در آخرین ارائه سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه نیز، آقای مهندس عطاالله هاشمی از پیشکسوتان مدیریت پروژه سخنرانی کرد. بعد از سخنرانی مهندس عطاالله هاشمی، از پیشکسوتان، اساتید و مدیران حرفه‌ای پروژه‌ای که در توسعه و عملیاتی شدن مدیریت حرفه‌ای پروژه فعالیت داشتند، تقدیر شد. در این بخش از مهندس عطاالله هاشمی و مهندس محمد عطاردیان (به پاس یک عمر فعالیت در حوزه مدیریت پروژه)، دکتر مجید سبزه‌پرور (استاد پیشکسوت مدیریت پروژه)، مهندس سلطان محمدی (مدیر PMO شرکت پایدار پی‌سازه)، سخنرانان رویداد و همچنین تیم اجرایی چهارمین سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه تجلیل شد و به آنها لوح و تندیس یادبود اهدا گردید. دکتر مجید سبزه‌پرور نیز در این بخش سخنرانی کوتاه درباره اهمیت نگاه علمی به دانش مدیریت پروژه داشت.

در دومین ارائه، دکتر هانی عمارتی به موضوع «کاربرد مدیریت حرفه‌ای پروژه در پیشگیری از مشکلات قراردادی و مالی» پرداختند. در قسمت دوم برنامه، دکتر افشین فیروزی سخنرانی کرد. دکتر فیروزی در ارائه خود درباره «روش‌ها و الزامات تأمین مالی پروژه‌ها» صحبت کرد. مهندس سعید مقدسی در چهارمین ارائه سمپوزیوم به موضوع «نقش سیستم‌های نگهداری در کاهش هزینه‌های پروژه» پرداختند. در قسمت سوم برنامه مهندس احمد دلت خواهی با موضوع «درس‌آموخته‌های مدیریتی در کاهش هزینه تمام شده پروژه‌های سد سازی در ایران و خارج از کشور» و مهندس محمد رضا بهمنش با موضوع «گشایش اعتبارات اسنادی و نکات کلیدی» به سخنرانی پرداختند. در آخرین ارائه بخش سوم سمپوزیوم، مهندس محمد حسن موسوی با عنوان «درس‌آموخته‌هایی از مدیریت قراردادهای تدارکات» سخنرانی داشت. در ادامه این سمپوزیوم مهندس سید سینا قاضی دزفولی درباره روندهای مدیریت پروژه

چهارمین سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه به مناسبت بزرگداشت روز جهانی مدیریت پروژه و با همکاری گروه پژوهشی بهینه‌سازی دانشگاه تهران و کانون عالی کارفرمایی روز ۱۳ آبان در دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار گردید. در این سمپوزیوم از مهندس محمد عطاردیان به پاس یک عمر فعالیت در حوزه مدیریت پروژه تقدیر شد. اولین سخنرانی افتتاحیه توسط مهندس محمد عطاردیان، رئیس چهارمین سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه انجام شد. مهندس عطاردیان در سخنرانی خود با نگاهی کلان به معضلات اساسی این حوزه پرداختند. در دومین سخنرانی افتتاحیه سمپوزیوم، دکتر یعقوب قلی‌پور سخنرانی داشت. دکتر قلی‌پور، دبیر علمی چهارمین سمپوزیوم مدیران حرفه‌ای پروژه، درباره اهمیت مدیریت پروژه و لزوم نگاه علمی به آن صحبت نمودند. در ادامه این برنامه، دکتر محمد حامد امام جمعه‌زاده در اولین ارائه سمپوزیوم، درباره «مدیریت پروژه و مشارکت بخش خصوصی و عمومی در طرح‌های زیربنایی» صحبت کرد.





دومین کنفرانس سالانه «ماشین آلات، ثروت ملی»

■ سرمایه انسانی و ماشین آلات
■ مدیریت و ارزش افزوده ماشین آلات

■ دانش ماشین آلات
■ قانون ماشین آلات

با رویکرد:



پیام آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

ماشین آلات

ثروت ملی کشور هستند

مهندس خوانساری نایب رئیس سندیکای شرکتهای ساختمانی نیز در افتتاحیه کنفرانس عنوان کرد: در سالهای اخیر لطمات بزرگی به صنعت ساختمان و تولیدکنندگان ماشین آلات ساختمانی وارد شده است، از این رو لازم است هماهنگی و انسجامی برای نظم دادن به گردش کار این صنعت در راستای منافع ملی انجام گیرد. طی ده سال اخیر کارهای عمرانی متوقف و بودجه های عمرانی را در جاهایی که نباید، هزینه کردند. ماشین آلاتی که با زحمت مدیران سازنده و واردکنندگان تهیه می شد با چنگ و دندان حفظ کردیم. وی افزود: این روزها با شرکتهای خارجی برای سرمایه گذاری و رفع مانع تامین مالی وارد



در آغاز این نشست، مهندس محمد غنی زاده دبیر کنفرانس عنوان نمود: چالش ها و مسائل ماشین آلات قبلا در میزگردهای تخصصی مدیران و پیشکسوتان جمع بندی شده و برای تدوین یک رهیافت به کنفرانس حاضر پیشنهاد شده است امیدواریم در جلسه امروز به واکاوی و بررسی آنها بپردازیم و پیشنهادات و راهکارها را ارائه نماییم.

سندیکای شرکت های ساختمانی ایران دومین کنفرانس سالانه «ماشین آلات، ثروت ملی» را ۲۸ مهرماه امسال با رویکرد دانش ماشین آلات، سرمایه انسانی و ماشین آلات، قانون ماشین آلات و مدیریت و ارزش افزوده ماشین آلات برگزار کرد. اولین دوره این کنفرانس از سال گذشته در جهت ایجاد فرصت مناسب جهت تبادل دیدگاه ها و نظرات مدیران عالی شرکت های عمرانی و ماشین آلاتی در حوزه صنعت احداث، و دیگر متخصصان و مدیران برندهای داخلی و خارجی ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین با عنوان «ماشین آلات، ثروت ملی» برگزار و به صورت گسترده مورد استقبال قرار گرفت و در حاشیه این همایش، نمایشگاه تخصصی جانبی با عنوان «Expect Meeting برندها و نمایندگان ماشین آلات، قطعات و لوازم» برپا شد.

دوقوسی در کشور ما ساخته شده است. اولین ماشین‌های دنیا در این مملکت ساخته شده و اکنون نیز برای توسعه و رشد چاره‌ای جز ساخت ماشین در درون کشور وجود ندارد.

وی افزود: بقیه کشورها هم از ماشین‌های مدرن شروع نکردند و پروژه‌های عظیم را با ماشین‌های معمولی انجام دادند. در کانال پاناما ۲۶ میلیون مترمکعب خاکبرداری با شاول با موتور بخار و با قطار و ریل - کامیون هنوز اختراع نشده بود - صورت گرفت. کانالی با این عظمت با موتور بخار انجام شد. شروع هر چیزی با الفبا است. دنیا با الفبا شروع کرد. مهندسان ما هم نباید دنبال ماشین مدرن بروند که وابسته شوند. علت سرعت و کیفیت در کشورهای دیگر این است که برای هر کار ساده‌ای ماشین ساختند. مهندسان ایرانی هم با فرهنگ ۲۵۰۰ ساله قادر به ساخت ماشین هستند و حمایت و صبر و تشویق مدیران شرکتها در آن مورد راهگشا است.

شرکت ما برای ساخت ماشین، از قراضه ماشین‌ها استفاده کرد برای نمونه جرثقیلی را بازسازی و در سد سیمره استفاده کردیم. متخصصان ما بت را به جرثقیل مانیتواک بستند و با پوششی که به همه سد می‌داد کار را انجام دادند. جرثقیلی با موتور DC را توسط جوانان شرکت بازسازی کردیم. اسکله عسلویه را به ما واگذار کردند. در این اسکله چرثقیلی برای حمل کیسون ۳۰۰ تنی لازم بود که شرکت ما آن را ساخت. بهتر است واردکنندگان با ساخت برخی از قطعات شروع کنند.

برای تولید ماشین‌آلات به توافق برسد. بی شک صنعتگری بهتر از شما وجود ندارد. امیدواریم این کنفرانس ادامه یابد و با گرفتن دست همدیگر در راستای سازندگی کشور و تولید ماشین‌آلات عمرانی بکوشیم.

ماشین‌آلات نباشد کشور ساخته نمی‌شود

علیرضا ناصر معدلی رئیس هیات مدیره شرکت پرلیت نیز درباره «ماشین‌آلات در صنعت احداث» عنوان کرد: من دانشجویی سال دوم بودم که مهندس حامی در سال ۱۳۴۴ دانشجویان سال دوم را به بازدید از اسکله‌ای که توسط شرکت پامروی ساخته می‌شد به بندرعباس برد. در این شرکت ماشین‌های عظیم لایروبی و جرثقیل‌های بزرگ را به ما نشان دادند. آن موقع به عنوان دانشجوی فکر کردم فرق ما ایرانی‌ها و شرکت‌های خارجی در همین ماشین‌آلات است که بدون آنها نمی‌توان چنین پروژه‌های عظیمی ساخت و اگر مملکت ما بخواهد پیشرفت کند باید خود ماشین بسازد.

برای هر حرکتی ماشین لازم است و ماشین سرعت، کیفیت و دقت را بالا می‌برد و اقتصادی تر است. البته بسیاری از پروژه‌ها هم ماشین اختصاصی خود را می‌خواهد. ما اولین مملکتی هستیم که کانال سوئز را حفاری کرده ایم. سد کوار را در ۲۵۰۰ سال پیش ساخته ایم که هنوز کار می‌کند. در شوشتر اولین توربین آبی دنیا ساخته شد و توربین بادی اولین بار در سیستان و بلوچستان ساخته شده است. سدهای زیادی در مملکت ما ساخته شد و اولین سد



مهندس خوانساری :

ماشین‌آلات، ثروت ملی کشور ما هستند. در این سالهای اخیر لطمات بزرگی به صنعت ساختمان و تولیدکنندگان و تامین‌کنندگان ماشین‌آلات ساختمانی وارد شده است، از این رو لازم است هماهنگی و انسجامی بین ما برای نظم دادن به گردش کار این صنعت در راستای منافع ملی انجام گیرد.



مذاکره شده ایم اما با مشکلی روبرو هستیم که متأسفانه کمتر مورد توجه دولتمردان ما قرار گرفته است، متأسفانه شرکت‌های خارجی با این شرط وارد سرمایه‌گذاری می‌شوند که میزان ۷۰-۸۰ درصد وام، ماشین‌آلات یا مصالح را از کشور خود بیاورند و فقط تعمیر و نگهداری بر عهده پیمانکار ایرانی گذاشته می‌شود. این شرط جزو مصائبی است که گریبان ما را گرفته است. باید برای این امر اقدامی شود. سندیکا تلاش دارد با همکاری و هماهنگی شما مدیران لایق



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

مهندس ناصر معدلی:
مملکت ما باید با جوانان ایرانی و با ماشین ایرانی ساخته شود. بزرگان صنف ما باید بدانند تا در این مملکت ماشین ساخته نشود مملکت ساخته نمی‌شود. هنر تاجرها نباید وارد کردن ماشین باشد بلکه ساخت آن در کنار واردات باشد.



سخنرانی مهندس ناصر معدلی و تصویری از ایشان مربوط به پنجاه سال قبل



ماشین آلات» عنوان کرد: ماشین آلات در حوزه ثروت های کم رقیب کشور است اگرچه باید از دید محیط زیستی هم به آنها نگاه کرد. ما در غرب ایران در منطقه میانرودان با بحران جدی مواجه هستیم که باعث شده چیزی بالغ بر ۲۸۵ چشمه تولید گرد و خاک به دلیل باد غالب ۲۵ استان ما را درگیر ماجرای گرد و غبار و ریزگرد نماید و خسارت بزرگی را به کشور ما وارد کند.

وی افزود: چرا این چشمه های تولید گرد و خاک به نزدیک ۳۰۰ مورد رسیده است؟ چون کشور ترکیه از ضعف دولت های مرکزی عراق و سوریه استفاده کرد و طرحی معروف به «گاف» را کلید زد و حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب از حبابه دجله و فرات را که به سمت میانرودان، هورالعظیم و اروند رود جاری می شد دزدید که معادل ۹۰ برابر رودخانه اصلی مرکزی ایران یعنی زاینده رود بود. علاوه بر اتفاقی که در ترکیه رخ داد، خود ما نیز تمام رودخانه هایی را که از مرز غربی ما خارج می شدند از جمله کرخه، سیروان، داریان، زاب، و... را یا مهار کردیم یا در آستانه مهار کامل آنها هستیم. این کار را برای این انجام دادیم که دلمان برای وطنمان می تپد، همانطور که دل ترک ها برای وطنشان می تپد. از همین پارادوکس شروع می کنم. شما فرهیختگان این کشور باید تابوشکن باشید و ما به مفهوم دیگری به نام بی مرزی برسیم و قبل از این که دلمان برای شهر و وطن مان بتپد برای کره زمین بتپد. وقتی ترکیه تصمیم گرفت در میانرودان سد ایلیسو را بر روی رودخانه دجله بزند که ۱۰/۳ میلیارد مترمکعب (۳ برابر سد مخزنی کرخه) گنجایش دارد (و با ساخت آن تمام استان های ایران

نفر شغل ایجاد کرد. با دزدی و سفاقت و قاچاق سوخت کار ایجاد نمی شود. بدترین گناه تضییع آدمها است پس کسی که بیکاری ایجاد کرده، کسی است که سرمایه را تضییع می کند، هر فرد بیکار ۱۵ میلیون تومان هزینه دارد. ما بالاترین نرخ را در بین دانشجویان مهندس زن داریم که باید برای اشتغال آنها برنامه ریزی شود. باید نیاز سرمایه ای کشور را دید و برای تامین آن در هزینه های دیگر صرفه جویی کرد. چه کسی گفته دولت ایران باید دو برابر دولت فرانسه کارمند داشته باشد.

دکتر اردکانی افزود: ماشین آلات سنگین از جنس سرمایه است نه از جنس کالا. ولی ما در قانون خودرو این ماشین آلات را جزو خودرو به شمار آورده ایم. در حالی که این ماشین ها حق ندارند در معابر بیایند و فقط در کارگاه هستند. هر نوع وسیله ای ویژگی، قانون و کاربرد خود را دارد.

در این مورد انجمن ماشین آلات سنگین و سندیکای ساختمانی دخیل هستند و باید مقررات آن را طوری تنظیم کنند که وجود ماشین آلات سنگین در کارگاه ها به صرفه باشد، امام علی می فرمایند علم را از دیگران یاد بگیرد. چرخ ایرانی، که محور عمودی داشت اختراع ایرانی ها است. آسیاب بادی برخلاف آسیاب بادی که افقی حرکت می کند، عمودی حرکت می کند و چرخ دنده دارد و قدرت انتقال انرژی بالایی دارد. این چرخ توسط ایرانی ها ساخته شده و ایرانی ها باز هم می توانند بسازند. ما باید با ماشین آلات مانند کالای سرمایه ای برخورد کنیم و در حسابداری هم آن را کالای سرمایه ای بدانیم. وی در پایان تاکید کرد: باید در مورد ماشین آلات کمیته هایی تشکیل داده، از طریق قانون بهبود مستمر کسب و کار آئین نامه های آن را تالیف کرده و از طریق اتاق یا از طریق دفتر ریاست جمهوری پیگیری کنیم و نگذاریم کسانی که مال ملت و خود را ضایع کرده اند برای ما آئین نامه بنویسند.

باید بدانیم از ماشین آلات چگونه استفاده کنیم

در ادامه مهندس درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست نیز درباره «محیط زیست و



مملکت ما باید با جوانان ایرانی و با ماشین ایرانی ساخته شود. در روند واردات هم باید شبیه قطعات وارد شده را بسازیم. هنر تاجر ها نباید وارد کردن ماشین باشد بلکه ساخت آن در کنار واردات باشد.

ماشین آلات را به عنوان کالای سرمایه ای بشناسیم

دکتر شمس اردکانی رئیس هیات مدیره انجمن ماشین آلات نیز با بیان اینکه مرحوم حامی و مجتهدی همواره می گفتند هر که دلش برای ایران نتپد، بهتر است هرگز نتپد، عنوان کرد: کالای سرمایه ای و ایجاد آن نشان دهنده توان ملی است. اما کالای سرمایه ای چیست؟ در امر اقتصاد و توسعه یکی از بزرگترین شاخصها نمودارهای جمعیتی است که ناشی از فرایندهای دهه های قبل هستند. یکی از موارد آماری تعداد دانشجویان کشور ما است که حدود ۴/۳ میلیون نفر هستند. اگر هر دوره تحصیلی ۴ سال باشد سالانه ۱ میلیون فارغ التحصیل داریم که یک چهارم آنها مهندس هستند. باید برای این ۲۵۰ هزار

دکتر شمس اردکانی:

ماشین آلات سنگین از جنس سرمایه است نه از جنس کالا. ولی ما در قانون خودرو این ماشین آلات را جزو خودرو به شمار آورده ایم. در حالی که این ماشین ها حق ندارند در معابر بیایند و فقط در کارگاه هستند.





درگیر ریزگردها می‌شود)، کسی اعتراض نکرد. ما باید از معترضان ساخت این سد باشیم اما صدا از صدای کسی در نیامد. اما مردانی در اتریش در اعتراض به ساخت این سد به خیابان‌ها ریختند و از مشاوران خود خواستند از این پروژه بیرون آیند و آن دولت‌ها با کنار گذاشتن سود سرشار از ادامه مشاوره منصرف شدند چرا که در کشورهای غربی احزاب سبز قدرت زیادی دارند و اگر دولت‌ها به رأی آنها گردن نهند در دوره‌های بعدی با مشکل رای مواجه می‌شوند.

وی افزود: مابه‌عنوان شهروندان مسئولیت‌پذیر کره زمین باید نگاهمان را به توسعه تغییر دهیم. امروز بعد از سه سال لایحه هوای پاک وارد دستور کار مجلس شد. اما این لایحه سه سال به دلیل کمبود وقت نمایندگان مجلس وارد دستور نشد.

مهندس درویش افزود: یادداشتی را در روزنامه خواندم که نویسنده خطاب به شهردار گفته تا کی باید در این دود و دم و ترافیک گرفتار باشیم؟ تاریخ آن یادداشت مربوط به آبان ۱۳۲۶ است. چه نشانه‌ای از این شرم‌آورتر که بعد از ۶۹ سال نتوانستیم مشکل آلودگی را حل کنیم و پرونده آلودگی هوا قطورتر و قطورتر شد و با ارزش سال ۱۳۸۹ ما سالی ۹ میلیارد دلار خسارت آلودگی هوا می‌دهیم، البته امروز بحث ریزگردها مطرح شده و این مبلغ به ۲۰ میلیارد دلار رسیده. امروز در تهران ۲۰ میلیون ساعت از وقت تهرانی‌ها و در کل کشور ۵۰ میلیون ساعت از عمر ایرانی‌ها تلف می‌شود که ارزش کل آن ۲۵ هزار میلیارد تومان می‌شود. خسارتی که بیماری‌های ناشی از این امر ایجاد می‌کند ۴۰ هزار میلیارد تومان است.

وی افزود: در حوزه آبخیز ارومیه به بهانه کشاورزی اراضی توسعه یافت و تعداد چاه‌ها

به ۷۰ هزار مورد رسید که نیمی از آنها غیرمجاز است و ۷۲ سد بر روی ۱۱ رودخانه ساخته شد، و حوزه آبخیز به بیابان تبدیل شد و بزرگترین بحران اجتماعی در شمال غرب کشور تجربه می‌شود و دولت ۱۵ هزار میلیارد تومان پول برای حل این امر در نظر گرفته است در حالی که بودجه سالانه سازمان حفاظت از محیط زیست ۱۲۳ میلیارد تومان است. وی افزود: متأسفانه ارزش خاکی که هر سال از دست می‌دهیم ۲ میلیارد تن است. هر تن خاک ۲۱۸ دلار قیمت دارد. سال گذشته مجموع درآمد ما از گردشگری ۱/۳ میلیارد دلار بود که ۵۰ برابر آن را در خاک از دست می‌دهیم. خاک ریشه گاه است و هیچ کشوری خاک خود را به ما نمی‌دهد. در منطقه جغرافیایی ما بین ۳۰۰ سال تا ۱۱۰۰ سال برای تشکیل هر سانت خاک وقت لازم است. سرعت جابجایی خاک در ایران ۶ برابر خاکزایی است.

ماشین‌آلات ثروت ملی است، اما ابزار است و هیچ فعال محیط زیستی با ابزار مخالف نیست. وقتی ناصرالدین شاه عاشق سینما توگراف شد و از بلاد غرب دوربین فیلمبرداری آورد و فیلمبردار از اندرونی سلطان فیلم گرفت و به مذاق وی خوش نیامد و ناصرالدین شاه فرمان تاریخی داد و گفت: «بروید گردن برادران لومیر را بزنید»، اما ما مخالف ماشین‌آلات نیستیم و نمی‌خواهیم بر ضد ماشین‌آلات سخن بگوییم اما باید بدانیم از این ابزار چگونه استفاده کنیم.

پانل اول؛ دانش و آموزش ماشین‌آلات

سخنران پانل اول دکتر حق پناهی معاون

پژوهشی و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای با عنوان «دوره‌های فنی و حرفه‌ای ضرورتها و بایسته‌ها بود.

دکتر محمد حق پناهی معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای در این پانل در ابتدا به معرفی خود پرداخت و گفت: من ۳۱ سال قبل بعد از اتمام تحصیل از فرانسه، وارد دانشگاه علم و صنعت شدم و در خلال این سالها کارهای اجرایی انجام دادم و از موسسان دانشگاه جامع علمی کاربردی بودم و از سال ۱۳۷۴ در این دانشگاه بودم و از مهر ۱۳۸۴ در نظام فنی و حرفه‌ای و علمی و کاربردی، ظرفیتها را مورد توجه قرار داده، رویکردی جدید به حوزه معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه فنی و حرفه‌ای دارم و مشغول ایفای وظیفه هستم. بنده مسئولیت تدوین برنامه ۵ ساله ششم را در قالب نظام فنی و حرفه‌ای بر عهده دارم.

وی افزود: دانشگاه فنی و حرفه‌ای قدمتی ۵۰ ساله دارد. آموزش و پرورش ما تربیت تکنسین می‌کرده است، برای همگون کردن سیاستهای این نوع هنرستانها ۵ سال قبل مجلس با مصوبه‌ای، هنرستانها را از آموزش و پرورش جدا کرد و موقعیت ۱۷۱ مرکز را که آموزش‌شده و دانش‌شده بودند بر عهده دانشگاه فنی و حرفه‌ای می‌گذارد. با نگاهی به جایگاه این دانشگاه در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها، متوجه می‌شویم دانشگاه‌های دیگر دغدغه بازار را ندارند و اغلب عرضه محور هستند و به تقاضاها توجه ندارند. اولین تفاوت دانشگاه



دکتر حق پناهی:

اگر شعار ما آموزش مناسب برای فرد مناسب در جایگاه مناسب باشد باید از کم آموزشی و زیادآموزی اجتناب شود.





در سازمان‌ها فنی و حرفه‌ای دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش داده می‌شود. و به دوره‌های عالی توجه کمتری داشته است. دانشگاه فنی و حرفه‌ای دوره‌های آموزشی رسمی است و ۱۶۸ هزار نفر دانشجوی کارداران و ۲۰ هزار نفر دانشجوی کارشناسی دارد. البته ادامه تحصیل باید با توجه به اعلام نیاز صنعت باشد و در غیر این صورت واقعا نیازی به ادامه تحصیل نیست. وی در پاسخ به سؤالی درباره نیاز صنعت احداث به آموزش اپراتور و کارداران در زمینه ماشین‌آلات با اشاره به جلسه مشترک با سندیکا عنوان کرد: تعمیر و نگهداری، طراحی و ساخت و مدیریت ماشین‌آلات مورد بحث بین ما و سندیکا قرار گرفته و ما آمادگی داریم برنامه‌ای با توجه به خواست کارفرما تدوین کنیم.

پانل دوم؛

«ارزش افزوده و ماشین‌آلات»



دکتر جام‌ساز:

ماشین‌آلات بخشی از عوامل تولید است. همه عوامل تولید باید در فرایندی وثیق با هم تلفیق شوند تا تولیدی با هزینه کم و کیفیت بالا ایجاد شود.



موجود توجه ندارد و برای توسعه نگاه جدید سرمایه‌گذاری می‌کند. در نگاه جدید سازمانی که یاد دهنده است از صنعت جدا نیست. بعد از چند سال هنوز می‌گوییم حلقه مفقوده ارتباط دانش و صنعت در حالی که این حلقه مفقوده در ذهن ماست. شما خواستید و با خواستن است که توانستن روی می‌دهد. انتقال تکنولوژی نیازمندی‌های جدیدی را برای ورود به بازار در سازمان فنی و حرفه‌ای ایجاد می‌کند. دکتر حق پناهی افزود: از این پس دانشجویان هنرستانی فقط برای ورود به دوره‌های فنی و حرفه‌ای تربیت نمی‌شوند و مهمترین ویژگی این دوره انعطاف‌پذیری است. فرد باید از پیشینه قوی برای ورود به این سیستم برخوردار باشد. چون برای این صندلی آموزشی هزینه می‌شود. مهمترین دغدغه کوتاه کردن فاصله سیستم آموزشی خروجی به بازار است.

سیستم دوال است که برگ برنده فردای کشور است. در این سیستم مشروطی و اخراجی وجود ندارد و مشروطی و اخراجی نشان دهنده ضعف سیستم خواهد بود. با این سیستم نظام فنی و حرفه‌ای ارتباط موفق با صنعت و کارفرما خواهد داشت. با این کار ایران به شکل قبرستانی از ماشین‌آلات و تجهیزات نخواهد بود.

وی افزود: برای برنامه ۵ ساله ششم نظام فنی و حرفه‌ای بایسته‌هایی وجود دارد از جمله ورود صنعت به عنوان نهاد ناظر و برنامه ریز و عامل اجرا و عامل ارتقای سطح مدرسان در کنار دانشگاه لازم است که در نشست بعدی هیات امناء مطرح خواهد شد. رویکرد ما تقویت هنرستان‌ها و استفاده از سایر سازمان‌ها برای پذیرش دانشجو است.

فنی و حرفه‌ای این است که می‌خواهد دانشگاهی باشد بعد از گذراندن نسل اول و دوم دانشگاه‌ها، وارد نسل سوم دانشگاه‌ها یعنی دانشگاه‌های کاربردی شده و ارتباط با صنعت را در سرلوحه کار خود قرار داده است. دانشگاه فنی و حرفه‌ای ملزوماتی دارد و تا کنون موقعیت آن ۳ به علاوه ۲ بود. یعنی سه سال آموزش در هنرستان و دو سال در آموزشگاه‌ها صرف می‌شد اما عمدتاً بچه‌ها به نظامی توجه می‌کنند که انباشته خروجی آنها منتظر یک شغل هستند.

از سال ۱۳۹۶ هم حداقل ۳۰ هزار خروجی از این دست در قالب سونامی وارد بازار خواهد شد. مسئله بعدی اینکه از سال آینده نظام هنرستان‌های ما تغییر و دیگر پیش دانشگاهی وجود ندارد. با ۱۲ سال شدن نظام هنرستانی امکان انتخاب سایر رشته‌ها هم وجود دارد و فرد خود را ملزم به کارداران شدن نمی‌داند مگر این که به این امر باور داشته باشد. با این ترتیب باید به دوستان وزارت علوم و شورایی فنی گفت اگر قرار است لیسانس و فوق لیسانس به درد نخورد و همه درصدد گرفتن دکتری باشند، چرا برای همه دوره دکتری نمی‌گذارید. این نیز دغدغه‌ای است. ما باید به مجموعه سه رأسی آموزش دهنده، آموزش گیرنده و کارفرما توجه کنیم. کارفرما یعنی شما (سندیکا) که دغدغه آموزش دارد. به نظر ما آموزش باید با کارفرما یکی شود. اگر سیستم دوال را موفق می‌دانیم نقش سندیکاها به عنوان قسمتی از امر آموزش مهم است. حجم سرمایه‌ای که برای به روز شدن آموزش‌ها لازم است زیاد است. و برای تربیت یقه آبی باید یقه آبی به وی تدریس کند.

دکتر حق پناهی افزود: در ابتدای برنامه ششم جمعیت دانشجویی کشور ۴/۵ میلیون نفر و در سال ۱۴۰۰ حدود ۴ میلیون و دویست هزار نفر خواهد بود. اگر حدود ۲۵ درصد آنها کارداران باشند باید ۱ میلیون دانشجو در مقطع کاردانی داشته باشید.

باید نهاد سیاست‌گذار و نظارتی برای این سرمایه‌های ملی باشد که این نهاد باید شماها باشید چرا که دغدغه آموزش و به روز شدن منابع آموزشی را دارید. این دغدغه زیباست یعنی عرصه فعالیت‌های نظام فنی و حرفه‌ای صرفاً به وضعیت



در برنامه بعد از ظهر ابتدا دکتر جام ساز اقتصاد دان با موضوع «ماشین‌آلات ثروت ملی، توسعه ملی» سخن گفت و بعد پانل دوم با موضوع «ارزش افزوده و ماشین‌آلات» برگزار شد.

دکتر جام ساز کارشناس و اقتصاددان در سخنرانی با موضوع «ماشین‌آلات ثروت ملی، توسعه ملی» عنوان کرد: در راستای سخنان آقای حق پناهی باید عنوان کنم طبق آمار آموزش و پرورش ۹۰ هزار نفر در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند و سالی ۷۰۰ هزار نفر از دانشگاهها فارغ التحصیل می‌شوند که این مسئله می‌تواند بسیار نگران کننده باشد چون این حجم با ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی ما مطابقت ندارد و ما ظرف چند سال آینده با لشکری از بیکاران ۸-۹ میلیون نفری مواجه هستیم.

وقتی صحبت از توسعه می‌شود باید از واحد خانواده شروع کرد، این واحد به دلیل مصرف‌کننده بودن و اقتصادی بودن انسان، قابل توجه است چرا که هر انسانی در تلاش است برای خانواده خود بهترین رفاه را ایجاد کند. بنابراین سعی دارد در دخل و خرج خود مدیریت کند و با درآمدی اضافه پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری کند و ارزش افزوده ایجاد کند. دکتر جام ساز تصریح کرد: این ارزش افزوده مفهومی وسیع در توسعه اقتصادی دارد که اگر به کل جامعه تسری دهید متوجه می‌شوید رشد اقتصادی که ایجاد ارزش افزوده می‌کند ایجاد اشتغال درآمد ملی می‌کند و عرضه ملی را بالا می‌برد و محصول ملی می‌تواند پاسخ تقاضاهای داخلی را داده، قیمت‌ها را متعادل کند. در چنین نظامی که توسعه دیده می‌شود ارزش بازار بیشتر معلوم می‌شود.

وی افزود: وقتی گفته می‌شود دولت ۸۵ درصد اقتصاد را در دست دارد، به رقم بزرگی از اقتصاد اشاره می‌کنیم اما با نگاه به عملکرد آن و بزرگ شدن آن، می‌بینیم این اقتصاد در اختیار اقتصاد فرادولتی است و تصمیم‌گیران اقتصادی فاقد قدرت تصمیم‌گیری سیستماتیک هستند.

وی افزود: اما تولید چگونه ایجاد می‌شود؟ عوامل تولید را سرمایه، مدیریت، ماده، نیروی کار و ماشین می‌دانند. اما به تدریج آنقدر مسائل در جهان تغییر یافت و تکنولوژی

آمد که مدیریت دانش بنیاد و ابزارهای نوین تولیدی هستند که در تولید تأثیر زیادی دارند. ماشین‌آلات بخشی از عوامل تولید است. همه عوامل تولید باید در فرایندی وثیق با هم تلفیق شوند تا تولیدی با هزینه کم و کیفیت بالا ایجاد شود. ماشین‌آلات یکی از این ابزارها است که متأسفانه در کشور ما به صورت ابزاری درآمده که چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. علت آن هم نگاه دولتی به اقتصاد است و مدیریت دولتی فاقد ظرفیت لازم برای هدایت موسسه تولیدی است و مسائلی مانند مهندسی ارزش را در مورد ماشین‌آلات درک نمی‌کند و اغلب سیاست مبتنی بر مدیریت هزینه است.

وی افزود: بار اقتصاد بردوش فرهیختگان بخش خصوصی است و موسسات کوچک و متوسط در مجموعه اقتصاد دولتی ما مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. بعد از انقلاب وقتی سازمان توسعه صنعتی درست شد افراد ۲۲-۲۳ ساله ای را به جای افراد با تجربه نشانند و تاسیسات عظیم و ماشین‌آلاتی که ارزش ملی داشتند به باد دادند. اگرچه ماشین‌ها سند مالکیت فردی داشتند اما همزمان دارایی ملی به حساب می‌آمدند. از ۱۲ هزار کارمند شرکت کفش ملی امروز فقط ۷۰۰ کارگر باقی مانده است و از ۸ هزار فروشگاه فقط ۴۰۰ فروشگاه مانده است. همه اینها به نوع نگاه ما و تصمیم‌سازان ما به توسعه برمی‌گردد. در هر حال ماشین‌آلات و تجهیزات همه جزو ثروت‌های ملی هستند و باید آنها را قدر شناخت. ما نیازمند بستر لازم برای تغییر بنیادین در اندیشه تصمیم‌سازان اقتصادی هستیم که به سمت اقتصاد آزاد بروند و بخش خصوصی را محور اقتصاد بدانند تا بقیه نظام‌ها در آغاز این اقتصاد رقابتی توسعه یابند، باید تأکید کنم حتی دموکراسی‌ها هم در بستر اقتصاد آزاد رشد یافته‌اند.

در ادامه مهندس انصاف پور مدیرعامل شرکت کیمیا فن آور آریا عنوان کرد: شان نزول این سمینار به این دلیل است که اگرچه می‌گوییم «ماشین‌آلات، ثروت ملی» اما وقتی به کارگاه‌ها سر می‌زنیم اثری از نگهداری این ثروت ملی نمی‌بینیم. این امر ناشی از پارادوکسی جدی است. ماشین‌آلات در شرکت‌های ساختمانی به طور مصرفی

استفاده می‌شود و یکی از بزرگترین معضلات بحث نگهداری ماشین‌آلات است. عموماً راجع به خرید و انتخاب ماشین صحبت می‌شود و نگهداری نادیده گرفته می‌شود. توجه کنید که اینها اغلب در بخش خصوصی انجام می‌شود نه بخش دولتی. به اعتقاد من بلندترین لطمه ما در ۱۰ سال اخیر دور بودن از تغییرات تکنولوژی و انقلاب چهارم تکنولوژی است. انقلاب چهارم تکنولوژی که در کنفرانس داووس هم درباره آن صحبت شد تحولات جدی در ارتباط ماشین و انسان به وجود آورده است و ماشین‌ها به سرعت به سمت منقطع شدن پیش می‌روند و شیوه نگهداری و نت آنها نیز تغییر پیدا کرده است. دنیا تغییر یافته، تکنولوژی عوض شده و با تفکرات سابق نمی‌توان وارد رقابت شد.

وی درباره «خدمات نوین پس از فروش» عنوان کرد: شرکت‌های واردکننده یا فروشنده تا حد زیادی خدمات مربوط به نت را بر عهده دارند. بعد از تحولات هپکو و کاترپیلار و خیبر، و با توجه به تغییرات تکنولوژی ماشین‌آلات چشم اندازی از تربیت نیروهای متخصص ماشین‌آلات نمی‌بینیم. انتخاب ماشین یا نحوه نگرش به نت بر سه پایه تنوع، اندازه (که در نوع نگهداری تأثیر دارد)، دانش نگهداری ماشین‌آلات به عنوان دانش مستقلی در کشور ما شکل نگرفته است.

وی افزود: باید اندیشه‌ها و نگهداری سنتی را مانند جامه‌ای مندرس به دور انداخت، با این شیوه‌های سنتی «ماشین‌آلات، ثروت ملی» فقط شعار است و ما در واقع ثروت‌های خود را هدر می‌دهیم. تولید ماشین در ایران یا خارج، بهره‌برداری و نگهداری هر کدام موضوع مستقلی هستند که ما نه در بهره‌برداری و نه در نگهداری درست عمل نمی‌کنیم. تحولاتی که در زمینه ماشین‌آلات در این سال‌های اخیر اتفاق افتاده شامل ورود سخت افزارهای الکترونیکی، رادارها و مجموعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بوده است. ماشین‌های امروزی تا حد زیادی توان کنترل خود را دارند. ماشین‌های امروزی ویژگی‌های متعددی دارند از جمله هوشمندی، قابلیت پایش ماهواره‌ای، خدمات پس از فروش، اقتصادی بودن، ایمنی، توجه به محیط زیست و... است. متأسفانه ما به طبیعت بی توجه هستیم مخصوصاً در زمینه HSE که بیشتر به S و H توجه داریم.



مهندس انصاف پور تصریح کرد: در مورد خدمات پس از فروش انتظار داریم شرکت های فروشنده ماشین در سه بخش خدمات قبل از فروش (مهندسی فروش) و خدمات پس از فروش (گارانتی و وارانسی) دهد. در خدمات قبل از فروش فروشنده در شکل مشاور ظاهر خواهد شد و بهره برداری و نگهداری از همین بخش و انتخاب درست شروع می شود. در دوران گارانتی باید به خریدار ماشین آموزش داده شود و تعداد ساعات آموزش در قرارداد ذکر شود.

مهندس بطحائی مدیر ماشین آلات شرکت پرلیت نیز درباره «تجهیزات و attachment های نوین» عنوان کرد: از ۱۹۷۰ میلادی

واحدهای طراحی کمپانی های سازنده ماشین آلات با توجه به ساختار ماشین های عمرانی به فکر ساخت ماشین های چند منظوره افتادند. هر ماشینی نیروی محرکه ای برای حرکت دارد و با تکنولوژی هایی که متناسب نیاز ماشین است می تواند آن نیاز را برطرف کند. یک ماشین می تواند چندین کار را با هم انجام دهد. به ماشین های امروزی به خصوص باب کت می توان ۵۷- ۶۰ ملحقات اضافه کرد. در دنیای حاضر بیل در حال جایگزینی به جای همه ماشین ها است. با توجه به ۵ درجه آزادی بیل می توان در فضای سه بعدی به نقاط دلخواه رسید. اگر بتوان تجهیزات طراحی کرد که قابلیت نصب روی بیل را داشته باشد می توان از خرید ماشین های دیگر بی نیاز شد.

وی در ادامه به ذکر مثال هایی درباره افزودن الحاقات به ماشین های عمرانی اشاره کرد و افزود: ماشین های موبایل به وجود آمده که در محل بهره برداری نصب و بعد از استفاده برچیده می شوند. بیل مکانیکی با ۵ درجه آزادی و تعادل بالا می تواند جوابگوی نیاز

ما باشد و می توان روی آن لیفتینگ، سنگ شکن، سرند و... اضافه کرد و از این ماشین با کارایی چند ماشین و با هزینه کمتر استفاده کرد. مهندسی ماشین آلات در دنیای جدید به سمتی می رود که از تجمیع ماشین آلات برای انجام کار در یک نقطه جلوگیری شود و به طور مجزا از هم و متناسب با محل کار تجهیزات نصب و مورد بهره برداری قرار گیرد.

وی درباره طراحی و ساخت الحاقات ماشین ها از جمله بیل مکانیکی توضیحاتی ارائه داد و گفت: باید فرهنگ استفاده از ماشین عوض شود. لازم نیست در هر کارگاهی حتما بولدوزر و لودر باشد. امروزه به این نیازها جواب های مناسبی با طراحی داده شده است. وی در ادامه به الحاقات نوین در ماشین ها مانند چکش، قیچی، اره ها، ویبره، درام کاتر، و... اشاره کرد.

مهندس یاسر کاکلیان نماینده صنف فروشندگان ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین و نماینده رسمی شرکت سایپا

دیزل نیز در این کنفرانس عنوان کرد: پیگیری نوسازی ناوگان حمل و نقل و ماشین آلات عمرانی برای ما اهمیت داشت.

هزینه ماشین های فرسوده و خواب آنها برای شرکت ها زیاد است و عموماً با نوسازی این مشکل مرتفع می شود. آموزش اپراتورها مهم است و ما سعی داریم به اپراتورها اطلاعات به روزی در زمان تحویل محصول ارائه دهیم و حتی آموزش های ادواری در صورت درخواست ارائه دهیم. بخشی از هزینه هایی که برای نگهداری و خرابی صرف می شود به دلیل عدم اطلاع اپراتورها است. ما سعی داریم با توافق مدیران شرکت ها اپراتورها را هر چند ماه یکبار به روز کنیم تا طول عمر خودروها زیاد شود. قریب به ۳۸ درصد خرابی ها در کامیون ها به دلیل بی اطلاهی اپراتورها است. اما اگر این میزان ۱۰ درصد هم باشد با توجه به این که آموزش رایگان است می توان جلوی این ۱۰ درصد خرابی را با آموزش گرفت.

وی افزود: در دوران مشکلات اقتصادی ما سعی کردیم شرایط فروش را برای شرکت ها تسهیل کنیم، و حتی با قراردادن اقساط یک ساله خرید را تسهیل کرده ایم تا انشاء الله به پویایی اقتصادی مجدد برسیم.

مهندس محمد عطایی مدیر بازاریابی و فروش شرکت دلتاره ماشین درباره «خدمات این شرکت» نیز عنوان کرد:



مهندس محمد عطایی
مدیر بازاریابی و فروش
شرکت دلتاره ماشین



مهندس یاسر کاکلیان نماینده صنف
فروشندگان ماشین آلات سنگین و نیمه
سنگین و نماینده رسمی سایپا دیزل



مهندس کمال بطحائی
مدیر ماشین آلات
شرکت پرلیت



مهندس انصاف پور
مدیرعامل
شرکت کیمیا فن آوری



در این کنفرانس بحث‌های مختلفی مانند بهره‌برداری، نگهداری و ساخت و اقتصاد ماشین مطرح شد که همه آنها نشان می‌داد در ۴۰ سال گذشته دید دنیا نسبت به ماشین و کاربرد آن عوض شده و اگر ارتباط ما با جهان تنظیم نشود یکباره با تکنولوژی جدیدی مواجه خواهیم شد که اطلاعی از آنها نداریم لذا از متخصصان این امر دعوت می‌کنم در بحث ماشین‌آلات بیشتر وارد شوند و خود را آماده کنند تا در برخورد با تکنولوژی‌های جدید شوکه نشوند. کمیسیون ماشین‌آلات سندیکا طی یک سال که از تشکیل آن می‌گذرد فعالیت زیادی داشته است از جمله هر سه ماه یکبار، فصل‌نامه‌ای را درباره ماشین‌آلات منتشر می‌کند که شما عزیزان را به خواندن آن دعوت می‌کنم. همین که در این کنفرانس توانسته ایم به عنوان تولیدکننده، واردکننده، فروشنده و مصرف‌کننده با هم به گفتگو بنشینیم دریچه بزرگی برای همراهی و همکاری و رسیدن به نقطه توافق است. امیدوارم از این جلسه بهره کافی را برده باشیم و با توجه به این که ارتباط ما با جهان خارج در حال بهتر شدن است از تولیدکنندگان داخلی تقاضا دارم تلاش نمایند سطح تولیدات خود را ارتقاء داده و قابل رقابت با مشابه وارداتی آن بکنند. بعد از قدردانی دبیر کنفرانس از حاضران و در پایان مراسم تقدیر از ۱۷ مدرسان دوره‌های آموزشی ماشین‌آلات با حضور مهندس محمود مصطفی‌زاده، مهندس محمد مهدی مرتضی، مهندس غنی‌زاده، مهندس صنعتی شریف، و مهندس محمد غنی‌زاده برگزار شد و لوح‌های تقدیری به ۱۷ تن از مدرسان دوره‌های آموزشی ماشین‌آلات اعطا شد.

اسامی تقدیرشدگان به شرح زیر بود:
دکتر علیرضا مسعودی، دکتر محمد ترکی، مهندس سیدکمال بطحائی، مهندس حسین انصاف‌پور، مهندس هادی بهرامی، مهندس میلاد فزونی، مهندس محمد عمرانی، مهندس مجید عبدالحمیدی، مهندس

بیش از ۴۰ سال قبل ماشین‌آلات وارد کشور ما شد اما نوسازی آنها ممکن نشد و شرکت‌ها به ناچار با ناوگان ماشین‌آلات پیر مواجه شدند. برای حل این امر می‌توان ماشین‌ها را اسقاط کرد، یا با بازسازی آنها را به کشورهای دیگر ارسال کرد. روش بعدی بازسازی ماشین‌ها است که به نظر ما بازسازی به صرفه نیست چرا که بازسازی مطلوب در کشور ما بسیار گران است و قطعات با کیفیت در دسترس نیست. علاوه بر این بازسازی ضریب ریسک دارد و معلوم نیست در کنار هم بودن قطعه جدید و کهنه به چه نتیجه‌ای منجر شود. توقف ماشین هم در بازسازی دردسرهای مخصوص خود را دارد. اما درباره نوسازی بحثی که مورد توجه قرار می‌گیرد بحث برندهای خارجی، تولیدات چینی و تولیدات وطنی است. ما معتقدیم ماشین‌های تولید داخل می‌تواند با ماشین‌های خارجی رقابت کنند و راندمانی معادل با آنها داشته باشند. ما توان ساخت ماشین‌آلات را تا ۸۸ درصد کیفیت برند خارجی و با یک سوم قیمت آن را داریم و برای توسعه کار خود به همراهی شما نیاز داریم. حتی اگر این همراهی به چالش کشیدن ما باشد.

بعضی پروژه‌ها ماشین خاص خود را می‌خواهد و ما در این باره اعلام آمادگی می‌کنیم. ما شرکت‌های بزرگ و توانمندی مانند شرکت هیپکو داریم و فقط اطمینان و باور شما را لازم داریم.

در اختتامیه این کنفرانس مهندس مصطفی‌زاده، عضو هیات مدیره و رئیس کمیسیون ماشین‌آلات نیز عنوان کرد:





بحران آب؛ نیازمند وفاق همگانی

مهندس فریدون خزاعی / دبیرکل فدراسیون صنعت آب ایران

امروز بحران آبی کشور در شرایطی قرار ندارد که بخواهیم به دنبال مقصر آن بگردیم؛ در شرایط کنونی راهی جز همفکری برای عبور از این بحران نخواهیم داشت؛ در عین حال برای این مشکل نباید به دنبال راه حل گشت و باید روش‌های مختلف را اجرا کرد. ابتدا باید تمرکز را بر راهکارهای کوتاه‌مدت و اجرایی قرار داد که در این مرحله فرهنگ‌سازی و مدیریت منابع آبی در حوزه کشاورزی در اولویت قرار دارد؛ در زمینه کشاورزی علاوه بر مدیریت منابع آبی باید تولید برخی محصولات کشاورزی را که آب زیادی برای آنها صرف می‌شود، متوقف کرد. با وجود روشن بودن بحران آب، متأسفانه به این مسائل که به راحتی می‌تواند اجرا شود بی‌توجهی می‌شود. اینکه منتظر اجرای طرح‌های بزرگی مانند انتقال آب بمانیم فقط زمان را از دست داده‌ایم. درباره پروژه‌های

انتقال آب هم باید مسائل مختلفی را در نظر گرفت. به طور مشخص برای انتقال آب از حوزه‌ای به حوزه دیگر در داخل کشور، باید کار مطالعاتی کرد و برای آن برنامه‌ریزی مشخص داشت. با این رویکرد که انتقال آب از استانی به استان دیگر موجب بروز خشکی و تشدید مشکلات استان اهداکننده نشود؛ اما در پروژه‌هایی بزرگتر مانند انتقال آب از منابع دریایی به فلات مرکزی هم با وجود آنکه کلیت این طرح‌ها را اجرا شدنی و نسبتاً مثبت ارزیابی می‌کنم، معتقدم در این زمینه می‌توان فقط روی انتقال آب از دریای عمان به استان‌های مرکز کشور حساب کرد. انتقال آب از دریای خزر می‌تواند مشکلاتی را از بُعد زیست‌محیطی برای ما به همراه آورد و با مخالفت کشورهای حاشیه خزر مواجه شود. انتقال آب از خلیج فارس هم با توجه به برداشت‌های سایر کشورهای منطقه

می‌تواند مسائل خود را داشته باشد؛ اما درباره دریای عمان هم نیازمند مطالعات بیشتر هستیم. در این زمینه باید توجه کرد پروژه انتقال آب به طور کلی پروژه‌ای زمان‌بر است و از زمان آغاز تا اجرایی شدن، فاصله زیادی وجود دارد که نباید آن را از دست داد. نباید منتظر بمانیم آب را از دریا به مرکز کشور منتقل کنیم؛ بیش از آن باید به وفاق همه جانبه در مقابله با بحران آب برسیم، در عین حال نباید انتظار داشت دولت این مشکل را به تنهایی حل و فصل کند. بهتر است به جای دعوا و تنش، به همفکری برای عبور از بحران آب روی بیاوریم. برخلاف آنکه برخی معتقدند دیگر کار از کار گذشته و امکان عبور از این بحران وجود ندارد. معتقدم با وجود آنکه در شرایط سختی قرار داریم، می‌توان با مدیریت صحیح و انسجام همه جانبه، از بحران عبور کرد.





بدون هیچ تردیدی توسعه از مسیر واگذاری کارها به بخش خصوصی می‌گذرد

■ گفت‌وگو با مهندس سیامک مسعودی رئیس کمیسیون قوانین و مقررات سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران ■



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

مهندس سیامک مسعودی متولد سال ۱۳۴۱ تهران و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی عمران از دانشگاه علم و صنعت (۱۳۶۷) است. وی کار خود را در دوران دانشجویی شروع نموده و در سال ۱۳۶۹ شرکت سازور تهران را که زمینه فعالیت آن آب و ابنیه بود تاسیس و به مدت ۲۳ سال مدیرعامل آن بوده‌اند.

مهندس مسعودی در حال حاضر مدیرعامل شرکت فلارو عضو هیات مدیره و رئیس کمیسیون قوانین و مقررات سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران هستند و به عنوان رئیس این کمیسیون در پیشبرد اهداف سندیکا قدم‌های موثری را برداشته‌اند. برای اطلاع از نقطه نظرات ایشان مصاحبه‌ای ترتیب داده‌ایم که خواندن آن را به خوانندگان محترم ماهنامه پیام‌آبادگران توصیه می‌کنیم.

■ **ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار نشریه آبادگران گذاشتید، اگر موافقت این گفت‌وگو را با ما مروری بر پیشینه شرکت‌تان آغاز کنیم و پس از آن به این نکته بپردازیم که چگونه تجربه و تخصص‌تان را برای هدایت امور این شرکت به کار گرفته‌اید؟**

شرکت فلار در سال ۱۳۵۹ تاسیس شده و بنده از چند سال قبل تا کنون سهامدار، عضو هیات مدیره و مدیرعامل آن هستم. شرکت فلار در رشته‌های مختلفی فعال بوده و پروژه‌های متعددی را به سرانجام رسانده است که می‌توان برای نمونه ترمینال و برج مراقبت فرودگاه یاسوج، مخازن آب بزرگ بتنی ۳۰ تا ۷۰ هزار مترمکعبی اصفهان - یزد - زاهدان، گالری انحراف سد کلان ملایر، تصفیه‌خانه آب کاشان، ساختمان اداری جهاد کشاورزی استان قم، علاج بخشی سد دز، تونل انتقال آب گلاب اصفهان، پل آزادراه ساوه - همدان، و ... را نام برد.

این شرکت در دو رشته آب و ابنیه رتبه ۱ دارد و در این زمینه‌ها فعال است، هم چنین در زمینه فعالیت بازرگانی مبادرت به اخذ نمایندگی شرکت‌های خارجی در خصوص تجهیزات و کالاهای مرتبط با پیمانکاری بالاخص مرتبط با تونل‌سازی نموده است. در حال حاضر نمایندگی انحصاری ۷ شرکت از کشورهای آلمان، ایتالیا، کره جنوبی، و چین را دارد که اصلی‌ترین و مهم‌ترین آنها نمایندگی انحصاری فروش و خدمات پس از فروش T.B.M شرکت LOVAT (کانادا) L.N.S.S است که شرکتی

چینی-کانادایی است. شرکت فلار به عنوان یک پیمانکار GC قصد توسعه فعالیت‌های خود در زمینه‌های ابنیه، سازه‌های آبی، تونل‌سازی، مجتمع‌های مسکونی، ورزشی و غیره را دارد که توسعه فعالیت‌های بازرگانی مرتبط نیز در همین چارچوب قرار دارد. اجرای پروژه‌های EPC، پروژه‌های برون مرزی، همکاری با شرکت‌های خارجی در پروژه‌های داخلی از اهداف جدی و برنامه ریزی شده شرکت هستند.

■ **شما به عنوان متخصصی که در بخش خصوصی و پیمانکاری فعالیت دارید چه برداشتی از موانع پیش رو در عرصه اجرایی و عمرانی دارید؟ این موانع و دشواری‌ها در میان شرکت‌های بزرگ، متوسط و کوچک چه تفاوت‌هایی دارند؟**

به نظر من برخی موارد چالش هستند و برخی دیگر مشکل. چالش لزوماً قرار نیست رفع شود و شاید لازم باشد با آن تطبیق یافت. مشکل آن چیزی است که باید در حل آن کوشید و قاعدتاً راه حل دارد. به نظر من مهم‌ترین چالش پیمانکاری در حال



حاضر نبود نقدینگی و کم بودن سهم تخصیص وجوه عمرانی از بودجه دولت است. برنامه و نگاه دولت نیز تغییر وضعیت در تامین بودجه پروژه‌های عمرانی است. دولت بودجه‌ای برای این کار و برنامه‌ای برای تامین آن ندارد یا لااقل وجه غالب اینگونه است. هم برنامه دولت و هم نگاه دولت به این موضوع عوض شده است. معاون اول محترم رئیس جمهور بارها اعلام کرده اند که برنامه‌ای برای تامین مالی پروژه‌ها از محل بودجه دولتی ندارند و باید به سمت روش‌های جدید تامین سرمایه و منابع برای پروژه‌های پیمانکاری حرکت کرد. در واقع دولت برنامه‌ای در این باره ندارد و اگر دارد در مورد پروژه‌هایی معدود است.

چالش تغییر منابع مالی، مهمترین نقطه عطف پیمانکاری در دهه‌های اخیر است. این یک چالش است و پیمانکاران ناچارند آن را چاره اندیشی کنند، و قاعدتاً طی یک پروسه چند ساله اتفاق می افتد که اکنون شروع شده و در حال تحقق است و پیمانکاران را به تولد یا شکل‌گیری جدید ناگزیر می کند. پس از رویارویی با این چالش، صنعت پیمانکاری پوسته قدیم خود را می اندازد و پوستی نو برمی‌گزیند. و شرکتهای پیمانکاری چاره‌ای جز همسویی با این تغییر ندارند. در این مورد بدیهی است که شرکتهای کوچک با وجود تجهیزات و سرمایه کمتر با گرفتاری بیشتری مواجه خواهند شد، و شرکتهای بزرگ از قدرت تطبیق بالاتری برخوردارند.

مهم‌ترین مانع در رویارویی با چالش جدید، وجود پروژه‌های بزرگی است که شروع شده و نیمه کاره اند. در مورد این پروژه‌ها برنامه اولیه انجام آنها با منابع دولتی بوده و پیمانکاران با این پیش فرض قبول تعهد کرده‌اند. پروژه‌هایی که جمع اعتباریالی مورد نیاز آنها از جمع چند سال بودجه عمرانی کشور بیشتر است و رفع گرفتاری مربوط به آنها برای دولت مستلزم اتخاذ ساز و کاری سنگین، پیچیده و ظریف است. دولت گام‌هایی برای واگذاری پروژه‌های نیمه تمام و تدوین آئین نامه آن برداشته است که می تواند در این مسیر بسیار موثر باشد. ناگفته نماند که این تدابیر و تدوین آئین نامه مزبور حتماً باید با نظر و مشارکت بخش خصوصی و پیمانکاران فعال در این حوزه باشد که در فضای واقعی تعریف شود. جذب همراهی

بانکها و موسسات مالی در این زمینه می تواند بسیار راهگشا باشد.

در این شرایط دولت لااقل می‌تواند برخی مشکلات پیمانکاران از جمله قوانین و نحوه اخذ مالیات، مالیات بر ارزش افزوده، حق بیمه تامین اجتماعی و ... را با تدبیر و اراده حل کند که مورد انتظار جدی سندیکاهای پیمانکاری است.

■ رفع کدام دسته از مشکلات مربوط به رونق بخش خصوصی، می‌تواند شما و شرکتتان را در موفقیت بیشتر یاری برساند؟
بخش خصوصی و مشخصاً پیمانکاری که مورد بحث ماست در چند سال گذشته

چالش تغییر منابع مالی پروژه‌های عمرانی مهمترین نقطه عطف پیمانکاری در دهه های اخیر است و پیمانکاران ناگزیرند آن را چاره اندیشی کنند.

پس از رویارویی با این چالش، صنعت پیمانکاری پوسته قدیم خود را می اندازد و پوستی نو برمی‌گزیند.

شرکتهای پیمانکاری چاره‌ای جز همسویی با این تغییر ندارند



آسیب جدی از رکود و توقف پروژه‌ها تحمل کرده است. وضعیت تجهیزات و ماشین آلات مناسبی ندارد، بنیه مالی و گردش مناسبی نداشته است. برای رفع این مشکل و آسیب ناشی از آن، دولت می‌تواند در یک دوره گذار چند ساله با سیاستی حمایتی بخش خصوصی را از وضعیت رکود و ضعف به سمت تقویت و قوت هدایت کند. این سیاستهای حمایتی می‌تواند به صورت مختلفی و از جمله واگذاری ارز بلوکه شده در برخی کشورها برای نوسازی تجهیزات و ماشین آلات، مساعدت و همکاری در تسویه وامهای بانکی، اعطای تسهیلات و اعتبارات جدید به پیمانکاران و پروژه‌های ایشان و کمک به این حرفه در تامین سرمایه برای انجام پروژه‌ها باشد.

پیمانکاران چند سال است که کار متناسب با ظرفیت های خود نکرده‌اند و همین امر به ضعف شدن بنیه آنها، خواب ماشین آلات، کم شدن گردش مالی و نقدینگی آنها انجامیده است. حمایت لازم است تا روی پای خود بایستند، تقویت شوند و به روال زندگی عادی برگردند و بتوانند به عنوان بخش خصوصی توانمند ظاهر شوند. اگر موضوع نقدینگی حل شود و بخش خصوصی تقویت شود، بستر مناسب مهیا شده و اهداف دولت در مسیر جدید محقق خواهد شد.

■ تجربه شما چه می‌گوید؟ آیا اصلی‌ترین



مسائل تان مربوط به مشکلات داخلی مثل کمبود سرمایه و تجربه، ضعف نیروی انسانی و تخصص، و ضعف مدیریت می شود یا عوامل بیرونی مثل رکود، تحریم ها، کمبود نقدینگی و گردش مالی در کشور، مقررات و قوانین دست و پاگیر، کارفرمایان قانون گریز، نبود رقابت واقعی و... مسئله اصلی هستند؟

اصلی ترین مشکلات پیمانکاری در این سالهای اخیر ضعف مدیریت، دانش و تجربه نبوده است، البته شرکتهای پیمانکاری بعنوان یک ناگزیر باید استفاده از روشهای نوین مدیریت را در برنامه خود قرار داده تا بتوانند به توسعه مورد نظر برسند. ولی مشکلات اصلی خارج از صنف بوده اند. عواملی مانند تحریم و به طبع آن کمبود بودجه در ایجاد شرایط فعلی بسیار موثر بوده است که شاید خارج از اراده دولت بوده است و نمی توانسته آنها را به فوریت حل کند، اما بخشهایی هم وجود داشته که دولت قادر به حل آنها بوده است مانند برخورد با کارفرمایان قانون گریز، نبود رقابت واقعی، بی عدالتی هم در قانون و هم در نحوه اخذ انواع مالیات و حق بیمه که دولت می توانسته تدابیر

مناسبی در این مورد اتخاذ کند اما این کار را نکرده است. متأسفانه در شرایطی که تحریمها و شرایط اقتصادی نامناسب و رکود امان شرکتهای پیمانکاری را بریده بوده و هست دولت هم اجازه داد این عوامل آسیب های مضاعفی به این شرکتهای وارد کنند.

■ آیا در فعالیت خود با رقابت های ناسالم و هزینه های ناشی از قاعده مند نبودن فعالیت های عمرانی مواجه هستید؟ آیا رقبای رانت دار مثل شرکت های خصوصی رقابت شما و رقبایان بخش خصوصی را دچار مضیقه کرده اند؟

رقابت ناعادلانه پیمانکاران خصوصی با پیمانکاران دولتی، شبه دولتی، نهادهای عمومی، بنیادها و غیره بحث روز پیمانکاری است. در این خصوص صرفاً قیمت پیشنهادی مرز بی عدالتی را روشن نمی کند بلکه بی عدالتی در این است که در پیشبرد پروژه بخش خصوصی از امکانات محدود شخصی خود استفاده می کنند و در مقابل آنها از امکانات و مساعدتهای دولتی و نهادهای استفاده می کنند.

اما نتیجه این بی عدالتی چیست؟ طی سالهای آتی شرکتهای پیمانکار بخش خصوصی کوچک، کم رنگ و یا حذف می شوند و اثرگذاری آنها در چرخه اقتصادی از بین می رود. نتیجه این است که این عرصه به شرکتهایی واگذار می شود که از بودجه خود شرکت و با قبول سود و زیان و ریسک از محل منابع خصوصی و متعلق به خود وارد گود فعالیت نشده اند و مسئولیت سود و زیان را شخصاً بر عهده ندارند. اگر قرار بود کار دولتی و امانی و انتقال سود و زیان به دولت پاسخ توسعه باشد همه کشورهایی که این روش را در دهه های گذشته در برنامه داشته اند، توسعه یافته بودند. در حالی که تمام کشورهایی که کار را به بخش خصوصی سپردند تا به دلیل انگیزه رقابتی موجود در آن بهترین راهکار را برای انجام پروژه ها انتخاب کنند به توسعه رسیده اند.

متأسفانه رقابت ناعادلانه به حذف بخش خصوصی، انحصار دولت و بازگشت به منزل اول می انجامد در حالی که همه کسانی که در برنامه ریزی توسعه نقش دارند، اذعان دارند که بی تردید توسعه از مسیر واگذاری کارها به بخش خصوصی می گذرد.

■ به نظر شما گفت و گوی دولت و بخش خصوصی که در سال های اخیر به صورت نهادی در آمده است چه دستاوردی داشته، آیا کمکی به بهبود اوضاع داشته است؟

شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی که در اتاق بازرگانی به عنوان متولی امر برگزار می شود، ابزار و بستر مناسبی برای حل مشکلات است ولی به خودی خود مشکل را حل نمی کند. در واقع بستر مناسب برای حل مشکلات بخش خصوصی فراهم شده است.

فعالیت های زیادی در این زمینه صورت گرفته اما غالباً نتایجی نداشته چون اراده جدی برای انجام یا رفع مشکلات و بی عدالتی ها وجود نداشته است. از این رو می توان گفت بستر بوجود آمده ولی کفایت نمی کند و حتماً باید با اراده و عمل آمیخته شود. ما خیلی موارد را از طریق سندیکا به این فضا برده ایم از جمله مالیات مستقیم، مالیات ارزش افزوده و اخیراً موضوع اوراق خزانه که هنوز به نتیجه نرسیده اند. به هر حال باید بستر مناسب و دموکراتیک وجود داشته باشد تا عملکردها هم به نتیجه برسد.



پیمانکار: شرکت فلار

ورزشگاه کرج (در حال احداث)



پایش تحقق مواد متعدد قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار و قانون حداکثر استفاده از خدمات بخش خصوصی توسط این شورا می تواند تاثیر بسزایی در توسعه فضای کسب و کار بخش خصوصی داشته باشد. قوانینی با روح مثبت که در انتظار عملی شدن هستند. اگر چند سال گذشته را مرور کنیم می بینیم که در شرایط رکود اقتصادی که بسیاری از متولیان درآمدزایی نظام از جمله دارایی و تامین اجتماعی هم با رکود مواجه شده بودند به این بخش از مشتریان خود یعنی پیمانکاران که به دلیل شفافیت ساختاری در دسترس تر بودند نگاه مثبتی نداشتند و سعی کردند مشکلات خود را از محل آنها رفع کنند و از مطالبه بیشترین وجوه با روشهای مختلف پرهیز نکردند. غافل از اینکه این شیوه شاید بتواند مشکلات این دستگاهها را در کوتاه مدت حل کند اما در دراز مدت به اعتماد بخش خصوصی به دولت و منافع ملی لطمه اساسی وارد می کند. این روند به تضعیف بخش خصوصی دامن زده و به حذف آن می انجامد و مسیر توسعه را منحرف می کند.

است. در این باره با توجه به اینکه انتخابات اعضای هیات مدیره و بازرسان در شرف برگزاری است، همه همکاران محترم را به مشارکتی فعال (هم به عنوان نامزد انتخابات و هم به عنوان رای دهنده) دعوت می کنم و امیدوارم با حضور پرشور خود شایسته ترین و مناسبترین ترکیب هیات مدیره را برای دوره بعدی انتخاب کنند.

شرکتهای ساختمانی ایران به عنوان قدیمی ترین نماینده شرکتهای پیمانکاری یک اولویت جدی در این زمینه است و اتفاقاً در سخت ترین دوران رسالت بیشتری بر عهده دارد و به دلیل وظایف سنگین پیش رو نیازمند همکاری، هم اندیشی، کمک و مساعدت همه اعضای این صنف از داخل و نگاه مثبت دولت از بیرون

■ آیا امید دارید که شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب تغییر وضعیت دهد؟ اگر امیدوارید الزامات این تغییر چیست؟

حتماً. با اتفاقاتی که در صحنه بین المللی و سیاستهای نفتی توسط دولت آقای روحانی اتفاق افتاده امید داریم که اوضاع اقتصادی بهتر شود. یعنی شدنی است و الزامات این تغییر عبارتند از: بستر مناسب، اراده جدی و همفکری و تعامل با نمایندگان بخش خصوصی. برای محقق شدن هر اراده ای تدبیر لازم است و این تدبیر برای توسعه از تفکر جمعی نمایندگان بخش خصوصی و مسئولان برمی آید.

■ شما به عنوان عضو سندیکای شرکتهای ساختمانی چه نگاهی به فعالیت این نهاد دارید؟ توقع تان چیست، آیا ظرفیت هایی وجود دارد که بتوان آن ها را برای موفقیت بیشتر سندیکا فعال ساخت؟

اگر به بخش خصوصی در مسیر توسعه اعتقاد داریم و رشد و توسعه بخش خصوصی و تقویت آن را برای منافع ملی و توسعه اقتصادی لازم می بینیم، باید بدانیم حفظ و تقویت سندیکای



پیمانکار: شرکت فلار

ساختمان جهاد کشاورزی استان قم



مخالف گرفتن بودجه درمان از سازمان تامین اجتماعی هستیم

■ مهندس محمد عطاردیان عضو هیات مدیره و دبیر شورای عالی سندیکاو نایب رئیس اول کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران ■



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

تمام اختیارات ۱۰۰ درصد را در دست گرفته و برای سازمان مشکل ایجاد کرده است در حالی است که پول سازمان تامین اجتماعی حق الناسی است که کارگران و کارفرمایان در آن سهمی در مدیریت سازمان ندارند. او با انتقاد از مدیریت فعلی سازمان تامین اجتماعی بیان کرد: پیش از این بخشی از مدیریت سه جانبه در سازمان انجام می‌شد که در دوره دولت نهم این مسئله به هم خورد و با تشکیل وزارت رفاه، شورای تامین اجتماعی منحل شد و هیات امنایی در وزارت رفاه درست شد که کارگر و کارفرما یک نماینده در آن دارد و ما بقی دولتی هستیم. گرچه قبلاً دولت در تامین اجتماعی اعمال نفوذ می‌کرد ولی دخالت راحت نبود ولی بعداً که تامین اجتماعی در دولت نهم به صندوق تبدیل شد و کمی بعد دیوان عدالت آن را رد کرد به سازمان تغییر نام داد مقداری از

در سال ۱۳۳۱ تاسیس شده و تغییرات مفصلی را در طی این سال‌ها پشت سر گذاشته و قانونی که اکنون در آن مطرح است در سال ۱۳۵۴ به تصویب رسیده است. او با بیان اینکه سازمان تامین اجتماعی ارتباطی با دولت ندارد، گفت: پول این سازمان از بودجه کشور تامین نمی‌شود. شما می‌دانید که در بیمه‌ای که پرداخت می‌شود ۲۳ درصد را کارفرما و ۷ درصد آن را کارگران و ۳ درصد را دولت پرداخت می‌کند. اگر ۲۳ بخش ضرب بر ۳ کنیم می‌بینیم که ۷۰ درصد پول را کارفرماها، ۲۱ درصد را کارگران و ۹ درصد را قرار است دولت پرداخت کند. بنابراین سازمان تامین اجتماعی، سازمانی است که ۹۱ درصد از پول را کارفرمایان و کارگران پرداخت می‌کنند و ۹ درصد آن از سوی دولت عطاردیان افزود: در حال حاضر این ۹ درصد

نشست خبری پیرامون طرح الحاق معاونت درمان سازمان تامین اجتماعی به وزارت بهداشت صبح روز ۱۶ آبان در سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران برگزار شد. در این نشست مهندس محمد عطاردیان، نایب رئیس اول کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران، ناصر برهانی رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، محمد بیات نماینده انجمن مدیران صنایع کشور و عضو پیشین شورای عالی تامین اجتماعی، و دهقان کیا نماینده بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به بیان دیدگاه‌های خود درباره الحاق معاونت درمان سازمان تامین اجتماعی به وزارت بهداشت پرداختند. در این نشست محمد عطاردیان، نماینده کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران عنوان کرد: سازمانی تامین اجتماعی

بودجه سازمان حرام شد تا امروز که دولت یازدهم به دنبال وصول آن است. نماینده کانون کارفرمایان ایران با اشاره به گرفتن بودجه درمان از سازمان تامین اجتماعی و اختصاص آن به وزارت بهداشت بیان کرد: تامین اجتماعی با این اقدام تبدیل به شیر بی یال و دم خواهد شد. این کار خلاف قانون است و ما اعم از کارفرما و کارگر مخالف آن هستیم. عطاوردیان از امضای بیانیه‌ای از سوی تشکل‌های کارفرمایی و کارگری برای تغییر شیوه اداره سازمان تامین اجتماعی خبر داد و گفت: علیرغم پذیرش طرح مدیریت سه جانبه برای تغییر ساختار این سازمان از سوی نماینده سازمان تامین اجتماعی و همچنین ارائه آن در کمیسیون اجتماعی مجلس در دولت‌های نهم، دهم و یازدهم، ما شاهد هیچ گونه تغییری نبوده‌ایم و این طرح مسکوت مانده است.

بدهکاری ۱۳۰ هزار میلیارد تومانی دولت به تامین اجتماعی

ناصر برهانی رئیس کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در ادامه این نشست گفت: اولین مورد مهمی که امروز به عنوان برنامه توسعه ششم در دستور کار مجلس قرار گرفته است به جامعه کارگری و کارفرمایی باز می‌گردد. وی با بیان اینکه ما امروز بالغ بر ۱۴ میلیون بیمه شده داریم که از سطوح مختلف برای تامین آتیه خود حق بیمه پرداخت می‌کنند، گفت: اما غافل از این نباشیم که در تمامی دنیا، دولت‌ها متولی تامین اجتماعی مردم هستند ولی در کشور ما خود کارگران و بیمه شدگان متولی این امر هستند. او با بیان اینکه ما کارگران به دولت خدمت می‌کنیم و دولت از این خدمت سوءاستفاده می‌کند، گفت: می‌دانید که سازمان تامین اجتماعی دولتی نیست و دولت تاکنون ریالی به این سازمان پرداخت نکرده است. با این حال دولت تا به امروز بالغ بر ۱۳۰ هزار میلیارد تومان بدهکار سازمان تامین اجتماعی است و در این سه سال دولت یازدهم بدهی دولت‌ها دو برابر شده است. برهانی

با اشاره به انتقال بودجه سازمان تامین اجتماعی به طرح سلامت بیان کرد: برطبق سیاست‌های کلان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام دولت باید چابک و کوچک شود ولی آن طور که شواهد نشان می‌دهد دولت نه تنها کوچک نمی‌شود بلکه بزرگ‌تر خواهد شد. او بیان می‌کند: سازمان تامین اجتماعی نهاد عمومی غیر دولتی است و متشکل از ۱۴ میلیون سهام دار از سطوح پایین اقتصادی است.

رئیس کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران با اشاره به استفتائات مراجع تقلید بیان کرد: براساس استفتائاتی که از مراجع تقلید گرفته شده اموال این صندوق حق الناس است و دولت نباید از اموال این سازمان برای رفع گرفتاری استفاده کند. براساس بودجه که دولت برای نظام سلامت مشخص می‌کند برای درمان سرانه‌ای در نظر گرفته می‌شود که نشان می‌دهد متولی سلامت وزارت بهداشت است و در مقابل خانواده ۱۴ میلیون نفری تامین اجتماعی هیچ دریافتی تا امروز از دولت نداشته‌ایم. با این حال دولت چشم طمع به منابع تامین اجتماعی دوخته است. او با اشاره به اظهارات وزیر رفاه و موافقت او با این طرح بیان کرد: آقای ربیعی در مصاحبه خود

مهندس عطاردیان:

در حال حاضر سهم ۹ درصدی دولت تمام اختیارات ۱۰۰ درصد را در دست گرفته و برای سازمان مشکل ایجاد کرده است در حالی است که پول سازمان تامین اجتماعی حق الناسی است که کارگران و کارفرمایان در آن سهمی در مدیریت سازمان ندارند.

با رسانه‌ها اعلام کرده‌اند که تشکل‌های سازمان صحبت کرده‌اند و این تشکل‌ها با این ادغام موافقت کرده‌اند. از او می‌پرسیم که با کدام تشکل صحبت کرده؟ تشکل‌های قانونی تشکلهایی هستند که در وزارت رفاه ثبت شده‌اند و ما می‌گوییم که همه مخالف ادغام هستیم.

برهانی با اشاره به اصلاح ساختار تامین اجتماعی افزود: انتظار ما از مجلس و دولت این است که به شعارهای خود مبنی حمایت از کارگران عمل کند. ما مخالف ادغام و خواستار اداره سه جانبه تامین اجتماعی هستیم. اگر اصلاح ساختار انجام شود تامین اجتماعی نفس می‌کشد و گرنه به زمین خواهد خورد.

۱۸ هزار میلیارد تومان

سهم دولت یازدهم از بدهی

محمد بیات نماینده انجمن مدیران صنایع کشور و عضو پیشین شورای عالی تامین اجتماعی در این نشست با اشاره به اینکه پرداخت بیمه بیکاری در جهان با دولت است و ایران تامین اجتماعی آن را پرداخت می‌کند، گفت: صاحبان حق به شدت با این ادغام مخالفتند. دولت همیشه بر افزایش سهم بخش خصوصی تاکید می‌کند اما در عمل باز هم تمام امورات به دولت باز می‌گردد.

محمد بیات افزود: دولت ۱۸ صندوق دارد و اگر می‌تواند اول این طرح را بر روی این صندوق‌ها امتحان کند. او ادامه داد: ادغام بیمه‌ها در ماده ۸ تبصره ۳ برنامه پنجم توسعه آمده بود ولی تامین اجتماعی را مستقل اعلام کرده بود که در این برنامه جدید استقلال هم از تامین اجتماعی گرفته شده است. نماینده انجمن مدیران صنایع کشور با بیان اینکه سازمان تامین اجتماعی احساس خطر می‌کند، گفت: بودجه تامین اجتماعی در سال ۷۲،۹۵ هزار میلیارد تومان است که پیش بینی شده ۱۸ هزار میلیارد تومان آن سهم دولت خواهد بود که باید بابت تعهداتش پرداخت کند و اگر آن را پرداخت نکنند دولت با کسری و بدهی روبرو



دایره شمول لایحه

علی عبداللّی زاده

رئیس هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا)

با پیروزی انقلاب اسلامی و راه‌اندازی نهادهای انقلابی-مردمی مانند جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، کمیته انقلاب اسلامی، بسیج، کمیته امداد و... مردم به‌طور چشمگیری در اداره کشور و خدمات‌رسانی و آبادانی درگیر شدند. لیکن پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی برخی از این نهادها در دستگاه‌های دولتی ادغام شدند و دیگر نهادها نیز به‌سوی دیوانسالاری پیش رفته و به‌صورت واحدهای دولتی درآمدند. بی‌گمان در این رویداد، درآمدهای نفتی (که ۱۰ برنامه توسعه پیش و پس از انقلاب، نقش اصلی را بازی کرده است) کاهش نقش مردم و افزایش سهم دولت در نهاد دولت-مردم بیشترین تاثیر را داشته است.

امروزه کشورهای زیادی با نهاد دولت-مردم اداره می‌شوند، ولی سهم دولت یا مردم در این نهادها متفاوت است، در کشورهایی که انحلال مجلس در اختیار رئیس دولت است سهم دولت در نهاد دولت-مردم بیشتر است و در کشورهایی که برکناری رئیس دولت در اختیار مجلس است، سهم مردم در این نهاد بیشتر است. در کشورهای نفتی که دولت‌ها به شدت به درآمدهای نفتی متکی هستند کمتر به نقش و جایگاه مردم توجه می‌شود و دولت نیازی به همکاری مردم نمی‌بیند و کمتر سراغ مردم می‌رود. برای همین است که در ۱۰ برنامه توسعه کشور هیچ جای پای مردم دیده نشده و همه برنامه‌ها برای هزینه درآمدهای نفتی و اجرای طرح‌های عمرانی است. در ایران نیز به دنبال تحریم‌های جهانی و کاهش درآمدهای دولت و سیاست خوب دولت روحانی که نمی‌خواست با استقراض از بانک مرکزی و بالا رفتن تورم مشکل مالی خود را حل کند، دولت به ناچار به‌سوی مردم آمده است.

قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۴ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است، راه‌های خوبی را برای حضور بیشتر مردم در کارهای اقتصادی و خدماتی کشور گشوده است؛ از آن جمله در ماده ۲۷ قانون یاد شده به دولت اجازه داده شده است که طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) جدید و نیمه تمام و تکمیل شده و آماده بهره‌برداری را (نقد و اقساط) به بخش خصوصی واگذار کند. این واگذاری فصل جدیدی را در نهاد دولت-مردم باز می‌کند. بیش از ۷۰ هزار طرح نیمه

خواهد شد. او ادامه داد: ۱۸ هزار میلیارد تومان سهم سه درصد و بقیه موارد تعهدات دولت و تکلیفی بوده که سازمان در قبال آن انجام داده و می‌دهد. با ادغام بیمه سازمان ورشکسته می‌شود.

مخالف با ادغام بیمه

با ۱۲ دلیل قانونی

دهقان‌کیا نماینده بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در ادامه این نشست با اشاره به مخالف با ادغام بیمه بر طبق با ۱۲ دلیل قانونی گفت: در قانون درمان و بازنشستگی در کنار هم آمده است. در قانون کار مصوب سال ۶۹ دولت مکلف است که کارگر را بیمه کنند و در کنار آن درمان و بازنشستگی را پرداخت کند. اتفاقی که عمل نمی‌افتد. دهقان‌کیا با اشاره به قوانین تصویب شده در مجلس و هیات دولت افزود: در ۲۲ قانون تصویب شده در مجالس گذشته شورای اسلامی و در دو مصوبه هیات دولت اعلام شده است که سهم بیمه کارفرما را دولت باید پرداخت کند اما دولت این سهم را پرداخت نمی‌کند. یکی از دلایل بدهی دولت پولی است که بایستی بابت سهم کارفرما پرداخت کند. حال سوال از وزیر کار این است که اگر کارفرما بخش خصوصی دو ماه بیمه کارگری را پرداخت نکند شما دفترچه بیمه او را تمدید خواهید کرد؟ او از سیر سعودی بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی خبر داد و گفت: سهم دولت‌های گذشته از بدهی به سازمان تامین اجتماعی ۵ هزار و ۶۰۰ میلیارد و سهم بدهی دولت احمدی نژاد در ۸ سال ۶۳ هزار میلیارد تومان است که این بدهی در دولت یازدهم به نزدیک به ۱۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

دهقان‌کیا ادامه داد: در حال حاضر در کنار سه میلیون و ۴۰۰ هزار نفری تامین اجتماعی باید به آنها بیمه پرداخت کند، طرح تحول نظام سلامت هم چالشی جدی است و این ادغام باعث ورشکستگی سازمان خواهد شد. او با اشاره به سه میلیون بازنشسته تامین اجتماعی بیان کرد: بسیاری از این سه میلیون بازنشسته حداقلی بگیر هستند که تحمل عقب افتادن حقوق را ندارند. دهقان‌کیا با بیان اینکه ۵۴ هزار میلیارد تومان بابت بیمه سلامت هزینه شده که بیشتر آن از محل صندوق تامین اجتماعی پرداخت شده است، گفت: ما اکنون احساس خطر می‌کنیم و ما ناخواسته در مقابل نظام قرار خواهیم گرفت.

نماینده انجمن مدیران صنایع کشور با بیان اینکه سازمان تامین اجتماعی با اجرای ادغام بیمه احساس خطر می‌کند، گفت: بودجه تامین اجتماعی در سال ۷۲،۹۵ هزار میلیارد تومان است که پیش بینی شده ۱۸ هزار میلیارد تومان آن سهم دولت یازدهم از این بدهی خواهد بود.



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

افت سرمایه‌گذاری ساختمانی در سال ۹۴

بانک مرکزی با اعلام گزارش وضعیت سرمایه‌گذاری‌های ساختمانی در سال ۹۴، از کاهش ۱۳/۵ درصدی حجم سرمایه‌گذاری در ساخت و ساز طی سال گذشته خبر داد. سال گذشته ۷۰ هزار میلیارد تومان سرمایه در بازار ساخت و سازهای مسکونی و غیرمسکونی سراسر کشور، توسط سرمایه‌گذاران صرف شد که ۲۰ درصد آن برای ساخت و سازهای جدید و مابقی در ساختمان‌های نیمه کاره و در حال تکمیل تخصیص پیدا کرد. براساس این گزارش، حجم سرمایه‌گذاری ساختمانی در ساخت و سازهای جدید در سال ۹۴ نزدیک به ۱۸ درصد کاهش یافت. افت سرمایه‌گذاری برای تکمیل ساختمان‌های در حال ساخت رقمی معادل ۱۲/۵ درصد بوده است. طبق گزارش بانک مرکزی در سال گذشته نزدیک به ۴۰ هزار میلیارد تومان سرمایه در ساختمان‌های نیمه تمام، معطل ماند که این حجم سرمایه ۱۲ درصد کمتر از سال ۹۳ بوده است.

پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸



تمام استانی و ملی و طرح‌های جدیدی که دولت سرمایه‌گذاری در آنها را لازم می‌بیند در چارچوب این قانون جای می‌گیرند.

تنظیم آیین‌نامه این ماده طولانی شد و سرانجام با مشارکت بخش خصوصی (نمایندگان اتاق بازرگانی) و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه آیین‌نامه ماده ۲۷ قانون به تصویب رسید. برای نخستین بار در این آیین‌نامه دولت از جایگاه فروش و تعیین تکلیف برای بخش خصوصی (خریداران) کوتاه آمده و رابطه فروش را به رابطه خرید تغییر داده و تعیین قیمت و شرایط خرید را در یک فضای رقابتی به بخش خصوصی واگذار کرده است. این نگاهی مثبت به افزایش سهم مردم در نهاد دولت-مردم است که نقش بیشتری به مردم در اداره کشور می‌دهد. به نظر می‌رسد بخش خصوصی باید از این فرصت استقبال کرده و نسبت به دریافت طرح‌های عمرانی دولت و اتمام و بهره‌برداری از آنها اقدام کند و افزون بر ایجاد اشتغال و به دست آوردن سود مورد انتظار توسط سرمایه‌گذاری به این نکته توجه شود که اجرای هرچه بهتر این قانون نقش مردم در اداره کشور را پررنگ‌تر می‌کند.

به دنبال تصویب آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۷ در سال جاری و ابلاغ آن به دستگاه‌های اجرایی و استانی، حرکت واگذاری طرح‌ها آغاز و با استقبال خوبی روبه‌رو شد. دولت در پی این موفقیت پیش‌نویس لایحه مشارکت عمومی خصوصی را با هدف «تحکیم پشتوانه قانونی برای تامین کارآمد و اثربخش کالاها و خدمات عمومی با روش‌های مشارکت عمومی- خصوصی» تهیه کرده و در حال آماده کردن آن برای فرستادن به مجلس است. دامنه کاربرد این لایحه تمامی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، طرح‌های مصوب مجامع شرکت‌های دولتی و طرح‌های پیشنهادی سرمایه‌گذاران (داخلی و خارجی) را که با سرمایه و دانش فنی طرف خصوصی اجرا و بهره‌برداری می‌شود، در برمی‌گیرد. فرصت برابر، رفتار برابر، شفافیت، تناسب، استفاده کارآمد از منابع مالی و مسئولیت‌پذیری، اصول و مبانی این لایحه هستند. در این لایحه اشخاص حقوقی خارجی هم می‌توانند در رقابت با اشخاص حقوقی داخلی در مشارکت با دولت (وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی) وارد شوند. همه طرح‌ها با ویژگی‌های زیر موضوع این لایحه هستند:

الف- محصول آن جزو کالاها و خدمات عمومی مورد نیاز باشد.

ب- از نظر فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجیه‌پذیر باشند.

ج- اجرای آنها مطابق مقررات و استانداردهای زیست محیطی باشد.

د- با دانش فنی و سرمایه طرف خصوصی مشارکت اجرا شود.

با نوآوری‌های این لایحه برای نخستین بار دولت نیز موظف شده است که در برابر بخش خصوصی برای حصول اطمینان از ایفای تعهدات خود (مانند تعهد به پیش‌پرداخت و تعهد به پرداخت وجوه تکمیلی) تضمین‌های معتبر ارائه دهد. اینک که دولت با هدف حل مشکلات مالی خود گام در این راه گذاشته و زمینه را برای افزایش نقش مردم در نهاد دولت-مردم فراهم کرده است، بهتر است برای کوچک کردن دولت نیز از آن بهره‌برد و با حذف دستگاه‌های اجرایی، طرح‌های عمرانی مانند سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس و واگذاری همه مأموریت‌های آن به انجمن خیرین مدرسه‌ساز (که هم اکنون دوشادوش دولت و با کیفیت بهتر و هزینه کمتر مدرسه‌ها را می‌سازند) در راستای کوچک کردن دولت و تبدیل دولت مجری به دولت سرمایه‌گذار اقدام کنند. **روزنامه دنیای اقتصاد**



معضلات بانکی ناشی از یک ساختار بیمار است

دکتر محمود جام ساز - اقتصاددان

دیپلماسی سیاسی و وضع تحریم‌های مالی و بانکی در مراودات پولی کشور با سیستم بانکداری جهانی، مشکلاتی که اعطای تسهیلات در عقود - مراحله، اجاره به شرط تملیک، جعاله و... که از طریق سامانه بانکی پیش‌بینی شده، دریافت‌کنندگان اعتبارات را مجبور به عقد قراردادهای متعددی برای یک پروژه می‌کند و این امر مراحل اعطای اعتبار را بسیار کند و پیچیده می‌سازد و هزینه‌ها را نیز افزایش می‌دهد؛ ضمن آنکه گنجی و سردرگمی در میان اعتبارگیرندگان ایجاد می‌کند این معضلات البته بخشی از مواردی است که در بطن نظام بانکی ما وجود دارد.

■ **باتوجه به آنچه اشاره کردید، چه عواملی در پیدایش چنین معضلاتی نقش موثری داشته است؟**

چنین معضلاتی ناشی از یک ساختار بیمار و ناکارآمد بانکی است که بانک بانک‌ها؛ یعنی بانک مرکزی را تحت انقیاد سیاست‌های پولی، عملیاتی و نظارتی که در شورای پول و اعتبار تصمیم‌گیری می‌شود، قرارداده است و قدرت تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست‌های

نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران که در قالب قانون عملیات بانکداری بدون ربا فعالیت می‌کند، متجاوز از سه دهه نتوانسته به نتایج مطلوبی در امر سیاست‌های پولی، نظارتی و عملیاتی دست پیدا کند و در شرایط کنونی بانک‌های کشور با عدم مدیریت صحیح منابع - مصارف، تجهیز بهینه منابع، بدهی‌های معوقه یا عدم کفایت سرمایه، انجماد سرمایه، بدهی‌های معوقه انباشت شده و فقدان قدرت وام‌دهی، جریان نقد بانک‌ها، ورود بانک‌ها به بنگاه‌داری، فساد گسترده بانکی که از ۱۰ ساله گذشته تاکنون بیشتر گسترش یافته است، نرخ بالای سود تسهیلات، عدم شفافیت ترانزنامه‌های بانک‌ها، جریمه‌های دیرکرد بازپرداخت تسهیلات، گرایش بانک‌ها به انعقاد قراردادهای مشارکتی در فرآیند تسهیلاتی نسبت به قراردادهای مبادلاتی، رواج عقود صوری، وضعیت نامطلوب رابطه بانک مرکزی و دولت، عدم استقلال بانک مرکزی، محدودیت بانک‌ها در ارائه ابزارهای نوین بانکی که به طور معمول در سیستم بانکداری جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اجبار بانک‌ها به پرداخت تسهیلات تشویقی، انزوای نظام بانکی به سبب مدیریت ناکارآمد

نظام بانکداری کشورمان بیش از ۳ دهه است که نتوانسته در امر سیاست‌های پولی، نظارتی و عملیاتی عملکرد قابل قبولی ارائه دهد و این امر، نظام بانکی کشورمان را با معضلاتی از جمله عدم مدیریت صحیح منابع مصارف، تجهیز بهینه منابع، کمبود یا عدم کفایت سرمایه، انجماد سرمایه، بدهی‌های معوقه انباشت شده و مسائلی از این قبیل مواجه کرده است؛ البته چنین معضلاتی ناشی از یک ساختار بیمار و ناکارآمد بانکی است که بانک مرکزی را تحت انقیاد سیاست‌های پولی، عملیاتی و نظارتی که در شورای پول و اعتبار تصمیم‌گیری می‌شود، قرارداده و قدرت تصمیم‌گیری کلان را از بانک مرکزی سلب کرده است. در راستای اصلاح نظام بانکی کشور «نسل فردا» با محمود جام ساز اقتصاددان به گفت و گو پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

■ **برخی متخصصان و کارشناسان معتقدند معضلات بانکی موجب بروز برخی چالش‌های اقتصادی شده است. به اعتقاد شما در حال حاضر چه مسائل و معضلاتی در بطن نظام بانکی کشور وجود دارد؟**



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

پولی، نظارتی و عملیاتی را از بانک مرکزی سلب کرده است. این در حالی است که بانک مرکزی نهاد قانونی سیاست‌گذاری پولی است که هدف آن حفظ اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها، جلوگیری از تورم، کمک به افزایش رشد اقتصادی به منظور بالا بردن استاندارد زندگی و رفاه مردم، ثبات ارزش خارجی پول، موازنه تراز پرداخت‌های خارجی که این سیاست‌ها با استعانت از ابزارهای سپرده قانونی بانک‌ها، نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز توسط بانک مرکزی اجرا می‌شود. اجرای سیاست‌های پولی نیازمند بسترهای قانونی، مدیریت کارا و قوانین روزآمد است تا در این صورت بتوان تعادل و ثبات اقتصادی را در بازارهای مختلف کشور به وجود آورد. بنابراین در شرایط کنونی معضل نظام بانکی کشور که متأثر از ناکارآمدی و ضعف ساختار اقتصاد دولت نفتی و رانتی است که برای دستیابی به اهداف تعیین شده، به یک تغییر و تحول ساختاری نیاز است. بی‌شک بدون تغییر بنیادین در ساختار مجموعه اقتصادی کشور، امکان چنین تحولی وجود نخواهد داشت.

■ آیا برای رفع چالش‌های موجود، تنها اصلاح نظام بانکی کشور کفایت می‌کند؟ برای حرکت به سمت توسعه پایدار، باید چه تصمیماتی اتخاذ کرد؟

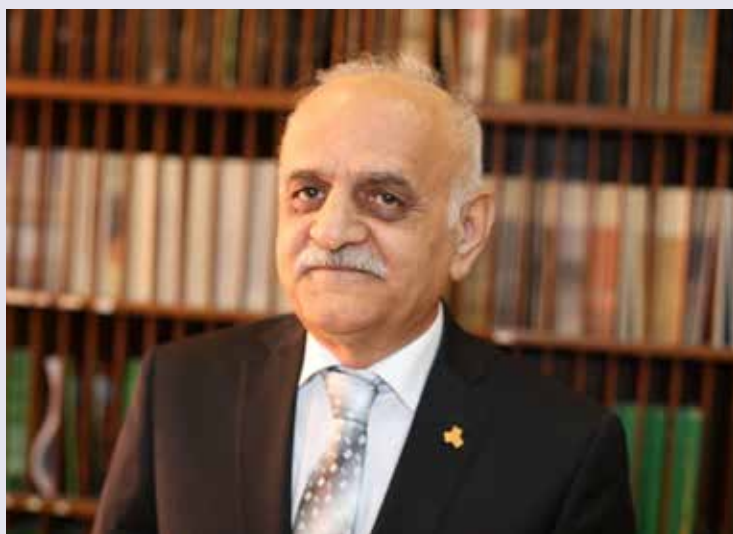
نظام بانکی تنها معضل اقتصادی، پولی و مالی کشور نیست، بلکه همه تعاملات اقتصادی در سطح اقتصاد کلان از یک همبستگی ذاتی و فطری به سبب کنش متقابل متغیرهای درون سیستمی برخوردارند که تمام ارکان اقتصادی و مالی کشور را درگیر می‌کنند. اینگونه نیست که با اصلاح نظام بانکی بدون توجه به سایر حوزه‌ها از جمله نظام مالیاتی، گمرکی، بهداشتی، آموزشی و تجارت خارجی و غیره به رفع چالش‌های موجود پرداخت و حتی در صورت مرتفع کردن برخی از موانع بانکی، بتوان به یک نظام بانکی کارآمد و روزآمد دست پیدا کرد. زیرا سایر ارکان غیربانکی

در صورتی که پا به پای نظام بانکی اصلاح نشوند، بدون تردید مانعی بر سر راه توسعه و اصلاح نظام بانکی خواهند بود. بنابراین لازم است که نگاه تک بعدی و انتزاعی اصلاحی به نهادهای اقتصاد کلان را به نگرش جامع تبدیل کرد و علاوه بر آن باید حوزه مختلف اقتصادی را در یک پروسه اصلاحی همگن پیگیری کرد؛ البته باید به اصلاح هماهنگ نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی نیز توجه داشت تا جامعه به صورت یکپارچه به سمت توسعه پایدار حرکت کند. ماهیت به هم پیوسته تعاملات اقتصادی، مالی، پولی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی، تغییرات بنیادین را جایگزین اقدامات اصلاحاتی به صورت مجموعه‌ای از عوامل منظم و مرتبط با یکدیگر کرده است که اجرای ناهماهنگ و ناقص آنها، می‌تواند شرایط کلی را در تمامی حوزه‌ها خراب‌تر کند و کشور با عظمتی چون ایران را با وجود داشتن ذخایر عظیم نفتی، گازی جهان و سایر مواد معدنی طبیعی زیرزمینی یا روی زمینی و سرمایه انسانی در رتبه‌بندی جهان در رده‌های پایین قرار دهد. صرف نظر از موارد کلی ذکر شده از آنجایی که بحث اصلی ما، اصلاح نظام بانکی است، به نظر می‌رسد طرح اصلاح اخیر نظام بانکی، تغییرات ماهیتی را در نظام بانکداری کشور در نظر ندارد و تنها به اصلاحات

نظام بانکی تنها معضل اقتصادی، پولی و مالی کشور نیست، بلکه همه تعاملات اقتصادی در سطح اقتصاد کلان از یک همبستگی ذاتی و فطری به سبب کنش متقابل متغیرهای درون سیستمی برخوردارند که تمام ارکان اقتصادی و مالی کشور را درگیر می‌کنند.

در شیوه‌های اجرایی پرداخته است و امکانات قانونی جدیدی در جهت تقویت سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی و استقلال آن را در اختیار این بانک قرار نمی‌دهد. شورای پول و اعتبار که سیاست‌گذاری‌های پولی، نظارتی و عملیاتی بانک مرکزی را تدوین و برای اجرا به بانک ابلاغ می‌کند، صرف نظر از اینکه تنها دو نماینده از بانک مرکزی در این شورا حضور دارند و تصمیمات بانک مرکزی همواره در اقلیت است، اکنون شورای فقها که تعداد فقها بیش از متخصصان اقتصادی، پولی و بانکی هستند، اضافه شده و در واقع قرار است یک نهاد جدیدی به حوزه سیاست‌های پولی اضافه شود که اختیارات بانک مرکزی را تحدید کرده است؛ ضمن آنکه سیاست‌های پولی، نظارتی و عملیاتی مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و سیاست اخیر باید تنها توسط تصمیمات بانک مرکزی به اجرا درآید. در طرح پیشنهادی موارد متعددی در خصوص عملیات بانکی، شفافیت ترازنامه‌ها، نظارت، توقف، ورشکستگی و انحلال بانک‌ها مطرح شده است که هر کدام از آنها به نوبه خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

■ **مبارزه با مفاسد اقتصادی و اختلاس‌های کلان می‌تواند زمینه و بستر لازم را برای اصلاح نظام بانکی فراهم کند؟** تصحیح هریک از مباحث فوق که در چارچوب نظام بانکی همانند یک سلسله زنجیر به کل اقتصاد وابسته است در یک بستری از فساد، اختلاس و ارتشا عملیاتی می‌شود؛ زیرا همسویی فراوانی بین هدف استقرار ثبات اقتصادی که وظیفه اصلی بانک مرکزی است، با هدف سالم‌سازی و سلامت بانک‌ها وجود دارد که زدودن فساد از سیستم بانکی، بدون رفع ریشه‌های فساد اقتصادی مالی و رانتی از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، امکان‌پذیر نیست. بنابراین ریشه‌کنی فساد در ابعاد وسیع آن، یک فرآیند انقلابی است به صورتی که باید انقلابی اندیشید و اصلاح‌گرایانه عمل کرد.



بی‌اطلاعی از قوانین؛ پاشنه آشیل شرکت‌های پیمانکار

مهندس مجید شیخ‌بهائی عضو هیات مدیره و رئیس کمیسیون حقوقی سندیکا عنوان کرد



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

شعله‌سوز است. در زمینه مترو هم ایستگاه فدک نظام‌آباد، مرکز فرمان مترو سرچهار راه کالج نیز از پروژه‌های شرکت شعله‌سوز است. یک ایستگاه متروی خط سه نیز جزو پروژه‌های مهم این شرکت بود.

■ **جناب‌عالی در سال ۱۳۸۱ به عنوان کارآفرین برتر کشور انتخاب شدید، در این باره توضیح دهید؟**

در دوران آقای خاتمی آمار و اطلاعات خوبی نسبت به مشاغل و متخصصان جمع‌آوری شده بود و طبق آن آمار از افرادی که در جامعه میزان کارآفرینی شاخصی داشتند تقدیر می‌شد. این بزرگداشت در قالب جشنواره‌ای معروف به جشنواره خاتم برگزار می‌شد و معیار انتخاب در آن میزان ایجاد اشتغال بود. در آن دوران آقای خاتمی در دانشگاه عنوان کرد می‌خواهد از کارآفرینان برتر تقدیر کند. خیلی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه که در بازار

بنیاد شهید بودم و شرکت شعله‌سوز را در سال ۱۳۶۰ تأسیس کردم.

■ **درباره شرکت شعله‌سوز و فعالیت‌های آن طی سالهایی که مشغول به کار بود توضیح دهید؟**

شرکت شعله‌سوز ابتدا در زمینه تأسیساتی فعالیت می‌کرد تا سال ۱۳۶۹ که اولین رتبه سازمان برنامه را برای شرکت گرفتیم و تا سال ۱۳۸۹ رتبه ۱ ابنیه و ۲ تأسیسات را داشتیم. از سال ۱۳۸۹ تا کنون پروژه‌های در دست اجرا را تکمیل کردیم و وارد پروژه‌ای نشدیم. زمینه تخصصی فعالیت شرکت مایمارستان‌سازی بود. بیمارستان آموزشی کرمانشاه که بزرگترین بیمارستان غرب کشور است با ۶۶ هزار مترمربع زیربنا و با ظرفیت ۵۱۵ تخت خوابی و بیمارستان ۱۲۸ تختخوابی و ۹۶ تختخوابی یاسوج از جمله پروژه‌های بیمارستان‌سازی انجام شده توسط شرکت

مهندس مجید شیخ بهائی عضو هیات مدیره سندیکا است در سال ۱۳۸۱ به عنوان کارآفرین برتر انتخاب شد. وی از مدیران بخش خصوصی بوده که از سال ۱۳۷۷ همکاری خود را با سندیکا آغاز کرد. از مهندس شیخ بهائی خواستیم تا درباره دغدغه‌ها و فعالیت این روزهای خود سخن بگوید و با اشتیاق پای این سخنان نشستیم.

■ **آقای مهندس در چه رشته‌ای فارغ‌التحصیل شده‌اید و چگونه قدم به دنیای پیمانکاری گذاشتید؟**

در رشته برق و الکترونیک از دانشگاه علم و صنعت (۱۳۵۶) و در رشته راه و ساختمان از دانشگاه آزاد (۱۳۶۴) فارغ‌التحصیل شدم و از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ عضو هیات مدیره شرکت‌های مهندسی سانتراوال سانترا و تدارک نیرو بودم. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ مدیر اجرایی شرکت شعله خاور، یکی از زیرمجموعه‌های



کار فعال بودند مدارک کارآفرینی خود را به دانشگاه ارائه کردند و در زمینه های مختلف کارآفرینی افراد منتخب انتخاب شدند. من در سال ۱۳۸۱ حدود ۱۲۰۰ پرسنل داشتم که اگر به پرسنل روز تبدیل می شد ۳ میلیون پرسنل / روز برای مدت بیست سال معادل سابقه کار شرکت می شد که آمار بالایی به حساب می آمد و همین باعث شد به عنوان کارآفرین برتر کشور در بخش شرکت های خصوصی ساختمانی انتخاب شوم. این امر برای من که تا آن زمان ۲۰ سال سابقه کار اجرایی داشتم انگیزه خوبی برای تمدید قوا و ادامه کار بود.

■ به نظر شما اصلی ترین مسائل شرکتها مربوط به مشکلات داخلی (مثل کمبود سرمایه و تجربه، و ...) است یا عوامل بیرونی (مثل رکود، تحریم ها، کمبود نقدینگی و.....)؟

بنده عوامل بیرونی را اولویت اول مشکلات پیمانکاران می دانم که در قالب آن به ترتیب باید به کارفرمایان قانون گریز، نداشتن مقررات در این حوزه، قوانین و مقررات دست و پا گیر، عدم آگاهی به قوانین موجود،

عدم توجه به اصول حاکم بر کشور، سیستم منفعل بانکی، و کمبود نقدینگی و گردش مالی اشاره کرد. علاوه بر کارفرمایان قانون گریز، نداشتن مقررات در این حوزه از مشکلات اصلی است، چرا که در زمان تدوین این مقررات بیشتر روی قوانین مدنی تاکید شده و قوانین فنی جاری و ساری نشده بودند. عدم

عدم آگاهی به قوانین نیز از بزرگترین نقص های مجموعه های اجرایی ما است. شاید تنها مشکلی که برخی شرکت های ما را در مخمصه انداخته، ندانستن قانون بوده است.

آگاهی به قوانین نیز از بزرگترین نقص های مجموعه های اجرایی ما است. شاید تنها مشکلی که برخی شرکت های ما را در مخمصه انداخته، ندانستن قانون بوده است.

■ آیا در فعالیت خود با رقابت های ناسالم و هزینه های ناشی از قاعده مند نبودن فعالیت های عمرانی مواجه هستید؟ آیا رقبای رانت دار مثل شرکت های خصوصی فعالیت شما و رقبای بخش خصوصی را دچار مضيقه کرده اند؟

در دوران آقای احمدی نژاد تمام قوانین طوری طراحی و مهندسی شد تا خصوصی ها بتوانند عنان اختیار کارهای اجرایی را برعهده بگیرند و چون هزینه کرد آنها قابل کنترل و بررسی نبود. مبالغ سرسام آوری به این شرکتها بدون هیچ گونه محاسباتی تزریق گردید. در حالی که بخش خصوصی حساب کتاب شفافی داشت. به همین دلیل پس از دو دوره ریاست جمهوری ایشان بیش از ۲ میلیون نیروی کار اجرایی بیکار در دست دولت فعلی ماند.

پروژه هایی که توسط دستگاه های دولتی انجام شده از لحاظ کیفیتی نازل ترین کیفیت



را در میان پروژه‌ها دارند. برای مثال می‌توان خط ۷ متروی تهران که توسط یکی از این ارگانها ساخته شده را با خط ۲ مترو که توسط پیمانکاران خصوصی ساخته شده و از سال ۱۳۷۷ تا کنون مورد بهره‌برداری می‌باشد با هم مقایسه نمود. هزینه یکی از ایستگاههای خط دو مترو که در سال ۱۳۸۲ شروع و در سال ۱۳۸۵ بهره‌برداری شد تقریباً معادل ده میلیارد تومان بود در صورتی که خط هفت مترو در سال ۱۳۸۵ با چندین برابر قیمت و توسط یکی از این شرکتها ی حصولتی شروع و هنوز هم به بهره‌برداری نرسیده است!

البته تشخیص کیفیت کار با متخصصان است. این کیفیت اغلب با نحوه اجرای کار و مصالح به کار رفته سنجیده می‌شود. بی‌شک اگر پیمانکاری بخواهد مصالح ارزان استفاده کند به خاطر نظارت مکرر قادر به آن نیست در حالی که حصولتی‌ها خود مرجع نظارت بر عملکرد خود هستند. در این مورد

نامعلوم بودن هزینه تمام شده پروژه‌های شبه دولتی نیز باعث شده ملاک و معیاری برای مقایسه نسبت زمان و هزینه انجام شده کارها در دو بخش وجود نداشته باشد

عدم آگاهی مدیران به قوانین از بزرگترین موانع رشد شرکتها است. مدیران شاید در حوزه مدیریت کار خود موفق باشند اما اگر در مورد قوانین مربوط به کار خود اطلاعات کافی نداشته باشند قطعاً صدمه‌پذیر خواهند بود. در این مورد کسب آگاهی‌های لازم در کنار به دست آوردن تخصص راهگشای بسیاری از شرکتها است.



از جمله در مورد پل صدر. متأسفانه با وجود مستندات زیاد در این باره، چون اراده غالب ادامه فعالیت این شرکتها است، گفتگو و تلاشها برای ایجاد فضایی که در آن رقابت برابر وجود داشته باشد به جایی نمی‌رسد. در این شرایط رقابت نابرابر، بخش پیمانکاری ما بعضاً مانند بیماری که فقط به فکر تسکین آنی درد خود است دست به دامان مسکن‌هایی مانند شرکت در مناقصه با حداقل قیمت می‌زند تا با برنده شدن در مناقصه و مشغول شدن در پروژه به ادامه حیات خود امیدوار بماند.

■ با این تفاسیر، به نظر شما گفت وگویی دولت و بخش خصوصی که در سال‌های اخیر به صورت نهادی در آمده است چه دستاوردی داشته، و آیا عملاً کمکی به بهبود اوضاع داشته است؟

تاوقتی دولت خود را متولی اجرای تمام کارهای

کشور می‌داند و دستگاه‌های دولتی و نظامی در همه کارها دخالت می‌کنند، فکر رسیدن به تعامل در حد رویا باقی می‌ماند. متأسفانه در مورد گفتگوی دولت و بخش خصوصی هم نتیجه نخواهد داد، چرا که عوامل دولت با پیش فرض اینکه بخش خصوصی نباید سکاندار باشد در این جلسات شرکت می‌کنند و حاضر نیستند وظایفی که به اشتباه به آنها واگذار شده و قانون آنها را بر عهده بخش خصوصی گذاشته به این بخش واگذار کنند چرا که آنها خود را متولی کلیه مسائل اجرائی و امورات اقتصادی کشور می‌دانند.

■ فرزندان شما به عنوان مدیر در شرکت شما شاغل هستند، با توجه به این امر نظر شما درباره انتقال شرکت از نسلی به نسل دیگر چیست؟

خیلی از مدیران شرکتها از جمله من اعتقاد به مدیریت محوری دارند تا مالکیت محوری. با مدیریت محوری سن و سال مالک برای نگهداری شرکت مطرح نیست و مدیران با فکر و ایده جدید می‌توانند نوآور باشند. اما در مورد انتقال مالکیت محوری به مدیریت محوری، انتخاب مدیر خوب کار مهمی

است. وقتی مدیران توانایی خود را نشان دادند می‌توان قسمتی از سهام شرکت را به آنان واگذار کرد. اما مکانیزم انتقال مدیریت محوری و مالکیت محوری بسیار مهم است. انتخاب مدیر لایق و توانمند یک بعد اصلی و تعیین کننده می‌باشد اما اختیارات تفویضی به مدیر منتخب بعد دیگر آن است که باید مکانیزم حفاظت از شرکت در سیستم مدیریت محور لحاظ شود. یکی از این مکانیزمها شرکت‌های خانوادگی است و البته مکانیزمهای دیگری را می‌توان برای حفاظت از شرکت‌های مدیر محور ارائه داد. در این باره ترجیح اکثر شرکتها بر واگذاری مدیریت شرکت به اعضای خانواده است چرا که آنها ماندگاری شرکت را به ماندگاری مدیران ترجیح می‌دهند، و راه حل ساده حفاظت از ماندگاری شرکتها را واگذاری کارها به اعضای خانواده می‌دانند چرا که می‌پندارند همبستگی عاطفی که فراتر از منافع مالی است باعث می‌شود این افراد در فراز و نشیب‌های مختلف کنار شرکت بمانند. چنانچه وضعیت اقتصادی حاضر که مشکلات زیادی گریبان گیر شرکتها شده است، فرزندان من دوشادوش من، در شرکت ایستاده‌اند.

■ **رفع کدام دسته از مشکلات مربوط به رونق بخش خصوصی، می‌تواند شما و شرکتتان را در موفقیت بیشتر یاری رساند؟**
عدم آگاهی مدیران به قوانین از بزرگترین موانع رشد شرکتها است. مدیران شاید در حوزه مدیریت کار خود موفق باشند اما اگر در مورد قوانین مربوط به کار خود اطلاعات کافی نداشته باشند قطعاً صدمه‌پذیر خواهند بود. در این مورد کسب آگاهی‌های لازم در کنار به دست آوردن تخصص راهگشای بسیاری از شرکتها است. جوان‌گرایی و توجه به حضور مدیران آگاه هم از بار مشکلات این شرکتها خواهد کاست.

■ **به عنوان آخرین سوال اگر سال ۱۳۵۶ بود و شما همین امروز فارغ‌التحصیل می‌شدید و درصدد انتخاب شغل بودید، چه شغلی را انتخاب می‌کردید؟**

به نظر من عنوان و نوع شغل مهم نیست اما حتماً با روش دیگری شغل خود را آغاز می‌کردم و آن روش توجه به مسائل حقوقی و قوانین بود. چیزی که بیشتر شرکتها از جانب آن ضربه‌پذیر هستند. در واقع پاشنه آشیل بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری بی‌اطلاعی از مسائل حقوقی و قوانین این حوزه است.



حساب و کتاب

موسسه

HESAB & KETAB
Accounting Institute.

مشاوره مالی و مالیاتی
سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

این موسسه آمادگی دارد تا با گروهی متخصص و باتجربه پیمانکاران محترم را با آخرین تغییرات قوانین و مقررات مالی و مالیاتی و رعایت آن آشنا نموده و در راستای پیشگیری از پرداخت مالیات‌ها و جرائم سنگین و ناعادلانه بصورت رایگان اقدام به ارائه مشاوره نماید.

- ۱- ارائه کلیه خدمات حسابداری، صورتهای مالی در جهت پشتیبانی بخش، مشاوره بافتصاد (اخذ مجوزات و ضمانت‌نامه) و ...
- ۲- ارائه کلیه خدمات حسابداری به شرکتها بصورت پیمانی با بهره‌گیری از نیروهای حرفه‌ای در تمام سطوح
- ۳- نظارت بر واحد مالی شرکتها بصورت پیمانی و ارائه خدماتهای مورد لزوم در جهت بهبود فرآیندهای مالی
- ۴- تنظیم لایحه دفاعیه و شرکت در کمیسیونهای حل اختلاف مالیاتی
- ۵- انجام کلیه امور مربوط به اصلاح حسابهای سنواتی و رفع مغایرتها
- ۶- ارائه مشاوره مورد لزوم در ارتباط با قوانین و آخرین بخشنامه‌های مالیاتی و استانداردهای حسابداری
- ۷- مشاوره و راهنمایی در جهت خرید و ارتقاء نرم‌افزارهای مالی

مشاوره مالی و مالیاتی بصورت رایگان در محل سندیکا دوره‌های چهارشنبه از ساعت ۱۳ الی ۱۶ - برای اطلاع بیشتر با تلفن ۰۲۱۶۶۴۶۴۶۴۶۱ داخلی ۱۰۸ تماس حاصل فرمائید.

web: www.hesaboketab.com شماره تماس موسسه: ۴-۸۸۲۴۸۸۵۳



ضوابط مربوط به هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عام و خاص

محمد تکی - کارشناس حقوقی

سؤالاتی که اعضای سندیکا در خصوص ترتیبات و تشریفات انتخاب و عزل و جایگزینی اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی و شرایط اساسی برای عضویت در هیأت مدیره شرکت ها مطرح می کنند ما را بر آن داشت قسمت هایی از قانون تجارت را استخراج و مطلب حاضر را برای اعضای محترم تدوین نمائیم.



پیام آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

۱- در اساسنامه شرکت سهامی عام بایستی تعداد اعضای هیأت مدیره و طرز انتخاب آنها و مدت مأموریت آنان و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفاء می کنند یا محجور و معزول یا به جهت قانونی از ادامه عضویت در هیأت مدیره ممنوع می گردند و حدود و وظایف و اختیارات مدیران و تعداد سهام تضمینی که باید به صندوق شرکت بسپارند معلوم و همراه با اعلامیه قبول سمت به وسیله مدیران و بازرسان شرکت جهت ثبت به اداره ثبت شرکت ها تسلیم گردد. (بند های ۱۵ و ۱۶ ماده ۸ و مواد ۱۷ و ۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲- در اساسنامه شرکت سهامی خاص باید مواردی که راجع به تعیین هیأت مدیره در اساسنامه شرکت سهامی عام گذشت قید گردد. (بند ۱ و تبصره ماده ۲۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳- اولین هیأت مدیره شرکت سهامی را مجمع عمومی مؤسس و هیأت مدیره های بعد از آن را مجمع عمومی عادی صاحبان سهام انتخاب می کنند. (ماده ۱۰۸ قانون تجارت با توجه به مواد ۱۷ و ۷۴ و ۸۶ و ۸۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۴- در مجمع عمومی مؤسس که بایستی لاقلاً دارندگان نصف سرمایه (در جلسه اول) یا دارندگان یک سوم سرمایه (در جلسات دوم و سوم) در آن شرکت کنند، اتخاذ تصمیمات از جمله انتخاب هیأت مدیره با اکثریت دو سوم آراء حاضران خواهد بود. (ماده ۷۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۵- در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی مؤسس الزامی نیست. نتیجه آنکه اگر مجمع عمومی مؤسس برای شرکت سهامی خاص تشکیل نشود اولین هیأت مدیره بوسیله مجمع عمومی عادی

صاحبان سهام انتخاب خواهد شد. (ماده ۸۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۶- در مجمع عمومی عادی که با حضور، لاقلاً دارندگان بیش از نصف سهام دارای حق رأی (در جلسه اول) و هر عده از صاحبان سهامی که حق رأی دارند (در جلسه دوم) تشکیل می شود، انتخاب مدیران و بازرسان با اکثریت نسبی حاضران انجام می شود. (مواد ۸۷ و ۸۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۷- منظور از اکثریت آراء در مجمع عمومی صاحبان سهام حاضرین در جلسه مجمع است. (ماده ۱۰۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۸- هیأت مدیره در هنگام انتخاب و در تمام مدت تصدی باید از سهامداران شرکت باشند و کلاً یا بعضاً قابل عزل نیازی باشند. (ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۹- در شرکت‌های سهامی برای انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده (هر سهم یک رأی) در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر حاصل ضرب مذکور می‌باشد و هر رأی دهنده می‌تواند حق رأی خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفر تقسیم کند. اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر نماید. (ماده ۸۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۱۰- عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی عام نایستی کمتر از ۵ نفر باشد. این بدان معناست که صاحبان سهام در شرکت‌های سهامی عام نمی‌توانند از ۵ نفر کمتر باشند. (ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت که وارد به ماده ۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت است)

۱۱- اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت سهامی انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی (با تصویب هیأت مدیره خود یا با تفویض اختیار از سوی هیأت مدیره به مدیرعامل) باید یک نفر را به عنوان نماینده خود جهت حضور در هیأت مدیره معرفی کند. (ماده ۱۱۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۱۲- شخص یا اشخاص حقوقی عضو هیأت مدیره می‌توانند نمایندگان خود در هیأت مدیره را هر زمان که بخواهند عزل کنند به شرط آنکه در هر زمان جانشین او را مکتوباً معرفی نمایند و اگر شخص حقوقی نماینده خود را عزل کند و نماینده‌ای را مکتوباً و همزمان با عزل نماینده قبلی به عنوان جانشین او معرفی نکند حتی در فرض حضور در جلسه هیأت مدیره، غایب محسوب خواهد شد. نمایندگان اشخاص حقوقی در هیأت مدیره شرکت همان شرایط، تعهدات و مسئولیت‌های مدنی و کیفری ناظر بر اعضای هیأت مدیره شرکت‌های سهامی را خواهند داشت و از جهت مسئولیت مدنی با شخص حقوقی که آنها را به نمایندگی خود تعیین و معرفی کرده است مسئولیت تضامنی خواهند داشت. (ماده ۱۱۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

در بیان تعریف و منظور از مسئولیت تضامنی از دیدگاه قانون تجارت ماده ۴۰۳ قانون تجارت مقرر داشته است: در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت، تضامنی باشد طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

۱۵- حداقل عده اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های سهامی خاص را قانونگذار در لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت به تصریح معین نکرده اما بنا به عمومات قانونی و مجموع مواد لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت آنچه مسلم است اینکه اولاً شرکت سهامی شخصیتی است از اجتماع صاحبان سهام (حداقل سه شریک) و ثانیاً هیأت مدیره بنا به مفهوم هیأتی و جمعی بودن آن به قدر متقن بایستی حداقل دو نفر باشد و چون با وجود دو نفر در مقام اختلاف، اکثریت و اقلیتی حاصل نمی‌شود پس در نتیجه حداقل تعداد هیأت مدیره در شرکت سهامی خاص باید سه نفر یعنی به تعداد حداقل قانونی شرکاء (سهامداران) باشد. (بر اساس مواد ۳ و ۷۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت و مستنبط از مقررات قانون تجارت)

۱۶- حداکثر تعداد اعضای هیأت مدیره نمی‌تواند از تعداد سهامداران شرکت بیشتر باشد. (مستنبط از ماده ۱۰۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۱۷- محجورین، کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است، کسانی که به علت ارتکاب سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جرایم در حکم کلاهبرداری یا در حکم خیانت در امانت، اختلاس، تدلیس، تصرف غیرقانونی در اموال عمومی به موجب حکم قطعی محکوم یا به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند (در مدت محرومیت) را نمی‌توان به عضویت هیأت مدیره و مدیرعاملی شرکت‌های سهامی انتخاب نمود. (مواد ۱۱۱ و ۱۲۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۱۸- مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی عادی صاحبان سهام. (ماده ۱۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۱۹- هیچ کس نمی‌تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که مدیریت عامل یک شرکت دیگر را نیز به عهده دارد در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت‌های سمت مدیریت عامل، شامل حال او خواهد شد و البته به درخواست هر ذینفعی دادگاه حکم عزل چنین مدیرعاملی را صادر خواهد کرد و حکم دادگاه در این خصوص قطعی است. (مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۰- کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عذر عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیرمعتبر دانست. (ماده ۱۳۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۱- در صورت انقضاء مدت مأموریت مدیران تا زمان انتخاب مدیران جدید، مدیران سابق کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی عادی صاحبان سهام (هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان قانونی) به وظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع می‌تواند از اداره ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تقاضا نماید. (ماده ۱۳۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۲- اگر مدیران (اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل) شرکت در حین مدیریت، شرایط مدیریت را از دست بدهند یا ثابت شود که از ابتدا (در هنگام انتخاب) فاقد شرایط قانونی لازم بوده‌اند به تقاضای هر ذینفعی با حکم دادگاه عزل خواهند شد. حکم دادگاه در این خصوص قطعی است. (تبصره ماده ۱۱۱ و مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)



مجمع بایستی جهت ثبت به اداره ثبت شرکت‌ها ارسال گردد. همچنین نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورتجلسه هیأت‌مدیره به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام تا در روزنامه رسمی آگهی شود. (ماده ۱۰۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت با توجه به ماده ۱۸ و بندهای ۳ و ۴ ماده ۲۰ قانون تجارت).

۲۸- مدیران و بازرسان شرکت بایستی پس از انتخاب به وسیله مجمع عمومی صاحبان سهام کتباً قبول سمت نمایند و تأییدیه کتبی قبول سمت آنان به اداره ثبت شرکت‌ها تسلیم شود. (مواد ۱۷ و ۱۸ و بند ۴ ماده ۲۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۹- در شرکت‌های سهامی خاص انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان قانونی شرکت باید در صورتجلسه‌ای قید و به امضاء کلیه سهامداران برسد. (بند ۳ ماده ۲۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳۰- اگر تعداد اعضای هیأت‌مدیره بر اثر فوت یا استعفاء یا سلب شرایط قانونی (عزل یا ممنوعیت از ادامه عضویت در هیأت‌مدیره) از یک یا چند نفر آنان از حداقل مقرر در قانون (در شرکت‌های سهامی عام ۵ نفر و در شرکت‌های سهامی خاص ۳ نفر) کمتر شود اعضاء علی‌البدل هیأت‌مدیره به ترتیبی که در اساسنامه شرکت آمده و اگر در اساسنامه نیامده به ترتیبی که مجمع عمومی عادی مقرر نماید جای آنان را خواهند گرفت و بدین ترتیب هیأت‌مدیره تکمیل خواهد شد تا تصمیمات آنان قانونی تلقی شود. (ماده ۱۱۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت با توجه به بند ۱۵ ماده ۸ و بند ۱ ماده ۲۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳۱- اگر مجمع عمومی عادی صاحبان سهام عضو علی‌البدل برای هیأت‌مدیره تعیین نکرده باشد و یا اینکه تعداد اعضای علی‌البدل هیأت‌مدیره برای تکمیل اعضای هیأت‌مدیره و تصدی محل‌های خالی در هیأت‌مدیره کافی نباشد اعضای باقیمانده هیأت‌مدیره بایستی بلافاصله پس از حدوث نقص در هیأت‌مدیره و کاهش اعضای آن به کمتر از حداقل قانونی، نسبت به دعوت

است. (ماده ۱۰۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت با توجه به ماده ۱۱۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۶- اگر انتخاب یا عزل بعضی از مدیران شرکت در دستور مجمع عمومی صاحبان سهام باشد رئیس هیأت‌مدیره نمی‌تواند ریاست مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را عهده‌دار شود و در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه با اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. (ماده ۱۰۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۷- در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام (اعم از مجمع عمومی مؤسس، عادی، فوق‌العاده) متضمن انتخاب هیأت‌مدیره و بازرسان یا بازرسان شرکت باشد تصویب ترانزنامه، کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر اساسنامه، انحلال شرکت، یک نسخه از صورتجلسه

از قانون تجارت)

۲۳- مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند (ماده ۱۰۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۴- مدت مسئولیت و سمت اعضای هیأت‌مدیره (که در اساسنامه شرکت تعیین می‌شود) نمی‌تواند از دو سال بیشتر باشد. به بیان دیگر در هیچ صورتی حتی در اساسنامه شرکت و یا با تصویب مجمع عمومی عادی صاحبان سهام نمی‌توان مدت مأموریت هیأت‌مدیره را در شرکت‌های سهامی بیش از دو سال معین کرد. تعیین مدت مسئولیت برای کمتر از دو سال بلامانع است. (ماده ۱۰۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۲۵- انتخاب مجدد اعضای هیأت‌مدیره برای دوره‌های دو ساله متوالی تا زمانی که شرایط مدیریت را از دست نداده‌اند، بلامانع

دستورالعمل چهارگانه برای شهرها

وزیر راه و شهرسازی به مناسبت روز جهانی شهرسازی، دستورالعمل چهارگانه برای ارتقای وضعیت فعلی در شهرها را تشریح کرد. عباس آخوندی در پیام خود به مناسبت روز جهانی شهرسازی تاکید کرد: براساس مشکلات و چالش‌هایی که هم اکنون در شهرهای کشور وجود دارد، دستور کار شهری جدید باید چهار رکن بنیادین را پوشش دهد. وی تصریح کرد: اولین رکن به توجه به شهرها به عنوان «سازمان اجتماعی» که هسته تشکیل دهنده آن شهروندان و در مرحله بعدی خانواده است، به عنوان سیاست بنیادین توسعه ملی و توجه ویژه به موضوع فقر شهری برمی‌گردد. در پیام وزیر راه و شهرسازی همچنین تاکید شده است: توزیع نقش اقتصادی شهرها در توسعه ملی و نیز شناسایی فرصت‌های اقتصادی که شهرها ارائه می‌دهند دومین رکن دستور کار شهری جدید محسوب می‌شود.

این در حالی است که رسیدگی به چالش‌هایی زیست محیطی جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، مصرف ناپایدار انرژی و ریسک بالای بلایای طبیعی و همچنین موضوع ایران شهر به عنوان عنصر هویتی و معنی بخش به زندگی مدنی ایرانیان دو رکن دیگر موثر در دستور کار شهری جدید محسوب می‌شوند. وزیر راه و شهرسازی همچنین در بخشی از پیام خود به مناسبت روز جهانی شهرسازی، آورده است: باید همچنان که از دستاوردهای دانش جهانی برخوردار می‌شویم، در چارچوب تاریخ ایران و تمدن آن، شهری طراحی کنیم که انسان‌ها در آن احساس رشد و بالندگی، دلبستگی و سرزندگی داشته باشند و بتوانند در جهت ارتقای کیفیت زندگی بکوشند. در بخش دیگری از این پیام آمده است: سکونت بیش از ۷۰ درصد جمعیت ایران در شهرها نشان از تحول و دگرگونی فراینده جامعه ایران به سوی شهری شدن دارد. شهری شدن در ایران گرچه فرصت‌هایی برای توسعه فراهم آورده، اما غلبه دیدگاه‌های کارکردگرایانه و نوپردازانه در این فرآیند فارغ از توجه به سرشت تاریخی، فرهنگی و زیست‌سرزمینی، شهرهای کشور را با چالش‌هایی بنیادین مواجه کرده است. وزیر راه و شهرسازی در ادامه با اشاره به چالش‌هایی که جریان زندگی در شهرهای بزرگ و کلان شهرها را با اختلال روبه‌رو کرده‌اند، تصریح کرد: این چالش‌ها که شاید با ورود اندیشه تجدد در ایران و تغییر ساختار شهرها در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نقطه آغازین شکل‌گیری آنها باشد، در سه زمینه قابل زندگی بودن، حرکت انسان و کالا و نهایتاً کالایی‌شدن شهرها نمایان شده‌اند.

اصلاح قسمتی از قانون تجارت تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصاحساب مدیران در همان دوره مالی است و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره‌ای که مدت مدیریت اعضای هیأت مدیره در آن دوره پایان یافته یا به هر نحوی در آن دوره از آنان سلب سمت شده باشد سهام وثیقه موصوف به خودی خود از قید وثیقه آزاد می‌شود.

۳۴- در صورتی که اعضای هیأت مدیره در هنگام انتخاب، مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه نباشد و همچنین در مورد انتقال قهری سهام وثیقه در زمان مدیریت یا افزایش یافتن تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه مدیران، عضو یا اعضای هیأت مدیره‌ای که مشمول این شرایط شده‌اند باید ظرف حداکثر یک ماه از تاریخ وقوع و حدوث این شرایط تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه را تهیه کنند و به صندوق شرکت بپردازند در غیر این صورت مستعفی محسوب خواهند شد. (ماده ۱۱۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳۵- هیأت مدیره شرکت بایستی لااقل یک نفر شخص حقیقی را به مدیرعاملی شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت مسئولیت و حق الزحمه او را معین کند. اگر مدیرعامل، عضو هیأت مدیره شرکت هم باشد دوره مدیریت عاملی او نمی‌تواند بیش از مدت عضویت او در هیأت مدیره باشد. هیأت مدیره می‌تواند هر وقت که بخواهد مدیرعامل را عزل نماید. (ماده ۱۲۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳۶- برابر اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کارمندان دولت نمی‌توانند همزمان با شغل دولتی خود مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی از جمله شرکت‌های سهامی را عهده‌دار شوند

مجمع عمومی عادی صاحبان سهام جهت تکمیل اعضای هیأت مدیره اقدام کند. (ماده ۱۱۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳۲- در صورتی که تمام اعضای هیأت مدیره شرایط عضویت در هیأت مدیره را از دست بدهند یا استعفاء نمایند یا در صورتی که اعضای باقیمانده هیأت مدیره به تکلیف قانونی خود برای دعوت مجامع عمومی صاحبان سهام جهت تکمیل اعضای هیأت مدیره (به شرح ماده ۱۱۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) عمل نکنند هر ذینفع می‌تواند از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام را جهت تکمیل عده اعضای هیأت مدیره دعوت به تشکیل جلسه نماید و بازرس یا بازرسان شرکت مکلف به انجام چنین درخواستی هستند. (ماده ۱۱۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

۳۳- اعضای هیأت مدیره باید حداقل تعداد سهامی را که در اساسنامه شرکت مقرر شده دارا باشند و اساسنامه شرکت می‌تواند برای رای دادن در مجمع عمومی صاحبان سهام دارا بودن تعداد مشخصی از سهام را شرط کند بنابراین تعداد سهام اعضای هیأت مدیره نبایستی از حداقل تعداد سهامی که اساسنامه برای رای دادن در مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تعیین کرده کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور بایستی با نام باشد و قابل انتقال نیست و تا زمانی که اعضای هیأت مدیره مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نکرده‌اند سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند. (ماده ۱۱۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)

قابل ذکر است که وفق ماده ۱۱۶ لایحه



چرا معوقات بانکی در ایران ۵ برابر دنیا است؟

■ جواد غیائی ■

معوق می‌شود. یعنی با فرض ۵۰۰ هزار میلیارد تومان وام پرداختی توسط بانک‌های کشور در سال، حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان آن حبس شده و از چرخه خارج می‌شود. این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد این نسبت در جهان ۴ درصد و در غرب آسیا، به عنوان بدترین منطقه جهان از این نظر، حدود ۵ درصد است. لذا در ایران ۴/۵ تا ۵ برابر دنیا، پول‌ها معوق و حبس می‌شوند اما چرا؟ در ادامه ۶ دلیل اصلی را به طور خلاصه تشریح می‌کنیم.

۱- شرکت‌هایی که به خودشان وام می‌دهند!

موضوع بنگاه‌داری بانک‌ها و مجموعه عظیم شرکت‌های زیرمجموعه آنها یکی از دلایل روشن این وضعیت است. بانک‌ها به مجموعه شرکت‌های زیرمجموعه خود وام می‌دهند و انگیزه‌ای هم برای دریافت آن ندارند. ضمن این‌که معمولاً این شرکت‌ها کارایی اقتصادی مناسبی هم ندارند و به خاطر مدیریت غیرتخصصی دچار مشکلاتی می‌شوند. همین چند روز قبل، صمیمی دهکردی، رئیس شورای عالی قانون مشاوران اعتباری و سرمایه‌گذاری، در این رابطه به صورت شفاف اعلام کرد که در

معوقات بانکی، بسیار مهم است. منظور از معوقات بانکی، یا به اصطلاح تخصصی‌تر، نسبت مطالبات غیرجاری نظام بانکی، درصدی از تسهیلات پرداختی بانک‌هاست که در سررسید معین بازپرداخت نشده است. این شاخص نشان‌دهنده آن است که اولاً وام‌گیرندگان که عمدتاً فعالان اقتصادی و مردم هستند به چه میزان در بازپرداخت بدهی خود موفق بوده‌اند؟ و ثانیاً بانک‌ها تا چه میزان در هدایت منابع به بخش‌های مولد و معتبر اقتصادی درست عمل کرده‌اند؟ هرکدام از این دو مولفه که دچار اختلال شود نسبت معوقات بالا رفته و شرایط برای اقتصاد و نظام بانکی بغرنج می‌شود.

وضعیت اقتصاد کشور از نظر معوقات چگونه است؟

طی سال‌های گذشته، نسبت معوقات در نظام بانکی به مرور افزایش یافته است. اگرچه رکود اقتصادی براین وضعیت اثر قابل توجهی داشته است اما نقش مدیریت بانک‌ها و شاخص‌های عملکردی آنان هم در ایجاد این شرایط کم نبوده است. در ادامه این موارد را تشریح خواهیم کرد. طبق آخرین آمار طی سال‌های اخیر به طور متوسط حدود ۱۸ درصد تسهیلات پرداختی بانک‌ها

طی سال‌های گذشته، نسبت معوقات در نظام بانکی به مرور افزایش یافته است. اگرچه رکود اقتصادی براین وضعیت اثر قابل توجهی داشته است اما نقش مدیریت بانک‌ها و شاخص‌های عملکردی آنان هم در ایجاد این شرایط کم نبوده است.

هرگاه که بحث از مشکلات اقتصادی، رکود و حتی فساد و اختلاس می‌شود پای بانک‌ها در میان است. البته ارجاعات بی‌شمار مشکلات اقتصادی کشور به نظام بانکی بی‌دلیل هم نیست. در مقام مثال، برخی نظام بانکی در اقتصاد یک کشور را به مثابه خون در بدن موجود زنده دانسته‌اند. هرگاه و هر جا که این خون، کثیف یا در جریان آن خللی ایجاد شود باید منتظر یک اتفاق ناگوار بود. البته پول به خودی خود، فقط یک ابزار معامله است و طبق آخرین و معتبرترین یافته‌های اقتصاددانان در بلندمدت اثری بر وضعیت بخش حقیقی اقتصاد، یعنی تولید و اشتغال، ندارد اما وقتی سرمایه‌های کشور در قالب منابع بانکی در پروژه‌ها با دست افرادی خاص، بلوکه شود، شرایط فرق می‌کند. در این حالت سرمایه‌های کشور حبس می‌شوند و فرصت توسعه و رونق اقتصادی را از کشور می‌گیرند. در میان شاخص‌هایی که عملکرد نظام بانکی را توضیح می‌دهد،



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

حال حاضر شرکت‌هایی تشکیل می‌شود که خودشان طرح تهیه می‌کنند، خودشان به خودشان وام می‌دهند و اگر دقت کنیم متوجه می‌شویم که اغلب معوقات مربوط به شرکت‌های وابسته به خود بانک‌هاست که این موضوع خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.

۲- اعتبارسنجی در حد صفر

اقدام مهم دیگری که باید قبل از دریافت تسهیلات انجام شود تا مانع معوق شدن تسهیلات شود، اعتبارسنجی مشتری توسط بانک است. البته قطعاً خود بانک‌ها نمی‌توانند این کار را انجام دهند بلکه باید مؤسسات تخصصی با جمع‌آوری اطلاعات شفاف در مورد افراد و عملکرد اقتصادی و مالی پیشین آنها، اعتبار هر فرد یا بنگاه را تعیین کنند و به بانک گزارش دهند تا بانک براین اساس میزان وام، شرایط وثیقه و بازپرداخت آن را تعیین کند اما نه از آن مؤسسات در کشور خبری هست و نه از اطلاعات شفاف و سابقه عملکرد اقتصادی فرد. بانک‌ها هم حساسیت زیادی به این موضوع ندارند.

۳- مدیریت مخاطره آمیز بانک‌ها

خود بانک‌ها و مدیرانشان هم در ایجاد این شرایط و معوقات بالا نقش به سزایی دارند. طبق پژوهشی که اخیراً زیر نظر قائم مقام بانک مرکزی انجام شده، بانک‌ها تصمیم‌ها و مدیریت درستی در مواجهه با این مطالبات و معوقات و همچنین هنگام پرداخت وام ندارند. بخشی از این موضوع مربوط به تصمیم‌های ریسکی مدیران در شرایط بد اقتصادی است که با عجله و بدون بررسی انجام شده و نتیجه‌ای جز حبس منابع ندارد. بارها هشدار داده شده که بانک‌ها در وضعیت رکود و تنگنای اعتباری از اقدامات مخاطره آمیز خودداری کنند. این اقدامات مخاطره آمیز گاهی در سوی جذب منابع با پرداخت سود بالا و گاهی در سوی تجهیز منابع با پرداخت‌های بدون بررسی و همچنین بدون دریافت وثایق کافی انجام

می‌شود. نتایج این وضعیت در هر دو سو به ضرر نظام بانکی است و یک نتیجه آن افزایش معوقات است.

۴- وثایق کافی هم جواب نمی‌دهد؟

یکی از راهکارهای بانک‌ها برای تضمین بازپرداخت وام‌ها اخذ وثیقه است اما چرا این راهکار هم مشکل را حل نکرده است؟ پاسخ روشن است. چنانچه در برخی سوءاستفاده‌ها و فسادهای اخیر هم روشن شد در برخی موارد وثایق کافی اخذ نمی‌شود. لذا بانک قدرت کافی برای بازپس‌گیری منابعش را نخواهد داشت. مخصوصاً آن‌که در برخی موارد هزینه‌های حقوقی و پیگیری‌های لازم برای نقدکردن وثیقه هزینه کار را آنقدر زیاد می‌کند که بانک ترجیح می‌دهد صبر کند تا بر بدهکار فشار بیاورد. اتفاقی که در ارقام بالا احتمال وقوع بیشتری دارد. نکته مهم دیگر آن است که این وثایق باید برای بانک همیشه مفید باشد. فرض کنید که فردی برای احداث کارخانه وام دریافت می‌کند و بعد از احداث آن با مشکل اقتصادی مواجه شده و چرخ کارخانه نمی‌چرخد. از قضا وثیقه وام هم خود کارخانه بوده است. بارها مشاهده شده که برخی از این طرح‌های صنعتی که از ابتدا با بررسی درستی احداث نشده‌اند، بعد از احداث رها می‌شوند. در این شرایط قطعاً

شرایط رکود اقتصادی برافزایش مطالبات غیرجاری اثر مستقیم دارد. معمولاً بسیاری از بنگاه‌ها در شرایط رکودی به دلیل کاهش فروش با تاخیر در بازگشت سرمایه و در نتیجه کاهش نقدینگی مواجه می‌شوند و برای فرار از این مسیر به سراغ جذب نقدینگی و اخذ وام می‌روند،

توان بازپرداخت وام خود را هم نخواهند داشت. لذا کارخانه تعطیل را به بانک تقدیم می‌کنند. بانک هم کارخانه را پلمب می‌کند و می‌گذارد برای روز مبادا.

۵- شرایط اقتصادی و رکود

آنچه مشخص است شرایط رکود اقتصادی برافزایش مطالبات غیرجاری اثر مستقیم دارد. معمولاً بسیاری از بنگاه‌ها در شرایط رکودی به دلیل کاهش فروش با تاخیر در بازگشت سرمایه و در نتیجه کاهش نقدینگی مواجه می‌شوند و برای فرار از این مسیر به سراغ جذب نقدینگی و اخذ وام می‌روند، غافل از این که در شرایط رکودی به ویژه شرایط رکودی سال‌های اخیر اقتصاد ایران، مشکل به کمبود تقاضا برمی‌گردد و تولید بیشتر لزوماً به فروش و سودآوری بیشتر واحدهای اقتصادی نمی‌انجامد. در چنین شرایطی اخذ وام بیشتر از سوی واحدهای دچار رکود منجر به افزایش معوقات بانکی می‌شود چرا که امکان بازپرداخت وام‌ها وجود ندارد.

۶- تسهیلاتی که به بانک‌ها

تکلیف می‌شود

طی سال‌های گذشته یکی از معضلات اصلی نظام بانکی فشار مسئولان دولتی برای پرداخت تسهیلات به طرح‌ها و پروژه‌های مدنظر مسئولان بوده است. اینگونه تسهیلات که به تسهیلات تکلیفی مشهور است، منجر به اختصاص بخشی از منابع بانکی به طرح‌های غیراقتصادی و در نتیجه معوق ماندن آن منابع می‌شود. نکته قابل تأمل در این موارد این است که تسهیلات بانکی عموماً با هدف تأمین مالی کوتاه‌مدت طراحی شده است و در بسیاری از پروژه‌ها به دلیل طولانی بودن مدت زمان تکمیل پروژه و حتی به طول انجامیدن بسیاری از طرح‌های اقتصادی و نیمه‌تمام ماندن آنها، منابع بانکی نیز معطل این طرح‌های نیمه‌تمام می‌ماند. / روزنامه خراسان



الزامات روش «مشارکت عمومی و خصوصی»

شهرام حلاج - پژوهشگر و مشاور طرح‌های عمرانی

پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

به زبان رسمی کشور و تصویب ترکیبی از مقررات مختلف است. برای این بازآفرینی، ما باید به درستی مطالعه، تفکر، گفت‌وگو و حل مسئله انجام دهیم و برای هریک از پرسش‌های پیش‌روی خود، پاسخ‌هایی این زمانی و این مکانی بیابیم. با چنین شیوه‌ای ما باید دریابیم که: چه کنیم تا تلاش کنونی ما برای توسعه روش‌های «مشارکت عمومی و خصوصی» یک اقدام بهره‌ور باشد؟ چه کنیم تا به اهداف موردنیاز ایران دهه ۱۳۹۰ برسیم و البته این اهداف را با هزینه‌هایی معقول و اقتصادی به دست آوریم؟ (یعنی اقداماتمان هم «اثربخش» باشد و هم «کارا»).

برای اجرای این تغییرات «اثربخش» و «کارا» در این محیط اداری و اجتماعی، باید قبل از هرچه به وضعیت و الزامات این محیط توجه کنیم. در اداره امور به روش تیول‌داری قاجاری، شازدگان یا دیگر اعضای وابسته به دربار، منطقه‌ای از مملکت را در اختیار می‌گرفت تا علاوه بر تأمین خراج مرکز، آن منطقه را همچون ملک طلق خود، در تصرف خویش نگه دارد و به هر نحو «دلخواه» خود به تمشیت امور، کسب درآمد، تحکیم قدرت و... بپردازد. با توجه به روش برخورد شازدگان با بخشی از مملکت که به تیول برداشته بودند. اکنون باید پرسید:

ساختار بوروکراتیک به ظاهر مدرنی که بر بستر اجتماعی و فرهنگی تیول‌داری قاجاری

آیا ما می‌خواهیم «سطح و ظاهر رفتار اخیر آنان را تقلید کنیم» یا «اصول و زیربنای منجر به موفقیت‌های آنان را کشف و استفاده کنیم»؟ اگر به مبانی آن تحول در جوامع موفق توجه نکنیم و اگر اصول حل مسئله آنان را به درستی درک نکنیم، شاید فقط لباس مشکلاتمان را عوض کنیم، اما مشکلات را درمان نکرده باشیم و بعد از مدتی اشتغال به لباس دوزی و تعویض ظاهر، مجبور به دوباره‌کاری شویم و حتی آنچه گمان می‌کردیم راه حل است خودش بخشی از مشکلات آینده باشد. در مسئله کنونی نیز حقیقت این است که در برخی جوامع دنیا، به این فهم رسیده‌اند که مشارکت نیروهای مختلف جامعه در حل مسائل لازم است. آن جوامع این تلاش را در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف و با روش‌های مختلف آزموده‌اند و توسعه داده‌اند؛ از جمله حدود دو دهه است که برای مدیریت طرح‌ها و پروژه‌های احداث دارایی‌های سرمایه‌ای، به گسترش دامنه بازیگران و نحوه بازی آنان در این پروژه‌ها نیز پرداخته و تلاش کرده‌اند که سازوکارهای این گسترش را فراهم کنند.

ما باید با پایبندی به «اصول جهانشمول توسعه»، «الگوی توسعه خویش» را در این موضوع نیز پی‌ریزی و بازآفرینی کنیم؛ البته این بسیار دشوارتر از گردآوردن تعدادی از مقررات کشورهای دیگر و ترجمه آنها

در وضعیت کنونی، نقاط کلیدی برای بهبود مدیریت پروژه‌های احداث دارایی‌های سرمایه‌ای در کشور ما، شباهت‌هایی با کشورهای دیگر دارد. اما تفاوت بسیاری با دیگر کشورها دارد. بنابراین ترجمه متون دیگر کشورها یا گزیده‌برداری نعل به نعل جزئیات فنی آنان، راهگشا نخواهد بود. بگذارید مثالی بزنیم: اگر قوانین و مقررات یکی از کشورهای اسکاندیناوی (که براساس رتبه‌های احساس فساد یا شفافیت وضع خوبی دارند) را به زبان یک کشور آشفته و فسادزده آسیا یا آفریقا ترجمه و در آن کشور منتشر کنیم، آیا مشکل فساد در آن کشور مقصد حل خواهد شد؟ پاسخ روشن است: نه، تقلید سطحی از ظاهر امور، درمان مشکلات نخواهد بود. واقعیت این است که در موضوع «مشارکت عمومی و خصوصی» - مانند بسیاری دیگر از امور و پدیده‌ها - یک تحول تازه در برخی جوامع دیگر رخ داده و آن تحول در آن جوامع، به دستاوردهایی در آن جوامع انجامیده است. از آنجا که ما به صراحت یا در باطن خود، آنان را جوامعی موفق می‌دانیم، اکنون برخی از ما دست‌اندرکاران، به منظور به دست آوردن همان دستاوردها، در پی ایجاد همان تحولات در جامعه خودمان هستیم، اما در اینجا باید علاوه بر مو، به پیچش مو نیز توجه و در همین فهم اولیه صورت مسئله دقت کرد:



بنا شد، چقدر تحت تاثیر همان تیول داری قاجاری قرار گرفت؟

شیوه مدیریت تیول دارانه متولیان هر بخش، چقدر خود را در ساختار بوروکراتیک امروزی ما بازتولید کرده است؟

شیوه‌های کارکنان دیوانسالاری جاری، چقدر شبیه آن است که حوزه مدیریتشان، تیول آنان است و باید خوب آن را در چنگ خویش بگیرند تا سهم خویش را گسترش و استمرار دهند؟

آیا چنین روش‌های تصرف و تحکیم اختیارات، در دستگاه‌های اجرایی کنونی مشاهده می‌شود؟

این شیوه چقدر در دستگاه‌های مختلف مقررات‌گذاری و برنامه‌ریزی و سطوح مختلف مدیریت‌ها مشاهده می‌شود؟

تمایل به انحصار در هر یک از بخش‌های نظام بوروکراتیک ما چگونه است؟

تلقی و برخورد ما با موضوع «مشارکت عمومی و خصوصی» - در وجه مختلف این موضوع از جمله مقررات‌گذاری آن - چقدر شبیه تیولداران قاجار است و چقدر شبیه معنای مقررات‌گذاری در جوامع موفق و توسعه یافته است؟

علاوه بر این، باید به صورت بنیادی پرسید: نقش‌ها و نسبت‌های «انواع قدرت» در جامعه ما چگونه است و چه تشابه و تفاوت‌هایی با جوامعی که می‌خواهیم از آنان تقلید کنیم، دارد؟

در کشوری مثل انگلستان، «قدرت سیاسی دولت» (که قدرت‌های مستقل و اثرگذار دیگری مانند «قدرت علمی جامعه دانشگاهی» و «قدرت سرمایه جامعه صنعتی» را در ساختار کشور ملاحظه کرده است)، به این اندیشیده که از تعامل و مشارکت این قطب‌های قدرت در پیشبرد پروژه‌های احداث دارایی‌های سرمایه‌ای، بیشتر و بهتر استفاده کند. بنابراین تلاش کرده است که چارچوب‌هایی پیش‌بینی‌پذیر، تعمیم‌پذیر، علنی (شفاف) و سرانجام دارای امکان رقابت بازیگران (با شرایط مساوی را) تعیین کند؛ یعنی «قواعد بازی مشارکت» را معین کند. آیا ما هم از «مقررات‌گذاری مشارکت بخش عمومی و خصوصی در ایران ۱۳۹۵» همین تلقی و مفهوم را داریم؟ آیا ما

هم در مسیر بسترسازی «مشارکت بخش عمومی و خصوصی»، رفتارهایی می‌کنیم که مؤید همان تلقی و فهم است؟

در کشوری، نیاز به مشارکت احساس شده و باور به آن شکل گرفته است. در آن بستر که جلب مشارکت از یک سو و مشارکت‌جویی از سوی دیگر، در نظر و عمل جاری است، روش‌ها و ساختارهایی برای مشارکت بیشتر در احداث پروژه‌ها پدید آورده‌اند. در چنان محیطی، آن روش‌ها و ساختارها رفته رفته رشد کرده و بهبود یافته است و «قواعدی برای این مشارکت» نیز به عنوان یک «نهاد» مهم شکل گرفته است. آنچه در مقطع زمانی کنونی بسیار مهم است، اینکه:

تولد و تشکیل این «نهاد» (قواعد یا مقررات)، در کشور ما چقدر با آنچه ذکر کردیم همانندی دارد؟

در حوزه‌های مقررات‌گذاری کشور، گاه مشاهده کرده‌ام که وقتی سه نفر دارند در این اتاق، مقررات یک حوزه را می‌نویسند، در همان دولت، در همان سازمان و حتی در همان دفتر، نفر چهارمی که در اتاق کناری دارد روی همان موضوعات کار می‌کند، اجازه نمی‌یابد از آنچه این سه نفر می‌نویسند، باخبر شود.

آیا این محیط و روحیه، می‌خواهد به توسعه مشارکت بینجامد؟

آیا چنین شیوه‌های انحصارگرایانه، می‌تواند به دستاوردهای مشارکت جوامع موفق دست یابد؟

در نظام تیول داری قاجار، هر شازده یا صاحب منصبی، بر گلوگاه بخشی از منافع عمومی می‌نشست، آن بخش را قرق می‌کرد و کسب‌وکار خودش را در آن بخش راه می‌انداخت؛ راه

بر هر کس دیگری بست، تا از تیول خویش بیشترین بهره را برای سالیان ببرد و... نظامات بوروکراتیک ما از چنان بستر اداری و سیاسی و فرهنگی سربرآورده‌اند؛ پس باید با دقت در برابر بازتولید آن برخوردها و تلقی‌ها مراقبت شوند. باید دقت کرد که هر مقررهای، رانتی در خود دارد. باید مدیریت کنیم که رانت‌های خوب مقررات حداکثر رانت‌های بد حداقل شوند. این مراقبت یا مدیریت رانت، از لحظه تولد فکر مقرر شروع می‌شود، تا تمام دوره تدوین و نیز دوره اجرا و سرانجام زمان نسخ آن مقرر نیز ادامه یابد.

ما برای مدیریت این رانت‌ها و جلوگیری از ایجاد انحصارات نوین در نظام بوروکراتیک کشور، چه اقداماتی می‌کنیم؟

آیا نویسندگان، کارشناسان و پژوهشگران نباید به روندهای مقررات‌گذاری حساس باشند؟

آیا آنان باید به صرف گرفتن سهمی از یک حوزه‌های بوروکراتیک دلخوش باشند؟

آیا وظیفه آنان، فقط آمارگیری و اعلام درصد خطاها و دستاوردها است؟

آیا وظیفه آنان حساسیت، اصلاح و بازخوانی انتقادی پدیده‌ها و رویه‌ها و تلاش و مشارکت مستمر در امور به منظور ارتقا و افزایش بهره‌وری نیست؟

اگر با این تحول تازه، عمیق برخورد نکنیم، ممکن است خود به مشکلی جدید تبدیل شود. ممکن است زایدی دیگر در نظام بوروکراتیک کشور ایجاد شود که آن نیز به نوبه خود سهم خود را خواهد. نوعی سهم‌سازی و سهم‌جویی که در بخش‌های مختلف شاهد آن بوده‌ایم.

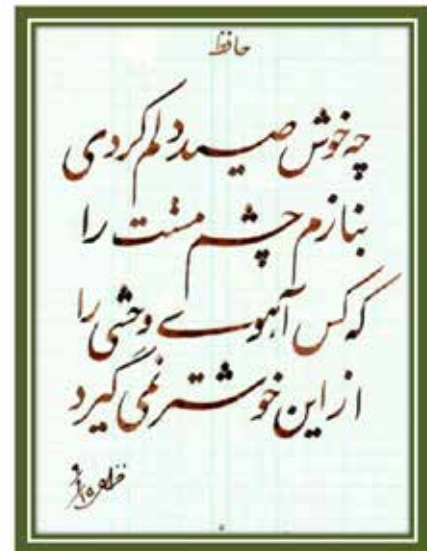
روزنامه دنیای اقتصاد

پاگرد در راه پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....
کمیسیون انتشارات

چه کسی می‌خواهد...

مشت رسوایان را وانکنیم
من اگر برخیزم
تو اگر برخیزی
همه بر می‌خیزند
من اگر بنشینم
تو اگر بنشینی
چه کسی بر خیزد؟
چه کسی با دشمن بستیزد؟
چه کسی
پنجه در پنجه‌ی هر دشمن دون
آویزد
دشت‌ها نام تو را می‌گویند
کوه‌ها شعر مرا می‌خوانند

با من اکنون چه نشستن‌ها، خاموشی‌ها
با تو اکنون چه فراموشی‌هاست
چه کسی می‌خواهد
من و تو ما نشویم
خانه‌اش ویران باد
من اگر ما نشوم، تنه‌ایم
تو اگر ما نشوی،
خوبشنتی
از کجا که من و تو
شور یکپارچگی را در شرق
باز برپا نکنیم
از کجا که من و تو



چرا با هم همکاری نمی‌کنیم؟

دکتر محمود سریع‌القلم



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

فرد نرمال، خوبی ببیند، خوبی می‌کند. اما اگر همین فرد نرمال حذف شود، بعد احتیاط می‌کند. وقتی به او خیانت شد، فاصله می‌گیرد. وقتی دروغ گفتند، بدبین می‌شود. وقتی فحاشی کردند، خود را منزوی می‌کند. وقتی از او سوء استفاده کردند، در محبت کردن تردید می‌کند. اگر شخصی در قبال محبت کردن، احترام گذاشتن، خوبی کردن، وظیفه شناس بودن، راستگو بودن، منصف بودن، واکنش‌های منفی و مخرب ببیند، چه روحیه‌ای برای همکاری خواهد داشت؟

وقتی از این سفر علمی به تهران برمی‌گشتم، عناوین روزنامه‌های فارسی را در هواپیما مطالعه می‌کردم. در یک عنوان گفته شده بود: ایرانی‌ها را تهدید نکنید. چند ستون آن طرف‌تر، چندین تهدید نسبت به کشورهای مختلف در اقصای نقاط جهان مطرح شده بود. هر کنشی واکنشی دارد، هر حرف ناپسندی پی‌آمدی دارد. در جهان فعلی عموماً سخن و عمل ناشایستی، بدون پاسخ نمی‌ماند. در چه شرایطی، شهروندان یک جامعه با هم همکاری می‌کنند؟ وقتی همکاری آن‌ها، جبران شود. همکاری و یا عدم همکاری هر دو نرمال هستند زیرا در مقام عکس‌العمل به رفتار دیگران انجام می‌پذیرد.

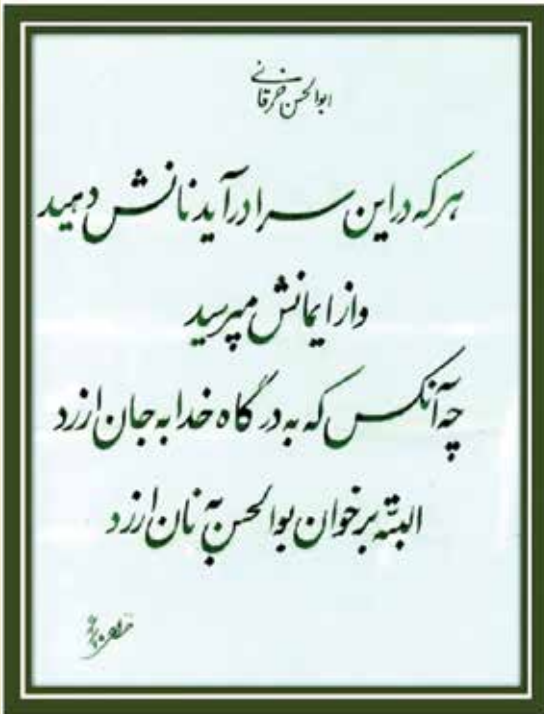
هستم، دانشکده و دانشگاه مرا در سه کمیته عضو کرده‌اند تا مشارکت کنم؛ دانشجو و استاد عموماً می‌خواهند بیاموزند؛ اغراق نکرده باشم اینجا خانه اصلی من است. محبت می‌کنم، محبت می‌بینم. راست می‌گویم، راست می‌گویند. بدی فردی را نمی‌خواهم، بدی مرا نمی‌خواهند. از دیگران انتظار نامعقول ندارم، از من انتظار نامعقول ندارند. وظایفم را انجام می‌دهم، وظایفشان را انجام می‌دهند. مشورت می‌کنم، مشورت می‌کنند. خیانت نمی‌کنم، خیانت نمی‌کنند. بدگویی نمی‌کنم، بدگویی نمی‌کنند. حذف نمی‌کنم، حذف نمی‌کنند. همکاری می‌کنم، همکاری می‌کنند.

تلقی و حسی که از این گفت‌وگو پیدا کردم این بود: چقدر این انسان حالت نرمال دارد.

شاید سوال دقیق‌تر این باشد که: اصلاً برای چه باید همکاری کنیم؟ چند سال پیش وقتی مهمان یک دانشگاه نیروزی بودم. یک استاد ایرانی الاصل آن دانشگاه بازدید از دانشگاه را به من پیشنهاد کرد. طی سه ساعت بازدید پیاده، او همچنان با شوق و اشتیاق و علاقمندی و وابستگی و دلبستگی به دانشگاه، از طرح‌های آن، کتابخانه آن، اهداف آن، ساختمان‌ها و نماهای آن و همکاران و بخش‌های اداری و مدیریتی دانشگاه سخن می‌گفت که مرا بیش از اهمیت خود دانشگاه تحت تأثیر قرار داد. در انتهای بازدید که به ناهار ختم شد از او علل شوق و اشتیاق را جویا شدم. گفت: محیط، خدمه، مدیریت و فضای آموزشی-پژوهشی این دانشگاه به من آرامش می‌دهد؛ همه به من احترام می‌گذارند؛ با آنکه ایرانی الاصل



حمید مصدق



کوه باید شد و ماند،
رود باید شد و رفت،
دشت باید شد و خواند
در من این جلوه‌ی اندوه ز چیست؟
در تو این قصه‌ی پرهیز که چه؟
در من این شعله‌ی عصبان نیاز،
در تو دمسردی پاییز - که چه؟
حرف را باید زدا!
درد را باید گفت!
سخن از مهر من و جور تو نیست
سخنی از
متلاشی شدن دوستی است،
و بحث بودن پندار سرور آور مهر
آشنایی با شور؟
و جدایی با درد؟
و نشستن در بهت فراموشی -
یا غرق غرور؟
سینه‌ام آینه‌ای است
با غباری از غم
تو به لبخندی از این آینه بزدای غبار

آشپان تهی دست مرا،
مرغ دستان تو پر می‌سازد
آه مگذار، که دستان من آن
اعتمادی که به دستان تو دارد به فراموشی‌ها بسپارد
آه مگذار که مرغان سپید دستت
دست پر مهر مرا سرو تهی بگذارد
من چه می‌گویم، آه...
با تو اکنون چه فراموشی‌ها؛
با من اکنون چه نشستن‌ها، خاموشی‌هاست
تو میندار که خاموشی من،
هست برهان فراموشی من
من اگر بر خیزم
تو اگر بر خیزی
همه بر می‌خیزند»

حمید مصدق

درست کرد: کار خوب را پاداش و کار بد را مجازات. علامت پارکینگی در آلمان اینگونه بود: این پارکینگ به هموطنان مسن ما اختصاص دارد. متخلف: حداقل ۱۵۰ یورو. حکمرانی خوب یعنی سیستم درست کردن: از نحوه پارک کردن تا امنیت آب‌های ایران در خلیج فارس. این روش نیاز به سخنرانی و جلسه را به یک صدم می‌رساند. بدون سیستم و قاعده‌مندی، هیچ امری اصلاح نمی‌شود. استاد ایرانی‌الاصل با دانشگاه نروژی همکاری می‌کند چون در یک سیستم قابل پیش‌بینی کار می‌کند. دروغ، ابهام، حذف و تبعیض در آن تعطیل است. طی نیم روزی که با او بودم به گونه‌ای رفتار نکرد که تصور کنم او مرکز ثقل جهان است، ادعایی نداشت، دائم سوال می‌کرد و نظر می‌پرسید. او جزئیات بازدید نیم‌روزه را از دو ماه قبل با من هماهنگ کرده بود. طبق توافق عمل کرد. نه پیچاند، نه حذف کرد، نه بدقولی خود را تغییر داد، نه بدگویی کرد، نه بدقولی کرد. در صورت و سیرتش، صدق و انسانیت موج می‌زد. او می‌گفت: در این جامعه، به ندرت افراد دروغ می‌گویند چون به دوستی و مسائل زندگی، دراز مدت نگاه می‌کنند. همکاری خود را با او ادامه خواهیم داد.

سیستم درست کنیم، ساختار درست کنیم، تقسیم کار کنیم، از هم بیاموزیم و همکاری کنیم. سخن این فرد مرا یاد سوال اوریانا فالاجی، روزنامه نگار ایتالیایی در اوایل ۱۳۵۰ از شاه انداخت: بسیاری کشورها شاه دارند، شما چرا خود را شاه شاهان خطاب می‌کنید؟ شاه در پاسخ گفت: اینجا همه شاه هستند، من شاه همه آن‌ها هستم. افراد نرمال وقتی همکاری می‌کنند که از جانب دیگران همکاری ببینند. این محتاج یک سیستم است. این سیستم به نوبه خود نیازمند قانون‌گرایی و شایسته‌سالاری است که هر شهروندی بنا به دانش، تجربه، و اهتمام خود در جایگاه شایسته، قرار می‌گیرد. در چارچوبی که شایسته‌سالاری نباشد، دروغ گفتن بدون مجازات بماند و غرور فرد برتر از مصلحت عام باشد، افراد نرمال همکاری نمی‌کنند. در این قالب، شهروندان به تدریج مدارهای اعتماد خود را محدود کرده و در جزایر خودساخته زندگی می‌کنند که جامعه شناسان به آن، ذره‌ای شدن جامعه می‌گویند. (Atomization of Society) همکاری کردن نیاز به پاداش معنوی، کلامی و عملی دارد. افراد در برابر کارهای بدی که انجام می‌دهند نباید مصونیت داشته باشند. برای انجام هر کار مثبتی باید سیستم

بخاطر فطرتی که دارد، انسان نرمال تمایل به خوبی دارد ولی وقتی در ساختاری قرار می‌گیرد که واکنش‌ها عموماً با احترام، محبت، خویش‌تنداری و قانون آمیخته نشده‌اند، حداقل این است که فاصله می‌گیرد، محتاط می‌شود و در یک دایره محدودی، خود را تعریف می‌کند. تا به حال تجربه کرده‌اید که وقتی در ترافیکی سنگین آرام رانندگی می‌کنید، ناگهان اتوموبیلی در شانه خاکی جاده سعی می‌کند از دیگران سبقت بگیرد ضمن اینکه فضا را آلوده می‌کند. در ذهن انسان نرمال این اندیشه شکل می‌گیرد که چرا من باید ساعت‌ها در ترافیک، قانون را رعایت کنیم و دیگری این کار را نمی‌کند؟ بحران‌ها در یک جامعه انباشته می‌شود زمانی که عده‌ای از حاشیه خاکی جاده حرکت کنند و قانون و مراتب و حقوق دیگران را رعایت نکنند. زمانی از یک پیرمرد ایرانی که انبوهی از علم و تجربه بود پرسیدم: مهم‌ترین مشکل ما در توسعه کشور چیست؟ اول باید کدام مسئله را حل کنیم تا بقیه تسلسلی حل شوند؟ کانون کجاست؟ او در پاسخ گفت: عموماً ماها غرق در خود، خواسته‌ها، منافع و آرزوهای خود هستیم. (Self-Absorption) این خصلت خودشیفتگی اجازه نمی‌دهد،



هدر رفت ۶ برابری انرژی در ایران نسبت به اروپا

در دومین همایش بین‌المللی اجرای قوانین انرژی در ساختمان مطرح شد



پیام‌آبادگران
آبان ۱۳۹۵
شماره ۳۴۸

معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی با اشاره به قانون الگوی انرژی تصریح کرد: انشاءالله امسال مبحث ۱۸ و آیین‌نامه مرتبط با آن را تصویب و اجرایی می‌کنیم. مظاهریان دومین بحث را مسئله تامین مالی عنوان کرد و افزود: چنین فرآیندهایی که طیف گسترده جامعه را در بر می‌گیرد از بعد تامین مالی بسیار مهم است. کاهش مصرف انرژی نیازمند تکنولوژی است و تکنولوژی به منابع مالی نیاز دارد. وی ادامه داد: بحث سوم موضوع نظارت است که باید تیم نظارتی ایجاد کنیم تا فرآیندها را تحت کنترل داشته باشند. مسئله آخر نیز اطلاع‌رسانی به مردم و متخصصین است که این سمینار نقش خوبی را در این خصوص ایفا می‌کند. معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی اصلاح تعرفه‌های برق و گاز را ضروری دانست و گفت: اصلاح تعرفه‌های برق و گاز با این

معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی با بیان این‌که جهان به یک اتفاق نظر در کاهش مصرف انرژی رسیده است، گفت: ایران متعهد شده که ۱۴ درصد میزان انرژی خود را کاهش دهد. در این بین بخش ساختمان جایگاه ویژه‌ای دارد و واحدهای صنعتی هم بسیار دارای اهمیت هستند و تامین مالی این هدف باید مورد توجه قرار گیرد. مظاهریان به وجود ۲۳ میلیون خانه در ایران اشاره کرد و ادامه داد: بخش ساختمان ۲۳ میلیون خانه را در ایران شامل می‌شود و دارای خانوار و اجزای کوچک‌تر است که به همان میزان تبعات اجتماعی زیادی را به دنبال دارد. وی تاکید کرد: در چهار بخش باید در این جهت حرکت کرد یک مورد قوانین است که لازم است تا براساس آیین‌نامه‌ها حمایت‌های لازم را از اقدامات صورت دهند که خوشبختانه قوانین و دستورات خوبی در این حوزه داریم.

دومین همایش اجرای قوانین انرژی در ساختمان روزهای ۱۰ و ۱۱ آبان ماه با حضور مقامات عالی‌وزارت خانه‌های راه و شهرسازی و نیرو، کمیسیون عمران و کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، روسای سازمان نظام مهندسی ساختمان و کشور و نیز با مشارکت انجمن‌ها و کارشناسان در محل سالن همایش‌های صدا و سیما برگزار شد. حامد مظاهریان در دومین همایش اجرای قوانین انرژی در ساختمان، اظهار کرد: از نقطه نظر جهانی بشر در میزان مصرف انرژی‌های فسیلی در وضعیت خطرناکی است. امروز بیش از هر زمان دیگری از منابع فسیلی برای تولید استفاده می‌شود. وی افزود: با این میزان مصرف انرژی تا ۱۴ سال دیگر ۱۵.۳ میلیون تن معادل نفت خام به مصرف خواهد رسید. این مسئله هم کاهش منابع انرژی را در پی دارد و هم این‌که بشر و کره زمین را مورد تهدید قرار می‌دهد.

هدف که خانوار به روشنی هدف و نتیجه آن را درک کند، می‌تواند یکی از اقدامات مهم در زمینه‌ی بهینه‌سازی مصرف انرژی باشد. مظاهریان هم‌چنین با بیان این‌که وزارت راه و شهرسازی به سرعت در حال اصلاح مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان است، اظهار کرد: آیین‌نامه ماده ۱۸ مورد مهم دیگری است. در این آیین‌نامه ساختمان‌ها به دو گروه دولتی و خصوصی تبدیل شده است و اگر اراده‌ای در این مورد است دولت باید اول از خودش شروع کند. بنابراین در بحثی از این آیین‌نامه مدت زمان مشخص برای این‌که دولت بتواند شرایط خود را با آیین‌نامه وفق دهد مشخص شده است و اگر این اقدام صورت نگیرد تنبیه‌هایی برای ادارات دولتی در نظر گرفته شده است. وی همچنین در خصوص ساختمان‌های خصوصی، ادامه داد: ساختمان‌های خصوصی به دو گروه موجود و در حال ساخت تقسیم می‌شود. در مورد ساختمان‌های در حال ساخت نباید شوخی کرد و قوانین از سوی سازمان‌های مسئول مثل شهرداری به شدت باید پیگیری شود.

معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی، ادامه داد: در بخش ساختمان‌های موجود برنامه این است که همه ساختمان‌هایی که قرار است مورد معامله قرار گیرد الزام و آیین‌نامه مبحث ۱۸ را باید رعایت کنند. مظاهریان خبر داد: استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان و یزد کاندیدا شده‌اند تا برای یک دوره آزمایشی آیین‌نامه مبحث ۱۸ در آنها اجرا و نتایج آن جمع‌بندی و بررسی شود.

همچنین محمد شکرچی‌زاده، رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، با بیان این‌که مقوله مصرف انرژی در کشور در حوزه ساختمان‌ها ارتباط نزدیکی با مبحث ۱۹ مقررات ملی دارد، گفت: نوعاً صحبت می‌شود اگر ما زمینه‌های اجرایی شدن این مبحث را در کشور فراهم کنیم کمک می‌کند تا به اهداف مان در صرفه‌جویی برسیم. وی ادامه داد: به نظر من صرفه‌جویی در مصرف انرژی را نتوانستیم به یک دغدغه عمومی در

کشور تبدیل کنیم؛ چه در میان مردم و چه در میان مسئولان.

شکرچی‌زاده با بیان این‌که مقوله انرژی با توجه به خسارتی که به محیط زیست و اقتصاد می‌زند، اظهار کرد: من به عنوان رییس مرکز تحقیقات راه و شهرسازی که تدوین آیین‌نامه و مقررات را انجام می‌دهیم می‌گویم که میزان رعایت مبحث ۱۹ مقررات ملی بیش از ۱۰-۱۵ درصد نیست که این مسئله یک هشدار است. رییس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی با طرح این سوال که با وجود دغدغه‌ها چه باید کرد، تصریح کرد: وظیفه مهم ما تدوین ضوابط و مقررات و به‌روز کردن آنها و استفاده از ظرفیت‌های قانونی از جمله قانون اصلاح الگوی مصرف است. البته در این زمینه اقدامات ناقص بوده و باید کامل‌تر شود. وی با اشاره به مبحث ۱۹ و کارهای جدیدی که در مورد آن صورت گرفته، خاطر نشان کرد: نیاز بود که مبحث ۱۹ بازنگری و تکمیل شود و این وظیفه ماست. در این خصوص بازخوردها و نظرات دریافت شد. دستور کاری ما به این صورت بود که در حوزه رفع ابهامات موجود، ساده‌سازی، متن، تکمیل پیوست‌ها، ارائه روش محاسبه، ضریب انتقال طرح در حالت‌های مختلف، تکمیل فصل‌های تاسیسات و تکمیل راه‌حل‌های تجویزی اقدام و عمل کردیم. شکرچی‌زاده

محمد شکرچی‌زاده، رئیس مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی:

به نظر من صرفه‌جویی در مصرف انرژی را نتوانستیم به یک دغدغه عمومی در کشور تبدیل کنیم؛ چه در میان مردم و چه در میان مسئولان.

تاکید کرد: رعایت مبحث ۱۹ می‌تواند برای حدود ۳۰ درصد ساختمان‌ها ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش انرژی را داشته باشد، حتی در برخی ساختمان‌ها تا ۵۰ درصد می‌تواند تاثیرگذار باشد.

در بخش دیگری از این همایش هوشنگ فلاحتیان معاون برق و انرژی وزارت نیرو، گزارشی از وضعیت برق در کشور ارائه داد و سپس وضعیت مصرف برق در ساختمان‌ها و سیاست‌های وزارت نیرو در زمینه بهینه‌سازی مصرف انرژی را تشریح کرد. وی با بیان این‌که مصرف برق در کشور ما از نرخ رشد هفت درصدی در ۳۵ سال گذشته برخوردار بوده، یادآور شد: دلیل عمده این مسئله افزایش شبکه‌های برق، قیمت پایین برق و افزایش رفاه مردم بوده است. معاون برق و انرژی وزارت نیرو افزود: ایران رتبه ۱۴ در دنیا و نخست خاورمیانه در حوزه تولید برق را به خود اختصاص می‌دهد. مطابق برنامه پنجم افزایش تولید برق از انرژی‌های نو و تجدیدپذیر از اهداف پیش‌روی ما است. فلاحتیان اظهار کرد: پرداخت‌های مردم براساس هزینه‌های تمام شده برق نیست. تعرفه می‌تواند ابزاری کارآمد برای بهینه‌سازی برق مشترکین باشد ولی کوتاهی در این امر موجب افزایش مصرف می‌شود. به گفته وی برآوردها نشان می‌دهد درصد هزینه مصرف برق در یک خانوار ایرانی حدود یک درصد از کل هزینه‌هاست و این روند مشکلات زیادی را در بخش انرژی برق ایران فراهم کرده است. معاون برق و انرژی وزارت نیرو ادامه داد: متوسط مصرف برق اقلیم‌های مختلف آب و هوایی کشور حدود ۲۷ درصد کل انرژی ساختمان است که عمده آن در تهویه مطبوع و سیستم‌های روشنایی مصرف می‌شود.

در ادامه شهردار شیراز نیز در این همایش با بیان این‌که طی ۲۰ سال اخیر اقدام چندانی برای کاهش مصرف انرژی صورت نگرفته است، عنوان کرد: هرچقدر آیین‌نامه و قوانین خوب نوشته شود اجرای آن بسیار مهم‌تر است و شهرداری‌ها در این موضوع نقش بسیار مهمی دارند. وی با بیان این‌که

سوخت وزارت نفت نیز استحصال انرژی در ایران را موضوع مهم و سختی عنوان کرد. وی افزود: سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در این حوزه در کشور صورت می‌گیرد و تلاش‌های بسیاری انجام شده تا این روند به بهترین شکل ممکن در بیاید و انرژی برای استفاده مردم تامین شود. مدیر عامل شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت وزارت نفت با اشاره به طرح جامع انرژی، اظهار کرد: طرح جامع انرژی با تلاش‌های زیادی تدوین شده و در چشم‌انداز آن به خوبی تشریح شده است و از این حیث ما به جزو شش کشور جهان هستیم که توانستیم این چشم‌انداز را تعیین کنیم. وکیلی به نمودار مصرف انرژی در سال ۱۳۹۳ اشاره کرد و گفت: مصرف بخش تجاری و خانگی در سال ۱۳۹۳ معادل ۴۳۰ میلیون بشکه نفت، یعنی ۲۲۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.

در دومین روز از همایش اجرای قوانین انرژی در ساختمان، کارگاه‌های تخصصی با حضور کارشناسان، صاحب نظران و مهندسان برگزار شد. همچنین چهار کارگاه تخصصی برگزار شد که نخستین کارگاه تخصصی تحت عنوان کارگاه کتاب راهنمای مبحث ۱۹ با حضور اساتیدی همچون دکتر بهروز کاری و دکتر مهدیه آبروش از مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی برگزار شد. کارگاه دوم مربوط به سیستم‌های مدیریت هوشمند ساختمان BMS با مشارکت سابا و ارائه خانم مهندس شاه حسینی بود. علاوه بر این کارگاه انرژی صفر با مشارکت مینا و ارائه مهندس ذوالفقاری و دکتر قربانی برگزار شد. همچنین کارگاه شیشه بهترین گزینه در بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان با مشارکت ونوس شیشه و ارائه خانم گیتی نوروزی، کارگاه روش‌های کاهش مصرف در انرژی در ساختمان با اجرای خشک نماهای آجری با مشارکت آجرنماچین با ارایه علی اخوان و کارگاه طرح برجسب انرژی ساختمان با نگاه جامع به مولفه‌های آب، برق و گاز با مشارکت معاونت مهندسی پدافند غیرعامل سپاه برگزار شد.



منابع می‌تواند بسیار برای توسعه کشور و سرمایه‌گذاری‌های جدید مفید باشد، بنابراین بهینه‌سازی در مصرف انرژی و استفاده بهینه از انرژی‌ها نقش مهمی را در توسعه کشور ایفا می‌کند. بی‌طرف با طرح این سوال که ما چه ظرفیت‌هایی برای افزایش بهره‌وری در کشور داریم، خاطر نشان کرد: یکی از این ظرفیت‌ها سازمان‌های نظام مهندسی در کشور هستند که می‌توانند در رابطه با هدف افزایش کارایی انرژی اقدامات مفیدی انجام دهند. رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران ادامه داد: از سویی دیگر ظرفیت‌هایی که در نظام فنی و اجرایی وجود دارد بسیار تاثیرگذارند. وکیلی مدیرعامل شرکت بهینه‌سازی مصرف

ما به این نتیجه رسیدیم که باید تحولی در بخش ساختمان ایجاد کنیم، اظهار کرد: ساختمان‌های ممتاز ایده ما برای ایجاد این تحول بود. با همکاری متخصصان و دست‌اندرکاران و تشکیل کارگروه‌های تخصصی این کار را پیگیری کردیم. شهردار شیراز ادامه داد: دستورالعمل‌های مختلفی در زمینه ساختمان‌های ممتاز نوشتیم و آنها را عملیاتی کردیم. نقش مهندسین در ساختمان‌ها بسیار پررنگ است. نقش سازندگان نیز بسیار برجسته است.

پاک‌فطرت به موارد مهم برای برخورداری از ساختمان‌های باکیفیت اشاره کرد و گفت: استفاده از تمام متخصصان مربوطه تحول در فرآیند ساخت و ساز، فاضلاب خاکستری و استفاده از آب باران، خودکفا بودن ساختمان در بخش انرژی، استفاده از انرژی‌های خورشیدی، توجه به زیست محیطی، توجه به سیمان و منظر شهر، افزایش کیفیت و ایمنی ساختمان‌ها از جمله مواردی است که باید جدی گرفته شود.

حبيب‌الله بی‌طرف رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران نیز دو شاخص مهم در بحث انرژی را شدت و سرانه مصرف انرژی در واحد سطح ساختمان عنوان کرد و افزود: در کشور ما این روند بسیار وحشتناک است و به ۱۵۰ واحد می‌رسد در صورتی که در کشورهای اروپایی این شاخص بین ۲۰ تا ۳۰ واحد است. وی ادامه داد: اگر از زاویه اتلاف انرژی به این دو مبحث نگاه کنیم

حبيب‌الله بی‌طرف رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران دو شاخص مهم در بحث انرژی را شدت و سرانه مصرف انرژی در واحد سطح ساختمان عنوان کرد و افزود: در کشور ما این روند بسیار وحشتناک است و به ۱۵۰ واحد می‌رسد در صورتی که در کشورهای اروپایی این شاخص بین ۲۰ تا ۳۰ واحد است.





ماندگاری سازمان‌ها در صنعت احداث استقرار نظام نوین مدیریت

■ مهندس محمدغنی زاده - قائم مقام سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران ■

تعریف سازمان

سازمان، چیدمانی هماهنگ از منابع و توانمندی‌ها برای انجام فعالیت با اهداف خاص است. یک سازمان توسط موسسان، مدیران، فرهیختگان پیش‌کشوتان و یا سازمان‌های مادر، در رشته‌های تخصصی تأسیس و به ارائه خدمات و احیاناً کسب ارزش افزوده می‌پردازد. سازمان‌ها موجودیت حقوقی داشته و در طبقه‌بندی‌های وسیع اعم از انتفاعی و غیرانتفاعی، صنفی، اجتماعی و... تعریف و در قانون مدنی و تجارت در اشکال مختلف کسب و کار مانند بنگاه، شرکت، مؤسسه و... به رسمیت شناخته شده‌اند.

این سازمان‌ها هستند که شریان اصلی حیات اجتماعی و فرهنگی، تولیدی و اقتصادی خود، صنف و جامعه محیطی را تشکیل می‌دهند.

تعریف چرخه حیات یک سازمان

دوره فعالیت از زمان تأسیس تا زمان افول فعالیت رسمی سازمان را می‌توان چرخه حیات سازمان نامید. چرخه حیات سازمان شباهت زیادی با چرخه حیات طبیعی دارد که به دو قسمت دوران رشد و دوران پیری تقسیم‌بندی می‌شوند. دوران رشد شامل مراحل ایجاد و تأسیس، طفولیت، رشد سریع، بلوغ، تکامل و ثبات و سپس دوران دیرینگی یا پیری که شامل مراحل اشرافیت، بوروکراسی اولیه و بوروکراسی ثانویه تا زمان مرگ سازمان تعریف شده است. این تعریف بدان معناست که سازمان‌ها در محیط طبیعی و توسط بنیان‌گذاران خود ایجاد و رشد و تکامل یافته و سپس فرتوت و فرسوده می‌شوند و به میزان زیادی سرنوشت آنها با سرنوشت مدیران و موسسان خود گره خورده است. آنچه زندگی سازمان‌ها و مدیران را از هم متفاوت می‌کند، فرآیند

اعمال شده مدیریت بر سازمان است که احیاناً عملکرد مشابهی روی بدن و حیات انسان‌ها نخواهد داشت. این فرآیند دمیدن دائمی روح تازه در دوران تکامل در سازمان است تا دوران تکامل و ثبات استمرار یابد. روح تازه را مدیران تازه می‌دمند. مدیریت ماندگار سازمان‌ها همواره به دنبال تازگی است.

سازمان‌های موجود در صنعت احداث

سازمان‌ها به ویژه در صنعت احداث به شکل امروزی آن توسط مدیران و مهندسانی تأسیس شده‌اند که چند سال پس از فارغ‌التحصیلی و ورود به چرخه فعالیت اجتماعی خود با همکاری دوستان، همکلاسان سابق، همکاران و یا اعضاء فامیل اقدام به تأسیس نهادی به نام شرکت نموده‌اند و معمولاً و در اغلب موارد موسسین سهامدار، خود مدیریت ارشد آن را به عهده گرفته‌اند.

چرخه حیات سنتی سازمان ها

در صنعت احداث

بنا بر ماهیت و روند مدیریتی "مسلط" بر شرکت های صنعت احداث (البته نه همه شرکت ها)، همانطور که یادآوری شد چرخه حیات شرکت ها ی ساختمانی در ایران با چرخه حیات مدیران و موسسان این شرکت ها انطباق دارد و معمولاً حول وحوش ۵۰ سال بطول می انجامد (از سی سالگی تا حول وحوش هشتاد سالگی عمر مدیر موسس). در غالب موارد این روند مدیریتی قائم به شخص بوده است و نه بر پایه یک ساختار سیستمی. بطوریکه برای ده ها سال سازمان یا شرکت تنها با نام مدیر اصلی و حداکثر چند مدیر ثابت اصلی شناخته می شود. در ایران این روند را ماندگاری مدیریت می دانند (بخوانید ماندگاری مدیر) و استحکام سازمان (بخوانید استحکام مدیر). به علاوه علی رغم حضور و وجود همکاران و شرکای لایق و مدیر، به علت عدم استقرار و اعمال سیستم علمی مدیریت، امور جاری صرفاً با اعمال فرماندهی مطلق موسس بعنوان مغز متفکر و بلامنازع، مجرب و متخصص تمام دوران صورت می گیرد اداره می شود! مثال های بسیاری هست که مدیریت لایق و ذیصلاح به نفع مدیر یا سهامدار مسلط کنار رفته، سازگار شده یا شرکت را ترک کرده است.

ارزیابی مدیریتی سنتی

شرایط مدیریتی این شرکت ها را چگونه ارزیابی می کنیم؟
آیا این روند درست کار کرده و قابل ادامه در فضای بی رقابت قبلی و در فضای دگرگونی جدید است؟
چرا طول حیات شرکت ها با طول عمر مدیران مؤسس خودگره خورده است؟ آیا سازمان ها و شرکت ها با مدیران دیرینه خود اعتبار دارند و با آنها آمده و می روند؟
با این شرایط و احوال و تا حال حاضر چند سازمان و مؤسسه و شرکت را در صنعت احداث سراغ داریم که سه نسل یا بیشتر دوام داشته باشند.

آیا حضور برنامه های منسجم راهبردی و سیستم مدیریتی پویا و نوگرا و دانش محور بوده است که احیاناً بقا و یا ارتقاء شرکت ها را تاکنون در صنعت احداث رقم زده است.

با شناخت و ارزیابی و کنترل علمی ریسک ها بوده است که منجر به استمرار خطی حیات شرکت تاکنون شده است؟

آیا این اعمال مدیریت دارائی های فیزیکی و پنهان شرکت ها بوده است که آنها را از آثار و تهدیدات محیط بیرونی مصون داشته است؟ (که چندان هم مصون هم نبوده است)

شرایط درونی و بیرونی چه تأثیری بر این روند طبیعی دارند.

آیا نیاز به تغییر است؟ آیا امکان تغییر شرایط وجود دارد؟ چرا تغییر؟

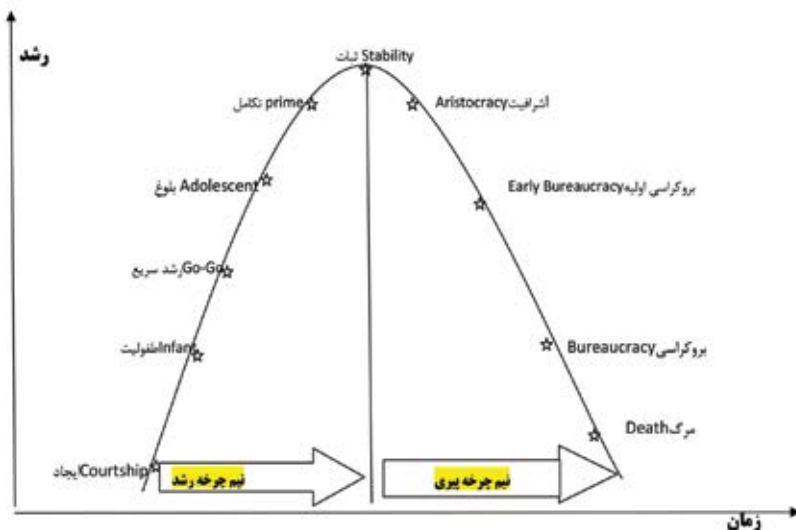
در چه ابعاد و گستره ای؟

در آن صورت پایداری بنگاه ها و شرکت ها را چگونه تعریف کنیم؟

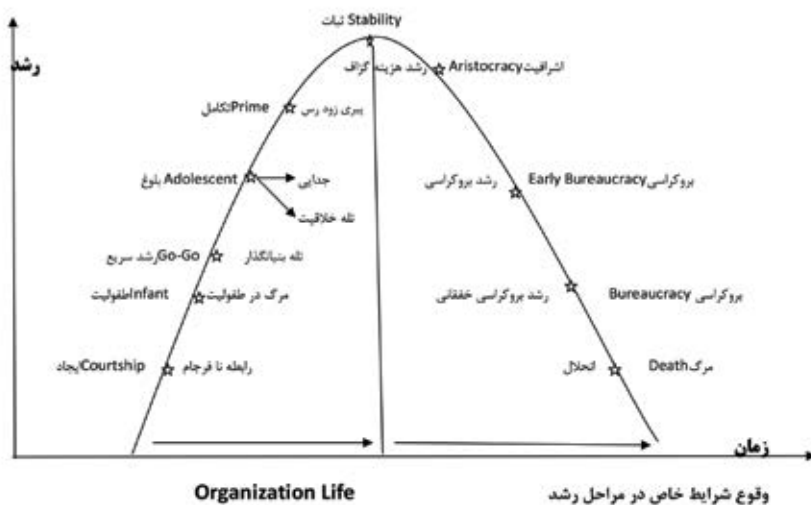
چرخه حیات سازمان

بگذارید چرخه حیات یک سازمان را مرور کنیم و ارتباط متقابل آن را با مدیریت را بررسی نمائیم.

به طور طبیعی و در صورت پایداری شرایط بیرونی و درونی (که خود شرط بزرگی است) روند و چرخه حیات یک سازمان، به مثابه یک روند زیستی، بر روی منحنی گوس یا منحنی نرمال حرکت می کند. آنچنان که آقای ایساک آدیزس (از اندیشمندان بزرگ مدیریت سازمان) برای ما تصویر کرده است:



Organization Life cycle (منحنی چرخه حیات سازمانها)



Organization Life

وقوع شرایط خاص در مراحل رشد

شرح چرخه رشد و پیری سازمان

۱- ایجاد:

اولین دوره از چرخه عمر سازمانی زمان تأسیس یا تشکیل است. در این زمان سازمان هنوز متولد نشده بلکه کماکان به صورت ایده‌ای در حال نضج و شکل‌گیری است. در این دوره آماده‌سازی صورت می‌گیرد.

۲- طفولیت:

دوره بعد از تولد و شروع به عملیات: در این دوره با شروع فعالیت مخاطرات ماهیت موسسه دگرگون می‌شود و تعهدات از راه می‌رسند. ایده‌ها و احتمالات باید به نتیجه‌یابی تغییر و به تولید و فروش بپردازد. در دوره طفولیت مشکلاتی برای سازمان ایجاد می‌شود که عمدتاً عمل‌زدگی یا Action Oriented استفاده از فرصت‌ها در نتیجه عملکرد در اجراست.

۳- رشد سریع:

همانطور که اشاره شد در دوره ایجاد صرفاً ایده وجود دارد و در دوره طفولیت ایده‌ها اجرائی می‌شود و سازمان بر مشکل کمبود نقدینگی فائق می‌شود و میزان فروش افزایش می‌یابد. شرایط رشد سریع بنیانگذار و موسسه‌اش را به غرور و تکبر بزرگ دچار می‌کند.

۴- بلوغ:

در دوره بلوغ سازمان تولدی دوباره می‌یابد و متفاوت از بنیان‌گذارانش عمل می‌کند. در این دوره گذار ابهام و تناقض و بی‌ثباتی در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های میان فردی و سازمانی مشاهده می‌شود. این شرایط مقابله قدیمی‌ها و نوگراها را به دنبال دارد که نتیجه آن بروز بی‌ثباتی در اهداف، ناهماهنگی در سیستم‌ها خواهد بود. نتیجه این شرایط و میزان موفقیت هر گروه به میزان زیادی در ورود به دوره تکامل تعیین‌کننده خواهد بود.

۵- تکامل:

در دوره تکامل شرایط زیر حاکم می‌شود:

■ نگاه استراتژیک و بلندمدت بر سازمان حاکم می‌شود

■ سیستم‌های تخصصی و حرفه‌ای و ارتقاء کیفیت استقرار و توسعه می‌یابد

■ دیدگاه تفکر خلاق و کارآفرین نهادینه می‌شود

■ دیدگاه نتیجه‌گرا در سازمان نهادینه می‌شود

■ سازمان از لحاظ کمی (تولید، فروش و توسعه، دارائی) و بهره‌وری (راندمان، کیفیت و سود) رشد می‌یابد.

■ دوره رونق فرا می‌رسد.

■ تفاوت بین بودجه و برنامه و عملکرد کاهش می‌یابد.

۶- پایداری

■ در کوران تلاش در راه تکامل و در جهت رشد و پایداری ممکن است دو رویکرد در مدیریت حادث شود:

رویکرد اول در دوره پایداری

ادامه حضور مدیران موسس و دیرینه در دوره رشد سریع و بلوغ و ادامه برنامه‌های اولیه طفولیت تا زمان پایداری، باعث تأثیر و ایجاد شرایطی خاص در مدیریت و سازمان خواهد شد که عمدتاً مربوط به خصوصیات رفتاری بنیانگذاران سازمان و بخشی از آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ناباوری به اصل خطای مدیریت به علت موفقیت تا رسیدن به مرحله تثبیت سازمان
۲- کاهش روحیه ریسک‌پذیری بنیانگذار به علت فرسایش سنی

۳- روحیه پدرسالاری در بنیان‌گذاران سازمان تحت تأثیر فرهنگ عمومی مناسبات خانوادگی و بازتولید آن در سازمان‌های کار
۴- عدم شناخت و آمادگی پیش‌کسوت به ایفای نقش رهبری به جای استمرار مدیریت طاقت‌فرسای سنتی

۵- روحیه عدم پذیرش و استفاده از هم‌آفرینی و هم‌آفرینی دیگر مدیران و کارکنان
۶- باور سنتی به کارکنان مطیع و تسلیم بلاشرط که ناشی از فرهنگ مدیریت از بالاست

۷- پیدایش احتمالی روحیه دریافت تمجید و تأیید و ستایش از عملکرد مدیران، توسط

اعضای سازمان

۸- استمرار روحیه برتری‌جویی و متکلم وحده بودن و عدم آمادگی شنیدن نظرات مخالف مدیران و کارکنان

۹- پیدایش احتمالی روحیه فراقنی خطاها و کمبودها به زیرمجموعه سازمان و به نوعی دنبال مقصر گشتن در مناسبات سازمانی

۱۰- عدم تمایل به تغییر، با جایگزینی ساختار مدیریتی به جای ساختار مالکیتی

در این شرایط:

■ انگیزه‌های رشد در مدیریت کاهش می‌یابد.

■ رویکرد ضعیف‌تری نسبت به بازارهای جدید مشهود می‌شود.

■ نسبت به تغییر و توسعه بدگمانی و مقاومت به وجود می‌آید.

■ در این صورت پیری زودرس در دوره پایداری حتمی است. بدین صورت:

- خروج تدریجی از دوره تکامل آغاز می‌شود.
- سرعت رشد و پیشرفت کاهش می‌یابد تا به صفر برسد.

- آنگاه دوره رشد منفی فرا می‌رسد و به همین دلیل پایداری سازمان بیش از پیش هزینه‌بر می‌شود.

- کارکنان مطیع بیشتر مورد تشویق واقع می‌شوند.

- توجه بیش از حد به روابط بین پرسنل معطوف می‌شود.

- به تدریج توجه به محیط بیرونی، به مشتری و به توسعه کاسته می‌شود و دوران فرسایش اعتبار و دارائی‌های سازمان، دوران میرائی فرا می‌رسد.

رویکرد دوم در دوره پایداری

■ وجود تمایل و تازگی در مدیران و اشتیاق به تغییرات و گسترش و رفع نیازهای توسعه و رشد
■ در این صورت، شتاب رشد مثبت و افزایش خواهد یافت و کماکان منحنی تکامل به طرف اوج خواهد رفت. بهره‌وری افزایش یافته و دوران اشرافیت و بوروکراسی را به تأخیر انداخته و ماندگاری را طولانی خواهد کرد.



۷- اشرافیت:

دوره اشرافیت در ادامه دوره پایداری به وقوع می‌پیوندد. در واقع پس از توقف دوره تکامل تا زمانی وضعیت سازمان به پشتوانه اندوخته‌های دوره تکامل تثبیت است. دوران پایداری است که زمینه اشرافیت سازمان را رقم می‌زند چرا که انگیزه‌های توسعه و تغییر و ارتقاء کمرنگ شده است و انباشته‌هاست که زندگی درونی سازمان را اداره می‌کند.

ویژگی‌های این دوره عبارتست از:

- منابع مالی در فعالیتهای کنترل سیستم، کماکان سودآوری و تشکیلات داخلی به کار برده می‌شود.
- به جای "چه کار و چرا" چگونگی آنچه در گذشته انجام شده است مورد تأکید قرار می‌گیرد.
- امور تشریفاتی در پوشش سنت‌ها بیشتر ظاهر می‌شود.
- انگیزه‌های نوآوری ضعیف است و به بالندگی خود تکیه می‌کند.
- در این دوره سازمان ثروتمند است.

۸- بوروکراسی اولیه:

استمرار دوره از اشرافیت رواج بوروکراسی است با ویژگی‌های:

- در این دوره به جای رفع مشکل به دنبال مقصر می‌گردند.
- مبارزه تن به تن در سازمان و پاپوش‌سازی برای یکدیگر رشد می‌کند.
- سوءظن در مدیریت و کارکنان سازمان رواج پیدا می‌کند.
- توجه عمده به جنگ داخلی است و محیط و تغییر محیط بیرونی و تأثیرات آن تحت الشعاع قرار می‌گیرد.
- در این دوره مشتری یک مزاحم تلقی و چندان بدو پرداخته نمی‌شود.

۹- بوروکراسی ثانویه:

- استمرار بوروکراسی منجر به شرایطی می‌گردد که دیگر فرآیند حفظ و ایجاد منابع دنبال نمی‌شود.
- عمده توجه به حفظ و بقا معطوف به خود است و هیچگونه وابستگی با محیط خارج ندارد.
- ادامه حیات نه با عملکرد خوب بلکه تنها با این واقعیت که سازمان هنوز وجود دارد توجیه می‌شود.
- سیستم‌های فراوانی در سازمان وجود دارد ولی بدون یابا عملکرد ناچیز.
- با کمک سیستم پشتیبانی سازمان یک زندگی مصنوعی را ادامه و مرگ سازمان را به

تعویق می‌اندازند.

- در این دوره دیگر هیچگونه کنترلی در سازمان وجود ندارد.

۱۰- مرگ یک سازمان:

دوران بوروکراسی ثانویه اگر طولانی شود و زندگی مصنوعی سازمان با توجیهات مدیریتی ادامه یابد دارائی‌های فیزیکی یکی پس از دیگری فرسوده، فروخته یا هزینه بقا می‌شود ولی شاید مهمترین نقطه عطف در این مقطع از دست دادن دارائی اصلی یعنی ماندگاری است که به مثابه فرو افتادن سهام شرکت به سمت صفر است.

در این مرحله سرنوشت سازمان یا به طرف انحلال است یا اعلام ورشکستگی یا فروش سهام با ثمن بخس!

چرخه عمر و ماندگاری سازمان‌ها در کشورهای پیشرفته به طور متوسط بیش از یکصدسال است و در کشورما بیست تا سی سال. چرا؟

عوامل و متغیرهای موثر در روند و چرخه عمر سازمان‌ها (ماندگاری) کدامند؟

- آیا در مقطعی که برای چرخه عمر بیان

گردید امکان تغییر شرایط وجود دارد ؟

الف- شرایط درون سازمانی شرکت‌ها در صنعت احداث تانکون:

■ باید این واقعیت را قبول کرد که مدیریت‌ها در صنعت احداث به طور کلی رقابتی نبوده است که انگیزه‌های ارتقا سازمانی در آن به صورت الزام مطرح باشد.

■ یکی از دلایل ماندگاری شرکت‌ها در ایران زمان گذشته همین نبود فضای رقابتی و پائین بودن ریسک‌ها بوده است.

■ در مبحث رشد و توسعه، رکود و عدم تغییر باعث فرسایش سازمانی است. این فرسایش در ابعاد سازمانی منتج به عدم استفاده از خلاقیت مدیران و کارکنان، عقب افتادن از دانش و فناوری و تخصص و مهارت نیروی انسانی، نبود برنامه‌های نو سازی و بازسازی، عدم باور و پیگیری برنامه راهبردی مدون با چشم‌انداز مشخص و نقشه استراتژیک در سطح مدیران که در آن دانش، روزآمدی و آموزش مستمر نقش اساسی داشته باشند.

■ عدم شناخت ارزش واقعی دارائی‌های فیزیکی و غیرفیزیکی سازمان و نبود دانش حفظ و ارتقا دارائی‌ها

■ عدم شناخت اثرات سرمایه‌گذاری نوین در مدیریت‌های پیشرو و استاندارد و نگرانی از عدم بازگشت سرمایه از هزینه کرد در آموزش روزآمد علم و تکنولوژی، استاندارد سازی، مدیریت ریسک و HSE

■ سیستم کنترل در تحلیل بازخوردها و نتایج و اصلاح سیستمها که یا فرآیندی نیست یا اصولا پیگیری نمی‌شود، یا قائم به تشخیص و قضاوت مدیر بلامنازع است.

■ سیستم‌های نوین خود کنترلی زیرسیستم‌ها که اصولا شناخته شده و در مدیریت‌های ما کماکان اجرائی نیست.

■ تمرکز مدیریت‌های ریسک و منابع عمدتا در نزد مدیر پیشکسوت (به ویژه نیروی انسانی، ماشین‌آلات و مالی و مهم‌تر از همه مدیریت دارائی‌های غیرفیزیکی و پنهان) به طور خلاصه بی تفاوتی به دانش جدید مدیریت، به نسل جدید مدیران و عدم توجه، شناخت و واکاوی علمی محیط

بیرونی آفت اصلی مدیریت‌های فرسایشی تاکنون بوده است.

ماندگاری

سازمانها خود دارائی غیرفیزیکی هستند و منابع انسانی از بزرگترین دارائی‌های فیزیکی، اینها بستر و عامل اصلی ماندگاری و توانمندی یک سازمان هستند. ماندگاری سازمان‌ها در طول زمان به مثابه افزایش سرمایه مستمر سازمان است. برای ماندگاری بایستی لحظات نیاز به تغییر و لحظات تغییر و خود تغییر را به درستی شناخت. اینها تنها توسط نوگراها، کارآفرینان و هم‌آفرینان درون (و حتی بیرون سازمان) و نه مدیریت دیرینه و دیرپا قابل دسترسی است.

مدیریت‌های دیرینه کمتر برای گریز از تاروپودهای تخصص و تجربه قدیمی را دارند که تغییر ایجاد کنند. چالش اصلی آنان راهکار سپردن سازمان به نوگراهاست.

ماندگاری سازمان‌های صنعت احداث تحت تاثیر عوامل درون سازمانی و برون سازمانی است

عوامل و موانع درون سازمانی:

الف- موانع ساختاری و سیستمی سازمان
ب- خصوصیات فردی بنیانگذاران سازمان

الف: موانع ساختاری و سیستمی در عدم ماندگاری سازمان

■ تکیه بر تحلیل‌های شخصی ناشی از تجربه و تخصص دیرینه مدیران مؤسس

■ عدم بررسی و شناخت محیط بیرونی به صورت علمی، صنفی و آکادمیک

■ مدیریت خطی با منابع و پارامترها و شیوه‌های ثابت در تمام دوره مدیریت‌ها

■ مقاومت در برابر مدیران نوگرا و تحول‌گرا

■ عدم بازآموزی و روزآمدی مدیران و کارکنان به علت ذهنیت‌های فردی مدیر دیرینه

■ عدم باور و سرمایه‌گذاری در تجهیز مدیریت به ابزار و شیوه‌های نوین مدیریت.

■ نگرانی از عدم بازگشت سرمایه‌گذاری در آموزش و استقرار مدیریت‌ها و

استانداردهای نوین

■ نبود اراده و انعطاف سازمانی به منظور ایجاد تغییر

■ مدیریت سنتی قائم به شخص به عنوان اصل بلامنازع ماندگاری و پایداری سازمان شناخته می‌شود

■ اصالت و حاکمیت دادن به تجربه و دانش مدیریت دیرینه در هرگونه تصمیم و برنامه‌ریزی

■ ناپاوری به برنامه استراتژیک میان مدت و درازمدت و لاجرم نبود استراتژی‌های علمی و پایدار

■ طراحی و هدایت برنامه‌های کوتاه مدت به صورت دستوری

■ به استاندارد سازی صرفا به صورت یک الزام و مزیت شکلی و هزینه‌کرد نگرستن (و نه عامل ارتقاء کمی و کیفی سازمان)

خصوصیات فردی بنیانگذاران

در عدم ماندگاری سازمان

■ بنیان‌گذار و مدیر دیرینه پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه و رسیدن به مرحله تکامل سازمان، این موفقیت را با کسی تقسیم نمی‌کند و در صورت کهولت و خستگی و دیگر عوامل، ریسک اعتماد به دیگر مدیران داخلی و حتی مدیران شایسته بیرونی را نمی‌پذیرد.

■ مدیر دیرینه در صورت ورود به دوران پایداری و اشرافیت سازمان، انگیزه‌های تغییر را با استفاده از توان فردی کسان کسان و تکیه بر تجربه و تخصص و موفقیت دوران رشد به پیش می‌برد بدون اینکه نیازی به استفاده از دانش و فناوری روز یا دانش‌ورزان و کارآفرینان حرفه‌ای از درون یا بیرون سازمان احساس کند.

■ عموماً بنیانگذار با اتکاء به قدرت فردی در سازمان خود به صورت یک فعال مایشاء (one man show) عمل می‌کند و به دلیل عدم دخالت دیگران در تصمیم‌یابی و تصمیم‌سازی، به محض کناره‌گیری بنیانگذار سازمان دچار خلا و از گردونه فعالیت خارج می‌شود.

■ مدیران با روش سنتی، خود ریل حرکت قطار سازمان هستند و در غیاب و کناره‌گیری



یا فرسودگی ایشان این ریل از کار می‌افتد.

■ بنیانگذار در طول دوران مدیریت خود و به علت حضور مشکلات در دوره رشد و بلوغ و تا لحظه ثبات (اوج منحنی عمر سازمان) و بعضاً به علت عوامل ساختاری و نگاه‌های یک سویه خود توان لازم، برای تغییر و برنامه‌ریزی طولانی‌مدت را نداشته و یا فاقد دانش روز برای برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز ماندگاری سازمان خود می‌باشد و حتی نمی‌تواند از پارادایم‌ها و سازوکارهای ماندگاری شرکت‌های موفق و یا مدیران موفق استفاده کند.

■ ناباوری ذهنی نسبت به کار سیستماتیک یا هماهنگی و هم‌آفرینی با دیگر مدیران و کارکنان

■ مجهز نبودن به دانش و فناوری روز و لاجرم ناباوری به آن

■ بیگانگی با آموزش روز به خود و دیگران و هزینه دانستن آن آموزش

■ بها ندادن به کارکنان و مدیران نوگرا و آینده پژوه به علت عدم تفاهم با آنها و لاجرم نداشتن اعتماد به آنها.

پرسش‌ها و ابهامات مدیران پیش‌کسوت شرکت‌ها در برابر این چالش‌ها:

■ صرف‌نظر از اینکه اعتماد مدیر ارشد را جلب کرده یا نکرده باشند، دیگر مدیران دیرینه

همکار یا سهامدار سازمان به پیروی از خط مشی و عملکرد مدیر ارشد در پروسه‌های تغییر و آموزش و ارتقا دوره رشد تا پایداری قرار نگرفته‌اند و احیاناً از کارآفرینی و هم‌آفرینی و نوآوری دور افتاده، آنها نیز بدان باور ندارند.

■ ورود به مبحث مدیریت فعال به منظور پایداری و ماندگاری سازمان‌ها، نیازمند وجود و حضور مدیران شایسته قابل اعتماد است که از درون ویا بیرون سازمان قابل جستجو و دسترسی باشند.

■ با توصیف فوق مدیران ارشد بنا به اعتماد نفس شخصی و تحت نفوذ و تبعیت قراردادن مدیران همکار، به وضوح به مدیریت و شایستگی آنها اعتماد ندارند و این موضوع برای مدیران بیرونی نیز صادق است.

عوامل برون‌سازمانی ماندگاری

الف - محیط بیرونی صنفی

■ دوری و ممنوعیت از دسترسی به تجهیزات و ابزار و فناوری نوین بین‌المللی
■ دوری از بازارهای بالقوه داخلی و خارجی
■ کمبود نظام آموزشی تخصصی و مهارتی و مدیریتی روزآمد در سطح تشکله‌ها و نهادهای ذیربط

■ نبود وفاق و اتحاد صنفی، نبود حمایت‌های صنفی در بحران، نبود صندوق‌های ضمانت

صنفی، نبود حمایت‌های دولتی

ب- محیط بیرونی عمومی داخلی

آنچه در محیط بیرونی صنعت احداث باعث عقب ماندگی یا توقف گردیده است رکود، تورم، تحریم، بی‌ثباتی اقتصادی، نوسانات نرخ ارز، نبود شفافیت و ثبات قانونی، تعدد قوانین و آئین‌نامه‌های متضاد، فضای ناسالم رقابتی، فساد اداری و بوروکراسی دست و پا گیر، فضای نامناسب سرمایه‌گذاری و هزینه‌های جذب و بازگشت سرمایه بوده است.

شرایط محیط بیرونی در دهه‌های اخیر بسیاری از شرکتها و سازمانها در صنعت احداث را از گردونه رقابت و فعالیت خارج نموده است در حالیکه ممکن است محیط درونی قابل قبولی نیز داشته‌اند.

- مهمترین عامل بیرونی زمان کنونی تغییرات شگرف در حال وقوع در دنیای دیجیتال و در دوران مشهور به دوره فرانوگرایی است که صنعت احداث را نیز بشدت تحت الشعاع قرار خواهد داد. از جمله:

■ منابع برنامه‌ریزی دیگر ساکن و ثابت نیستند و دائم و به سرعت در حال تغییر شکل و تغییر ماهیت هستند. ارزیابی ریسکهای منفک و جزیره‌ای یا طبقه‌بندی شده بدون اثرات متقابل منسوخ است چرا که دیگر با طیف‌هایی از ریسک

و بیم‌ها روبرو هستیم!

صنعت احداث در ایران باید همراه و همگام با جهان امروزی به دوران چهارم صنعتی یعنی دیجیتال ورود کند و تغییرات پرشتاب در همه ارکان و روابط کار، مدیریت و مشاغل و تکنولوژی را بشناسد و به سرعت از مدیریت سنتی با استفاده از ابزار تجربه و تخصص را کد بر کارکنان تابع دست بردارد. از هم اینک مدیریت و برنامه‌ریزی خطی آینده با پارامترهای مشخص در استمرار و تکرار گذشته به یکباره منسوخ و باطل است. آینده باید توسط ذهن‌های خلاق کشف شود، تصویر شود و هنرمندانه همه احتمالات ممکن را سناریو نماید. ما دیگر با ارقام نزدیک به یقین تخمینی سروکار نخواهیم داشت. بلکه با عدم قطعیت‌ها و متغیرها و طیفی از ریسک‌ها و بیم‌های ناشناخته روبرو خواهیم بود که هرآن‌ها را شوکه خواهند کرد و امکان هرگونه برنامه‌ریزی سنتی را از ما خواهند گرفت.

■ افق مدیریت جدید دیگر یکساله و پنج ساله نیست. باید دهه‌ها و سده‌های محتمل غیرقابل پیش‌بینی را انتظار داشت؟ گذشته چند هزار ساله بشر دیگر در مقابل کهکشان روزانه اطلاعات و تغییرات چندان کاربردی ندارد و آینده است که باید کشف شود. این ذهن نوگرا و نوآفرین می‌خواهد.

۲-ج- موانع بیرونی ماندگاری دولتی:

دولت‌ها در ایران کماکان از کمبود یک نظام کارآمد مدیریتی رنج می‌برند. اساس توسعه تاکنون در ایران نفت بوده است.

واقعیت این است که مجموعه هزینه‌های زیربنایی و خدمات دولت کماکان و عمدتاً از طریق درآمد نفت تأمین گردیده است و نوسانات قیمت و درآمد نفت، توسعه نوسانی را از سوی برنامه‌ریز دولتی به دنبال داشته است. بخش خصوصی عمرانی هم که عمدتاً از بودجه تخصیصی دولتی ارتزاق می‌کند مواجه با رکود و یا احیاناً توسعه ناشی از نوسانات فوق می‌گردد. در این شرایط صرفاً رفتار، سیاست و رویکردهای دولت است که ممکن است بخش خصوصی را سرپا نگه دارد

نه خود بخش خصوصی.

موانع و عوامل دولتی عدم ماندگاری به شرح زیر قابل شمارش است:

۱- عدم ارتباط و نبود فرهنگ تعامل صحیح و عملی بین سیستم‌های تحقیقاتی، مطالعاتی، دانشگاهی و سایر مراکز تحقیقاتی دولتی کشور با نوع کارکرد و فعالیت‌های بخش خصوصی
۲- عدم قبول پیاده‌سازی و اجرای واقعی اصل ۴۴ قانون اساسی و سند چشم‌انداز در میان مدیران میانی بخش دولتی در امر خصوصی‌سازی تا چشم‌انداز ۱۴۰۴ برای توانمندی عمومی بخش خصوصی و به تبع آن بنگاه‌ها و شرکتها

۳- عدم توافق کامل و همه جانبه قوای تصمیم‌گیر در کشور (قوه مقننه، قوه مجریه) در زمینه نقش بخش خصوصی

۴- عدم وجود شرایط لازم برای ایجاد اعتمادسازی میان بخش دولتی و خصوصی
۵- نبود استراتژی مشخص برای پشتیبانی از بخش خصوصی (از نظر مالی، عملیاتی، حقوقی، قرارداد) برای حضور در پروژه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

۶- عدم توجه کافی به قابلیت صدور خدمات فنی و مهندسی به حداقل ۵۰ کشور جهان با بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار فرصت سرمایه‌گذاری (سه‌م ایران از این بازار ۳ میلیارد دلار نیز کمتر است) در حالیکه رقم ۲۵ میلیارد دلار توان فعلی انجام و صدور خدمات مهندسی ایران شناسائی شده است و تا ۶۰ میلیارد دلار نیز قابل حصول است.

۷- عدم نگاه برابر و عادلانه بخش دولتی به کارگزاران و کارآفرینان بخش خصوصی

۸- عدم وجود یک مرجع قانونی فصل‌الخطاب لازم و کافی و از نظر قوانین و مقررات حاکم بین روابط کارفرمایی با پیمانکاران بخش خصوصی

۹- عدم استقرار نظامات مالی، بانکی و بیمه‌ای استاندارد برای پشتیبانی و حمایت از بخش خصوصی

راهکارهای ماندگاری سازمان با اصول و

شیوه‌های نوین مدیریت:

آسیب‌شناسی مدیریت در سازمان‌های

پیش‌کسوت، راهبردهای درازمدت سازمانها را به سوی علاج بخشی عارضه عدم ماندگاری قبل یا در مرحله تکامل سازمان رهنمون می‌گردد. سازمان‌ها همچون موجودات زنده دوره‌های مختلفی از عمر را سپری می‌کنند. مدیران توانمند و هوشمند قدرت آنرا دارند که سازمان را در بهترین شرایط عمر یعنی در مرحله تکامل (Prime) تثبیت و تحکیم و چرخه عمر سازمان را ورای عمر سازمانی مدیران و موسسان گسترش دهند. بدین ترتیب می‌توانیم چرخه عمر سازمانها در صنعت احداث را در ایران نیز از ۲۰ تا ۳۰ سال به یکصد سال و بیش از آن افزایش دهیم. اما روش‌های تحکیم و تثبیت عمر سازمانی دیگر با روش‌های مدیریتی فعلی امکان‌پذیر و پایا نخواهد بود. ابقاء این شرایط در حالیکه فشار تحولات بیرونی را نیز بر سازمان‌ها شاهد هستیم نه تنها به کاهش هرچه بیشتر چرخه عمر شرکت‌ها خواهد انجامید بلکه مارا با دگرگونی‌ها و رویکردهای نوین دنیای مدیریت نیز بیش از پیش دور و بیگانه خواهد نمود.

■ به طور کلی باید گفت: در هر مرحله‌ای که از چرخه عمر سازمان و شرکت به سر می‌برید، مدیریت در شرکت‌های صنعت احداث را به رهبری خلاق نوگراها و فرانواگراها بسپارید. اینها نسل نو انقلاب صنعتی چهارم هستند، که دگرگونی در ماهیت کار و روابط کار و مفاهیم توسعه را در ده پانزده سال آینده و حتی در افق ۱۴۰۴ ایرانی جستجو می‌کنند. سازمان‌ها بایستی به کشف این افراد پردازند و در عین حال میدان را برای پذیرش آنها در بسترهای مدیریتی سازمان فراهم نمایند.

■ فرا نوگراها برآنند که به جای ادامه و اعمال برنامه ریزی صلب و خشک، فرایند برنامه‌ریزی را با انعطاف پذیری و نوآوری درآمیزند. سازماندهی استاتیک رابه سازماندهی پویا و منعطف تبدیل کنند. به جای فرماندهی برکارکنان به ترغیب همراهان و کارآفرینان روی آورند و به جای کنترل و اعمال سیستم‌های پیچیده کنترلی، به خود کنترلی افراد برسند و بالاخره به جای هماهنگ نمودن و چیدمان و تفکیک



وظائف، به هم افزائی گروهی و هم آفرینی جمعی برسند.

فرانگوگراها به دنیای دیجیتال ورود کرده اند که باور دارند تغییرات شگرف و پرشتاب از قدرت هضم و درک و برنامه ریزی بشر خارج شده و به سیستمهای دیجیتالی و هوش مصنوعی و آواتارها سپرده شده اند. به دنیای دگرگونی کار و روابط کار که نهایتاً توسعه پایدار را در بیکاری مطلق یدی و حتی فکری انسانها تعریف خواهد کرد. روبات ها و مکاترونیک ها با انجام کارهای فیزیکی، ذهن و وقت انسانها را آزاد و به خود معطوف خواهند کرد. دنیای اینترنت اشیا ی فکور و "مطلع" که با همدیگر و با انسان ارتباط داشته، قدرت پردازش دارند و حتی به جای شما فکر نموده و قدرت یادگیری خواهند داشت. در همین چندسال به جهان معرفی و فراگیر خواهد نمود. این اشیاء شبیه شما را با تمام احساس پنجگانه به دنیای سه بعدی و پراحساس در هر نقطه جهان، در هزارتوی پروژه ها، به کنفرانس ها و جلسات زنده و واقعی، به کارخانه های

تولیدی مورد نظر و ارائه نظرات اصلاحی، به موزه ها و آثار باستانی و به بهترین تفریحگاه ها در شرایط طبیعی خواهند برد.

■ دنیایی بدون مهندس و وکیل و استاد دانشگاه و پزشک عمومی و بسیاری مشاغل دیگر که از هم اکنون نیز بدان فضا ورود پیدا شده است.

■ دنیایی که شبیه شما را با شبیه کلیه نیروی انسانی سازمان شما در تماس تنگاتنگ و لحظه ای قرار می دهد و از بسیاری مشکلات و نیازهای مدیریتی و ارگونومیک خواهد کاست.

توجه به این روندها و تغییرات، ذهن مدیران فعلی را باید به کجا هدایت کند؟ مسلماً خود این مدیران هوشمند و مجرب به شرایط فعلی و استمرار مدیریت پنجاه ساله در راه خدمت و تولید و اشتغال و احیانا تربیت انسانهایی نظیر خودشان رأی نخواهند داد چرا که دیگر ابزار مدیریت نوین برای آنها چندان شناخته شده و مشخص نیست و در

دسترس و فرمانشان هم نیست! شاید کشف مدیران و انسانهای نوگرا و نوآفرین و پژوهشگران و کاشفان آینده برای استمرار چرخه عمر سازمان ها بهترین و آخرین پیشنهاد برای رهبران پیش کسوت ما باشد.

باید ابزار و راهکاری بیابیم که شأن و شایستگی و جایگاه مدیریت های مدرن، معتبر و قابل اعتماد را در جامعه صنعت احداث تثبیت و به مدیران پیش کسوت معرفی نماییم.

شناسائی، تشخیص صلاحیت و رتبه بندی مدیران شایسته در صنعت احداث از جمله این پیشنهادات است که در شکل های صنعت احداث منطبق با ماده ۱۷ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار باید هرچه زودتر بدان بپردازند و مدیران ارجمند و پیش کسوت را در تبدیل نظام مالکیتی به نظام مدیریتی و رفع دغدغه های ماندگاری شرکت های خود یاری نمایند.

تسلیت

جناب آقای عباس مومنی

درگذشت همسر گرامی تان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

جناب آقای بهروز اکبری

همکار محترم

درگذشت والده گرامی را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران